



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ویژگی‌های اصلی نظام‌های حل و فصل

مؤثر مؤسسات مالی

(به انضمام پیوست‌های مربوطه)

۱۵ اکتبر ۲۰۱۴

از انتشارات هیأت ثبات مالی

گروه مترجمین:

دکتر فرهاد علی‌نژاد مهربانی

محمد هانفی سرابی

فردین فدایی

معاونت نظارت

بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران

بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

معاونت نظارت



استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	پیشگفتار.....
۴.....	مقدمه.....
۶.....	۱-دامنه.....
۷.....	۲-مقام حل و فصل مالی.....
۸.....	۳-اختیارات حل و فصل مالی.....
۱۳.....	۴-تهاتر بدهی ها در مقابل طلبها، تسویه قراردادی، وثیقه گیری، تقکیک دارایی های مشتریان.....
۱۴.....	۵-تمهیدات حفاظتی(قانونی).....
۱۶.....	۶-تأمین مالی مؤسسات مالی در حال حل و فصل.....
۱۷.....	۷-شرایط چارچوب قانونی برای همکاری های برون مرزی.....
۱۸.....	۸-گروه های مدیریت بحران.....
۱۹.....	۹-توافقات همکاری برون مرزی نهاد محور.....
۲۰.....	۱۰-ارزیابی های حل و فصل پذیری.....
۲۲.....	۱۱-برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی.....
۲۴.....	۱۲-دسترسی و به اشتراک گذاری اطلاعات.....
	ضمیمه یک-رهنمود کلی برای اجرای ویژگی های اصلی
۲۷.....	پیوست یک- به اشتراک گذاری اطلاعات برای اهداف حل و فصل مالی.....
۳۶.....	پیوست دو- عناصر ضروری موافقت نامه های همکاری برون مرزی نهاد محور.....
۴۳.....	پیوست سه- ارزیابی حل و فصل پذیری.....
۵۲.....	پیوست چهار-عناصر ضروری برنامه های بازسازی و حل و فصل.....
۶۲.....	پیوست پنجم- تعلیق موقت حقوق انقضا پیش از موعد.....
	ضمیمه دو-رهنمود بخش محور
۶۶.....	پیوست یک- حل و فصل مالی زیرساخت های بازار مالی و فعالان بازارهای مالی.....
۸۹.....	پیوست دو- حل و فصل بیمه گران (فعالان بازار بیمه).....
۸۹.....	پیوست سه- حفاظت از دارایی مشتری در حل و فصل مالی.....

پیشگفتار

ویژگی‌های اصلی نظام‌های حل و فصل مؤثر مؤسسات مالی^۱ به عناصر اصلی ضروری اشاره دارد که هیأت ثبات مالی^۲ برای داشتن یک نظام حل و فصل مالی مؤثر تعیین نموده است. از جمله دلالت‌های ویژگی‌های مذکور این است که مقامات مسئول، مؤسسات مالی را در حالی که ارائه خدمات کلیدی آن‌ها تداوم می‌یابد، بدون این که زیانی متوجه مالیات‌دهندگان شود، مورد حل و فصل قرار دهند.

هیأت ثبات مالی ویژگی‌های اصلی را در نشست Plenary سال ۲۰۱۱ ارائه نمود و سران کشورهای گروه بیست آن را در نشست Cannes با عنوان استانداردهای بین‌المللی جدید برای نظام‌های حل و فصل مالی امضا نمودند. ویژگی‌های اصلی به مجموعه دوازده‌بندی اشاره دارد که باید در نظام حل و فصل مالی همه کشورهای عضو لحاظ گردد که شامل موارد ذیل می‌گردد:

- ۱- دامنه
- ۲- مقام حل و فصل مالی
- ۳- اختیارات حل و فصل مالی
- ۴- تهاوتر بدهی‌ها در مقابل طلب‌ها، تسویه قراردادی، وثیقه‌گیری، تقطیک دارایی‌های مشتریان
- ۵- تمهیدات حفاظتی (قانونی)
- ۶- تأمین مالی در حل و فصل مالی
- ۷- شرایط چارچوب حقوقی برای همکاری‌های برون مرزی
- ۸- گروه‌های مدیریت بحران
- ۹- توافقات همکاری برون مرزی نهاد محور
- ۱۰- ارزیابی‌های حل و فصل پذیری
- ۱۱- طراحی بازسازی و حل و فصل مالی
- ۱۲- دسترسی و به اشتراک گذاری اطلاعات

نسخه ۲۰۱۴ سند

زمانی که اعضای هیأت ثبات مالی سند ویژگی‌های اصلی را در سال ۲۰۱۱ تکمیل می‌کردند موافقت نمودند که رهنمودهای بیشتری برای تکمیل ویژگی‌های مرتبط با نظام‌های حقوقی، شرایط بازار و بطور

^۱- The Key Attributes of Effective Resolution Regimes for Financial Institutions (KAs)

^۲ Financial Stability Board (FSB)



اخص بازارهای هدف (نظیر زیرساخت‌های بازار بیمه و بورس) کشورهای مختلف به نگارش درآوردند تا اثر بخشی و ثبات ویژگی‌های اصلی در کشورهای مختلف تقویت شود.

در سال ۲۰۱۴، هیأت ثبات مالی رهنمودهایی در خصوص اشتراک‌گذاری اطلاعات مربوط به حل و فصل مالی و اجزای بازار را ارایه نمود که بر آن اساس، ویژگی‌هایی را برای استفاده در بازارهای بیمه، زیرساخت‌های بازار مالی و حمایت از دارایی‌های مشتری در فرآیند حل و فصل مالی به ویژگی‌های اصلی اضافه گردید.

اسناد فوق‌الذکر به عنوان ضمیمه‌هایی در ویرایش جدید سند ویژگی‌های اصلی سال ۲۰۱۴ لحاظ شده است و هیچ‌گونه تغییری در متن دوازده ویژگی اصلی سند اکتبر ۲۰۱۱ روی نداده است. دوازده ویژگی اصلی به عنوان استانداردهای اصلی برای نظام‌های حل و فصل مالی همه انواع مؤسسات مالی که می‌توانند در مواقع شکست دارای آثار سیستمی باشند، را پوشش داده‌اند.

هیأت ثبات مالی برای فراهم نمودن رهنمودهای بیشتر به منظور ارتقای اجرای سازگار و موثر ویژگی‌های اصلی اقدام خواهد نمود.

پیوست‌های ویژگی‌های اصلی

پیوست‌های ویژگی‌های اصلی، رهنمودهایی برای اجرا و تفسیر ویژگی‌های اصلی فراهم می‌کند. آنها به عنوان بخشی از ویژگی‌های اصلی محسوب نمی‌شوند. در حالی که اجزای پیوست‌ها برای اهداف ارزیابی تطبیق با ویژگی‌های اصلی مهم به نظر می‌رسند لیکن این اجزا در روش‌شناسی ارزیابی ویژگی‌های اصلی نشان داده شده‌اند.^۱ پیوست‌های ویژگی‌های اصلی در دو ضمیمه قابل بیان است:

ضمیمه یک: رهنمود کلی برای اجرای ویژگی‌های اصلی

پیوست یک - به اشتراک‌گذاری اطلاعات برای اهداف حل و فصل مالی

پیوست دو - عناصر اصلی ترتیبات همکاری مؤسسه محور بین‌المللی

پیوست سه - ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری

پیوست چهار - عناصر اصلی طرح‌های بازسازی و حل و فصل مالی

پیوست پنج - تعلیق موقت حقوق انقضای پیش از موعد قراردادها

ضمیمه دو: رهنمود بخش محور

پیوست یک - حل و فصل مالی زیرساخت‌های بازار مالی و فعالان بازارهای مالی

پیوست دو - حل و فصل مالی بیمه‌گران

پیوست سه - حمایت از دارایی مشتریان در حل و فصل مالی

^۱ - نسخه نهایی روش‌شناسی ارزیابی انتظار می‌رود در اوایل ۲۰۱۵ منتشر گردد.



رهنمود بخش محور به تشخیص این موضوع می‌پردازد که نه تنها همه ویژگی‌های اصلی برای همه بخش‌ها مناسب است بلکه برخی بخش‌ها نیازمند توضیح، تفسیر و تطبیق بیشتر به منظور اجرای موثر هستند. رهنمود بخش محور نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های اصلی در بخش خاصی قابل درک است. رهنمود مذکور ویژگی‌های اصلی را تکمیل می‌کند و این رهنمود باید در یک ویژگی خاص در ارتباط با ویژگی‌های اصلی مرتبط با آن مورد ملاحظه قرار گیرد. از این مطلب نباید چنین برداشت شود که ویژگی‌های اصلی یا بخشی از آن بطور ساده‌ای قابل اعمال است، زیرا هیچ‌گونه توضیحات اضافه در پیوست مربوطه وجود ندارد.



مقدمه

اهداف یک نظام حل و فصل مالی مؤثر این است که حل و فصل مالی مؤسسات مالی را بدون آسیب جدی سیستمی و بدون تحمیل زیان به مالیات دهندگان امکان پذیر نماید. ضمن آن که از عملکردهای حیاتی اقتصادی از طریق ایجاد سازوکارهای جذب زیان برای سهامداران و طلبکاران تضمین نشده و بیمه نشده که در سلسله مراتب تصفیه بدهی ها لحاظ می شوند، حفاظت نماید.

یک نظام حل و فصل مالی مؤثر (دارای ترتیبات و طرح های کاربردی برای حمایت از سپرده گذاران، بیمه گذاران و سرمایه گذاران خرد) باید:

۱- از تداوم خدمات مالی مهم و سیستمی و عملکردهای نظام پرداخت، تسویه، باز پرداخت اطمینان حاصل نماید؛

۲- از سپرده گذاران، بیمه گذاران و سرمایه گذارانی که توسط ترتیبات و طرح های بیمه ای پوشش داده شده اند، حمایت کند و همچنین از استرداد سریع دارایی های تفکیک شده مشتریان اطمینان حاصل کند؛

۳- زیان ها به مالکان (سهامداران)، طلبکاران بیمه نشده و تضمین نشده با توجه به سلسله مراتب مطالبات آن ها تخصیص یابد؛

۴- به حمایت مالی عمومی و عدم ایجاد انتظارات در خصوص در دسترس بودن چنین حمایت هایی اتکا ننماید؛

۵- از تخریب غیر ضروری ارزش ها اجتناب کند و بنابراین هزینه های کلی حل و فصل مالی در کشورهای میزبان و مبدأ را به حداقل برساند و همچنین در هماهنگی با سایر اهداف نسبت به حداقل سازی زیان وارده به طلبکاران اقدام نماید.

۶- زمینه های قانونی را برای ایجاد سرعت، شفافیت و پیش بینی پذیر بودن و همچنین ایجاد رویه های شفاف و طرح های پیشرفته برای حل و فصل مالی نظام مند فراهم نماید؛

۷- زمینه های حقوقی برای همکاری، تبادل اطلاعات، هماهنگی داخلی و حسب مورد هماهنگی با مقامات حل و فصل مالی خارجی، قبل و حین حل و فصل مالی فراهم نماید؛

۸- اطمینان از اینکه مؤسسات مالی متوقف می توانند به روش نظام مند از بازار خارج شوند؛

۹- معتبر باشد و از این طریق نظم بازار را ارتقا دهد و انگیزه هایی را برای راه حل های بازار محور در حل و فصل مالی ایجاد نماید.



کشورها بایستی نظام حل و فصل مالی داشته باشند که مقام حل و فصل، دامنه وسیعی از ابزارها و اختیارات برای حل و فصل یک مؤسسه مالی که قابل احیا نیست و یا انتظار معقولی برای احیا شدن آن وجود ندارد، دارا باشد. نظام حل و فصل مالی باید دارای ابزارهای ذیل باشد:

۱- ابزارهای تثبیت‌کننده نظیر فروش بخشی از مؤسسه مالی یا همه آن به شخص ثالث به طور مستقیم یا از طریق مؤسسه واسطه بطور غیرمستقیم، و یا تجدید سرمایه از طریق طلبکاران آن مؤسسه به منظور تداوم عملکردهای مهم سیستمی؛

۲- ابزارهای تصفیه به منظور انحلال نظام‌مند و واگذاری همه یا بخشی از خطوط تجاری مؤسسه مالی به منظور حمایت از سپرده‌گذاران بیمه شده، طلبکاران ضمانت شده و سایر مشتریان خرد.

به منظور تسهیل حل و فصل مالی مشترک مؤسساتی که در چندین کشور فعالند و همچنین ایجاد همگرایی در نظام‌های حل و فصل مالی، کشورها باید نسبت به انجام تغییرات قانونی ضروری برای ایجاد ابزارها و اختیارات مشخص شده در ویژگی‌های اصلی، اقدام نمایند.



۱- دامنه^۱

۱-۱- هر نهاد مالی که از نظر سیستمی مهم باشد یا ورشکستگی آن حیاتی باشد، باید تحت یک نظام حل و فصل مالی که دارای ویژگی‌های مندرج در این سند است، قرار گیرد. نظام مذکور باید نسبت به مؤسسات مالی شفافیت عمل داشته باشد. دامنه عملیات نظام حل و فصل مالی شامل:

الف- مؤسسات مالی هلدینگ یک مؤسسه مالی؛

ب- واحدهای اجرایی در داخل یک نهاد یا مجموعه یا گروه مالی که تحت نظارت نیستند، لیکن حائز اهمیت برای کسب و کار مجموعه یا گروه مالی می باشند؛

ج- شعب مؤسسات مالی خارجی^۲.

۱-۲- زیرساخت‌های بازار مالی^۳ باید مبتنی بر نظام حل و فصل مالی باشند که اهداف و الزامات ویژگی‌های کلیدی به نحوی که برای مؤسسات مالی و نقش حیاتی آنها در بازارهای مالی مناسب است، قابل اجرا باشند. انتخاب اختیار حل و فصل مالی باید با توجه به نیاز به حفظ استمرار کارکردهای مهم زیرساخت‌های بازار مالی صورت گیرد.

۱-۳- نظام حل و فصل مالی باید حداقل نهادهای مالی داخلی که اهمیت سیستمی بین‌المللی دارند، را ملزم کند تا:

الف- یک برنامه بازسازی و حل و فصل مالی که شامل برنامه حل و فصل مالی گروه مالی است، را بر اساس اجزای ارزی شده در پیوست چهار داشته باشند. (ویژگی شماره (۱۱) را ببینید.)

ب- مشمول ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری منظم قرار گیرند. (ویژگی شماره (۱۰) را ببینید.)

ج- مشمول توافقات همکاری برون مرزی مربوط به نهادهای مالی باشند. (ویژگی شماره (۹) را ببینید.)

^۱ Scope

^۲ این مورد نباید در خصوص کشورهایی که الزامات محدودکننده خاصی در مورد حل و فصل مالی مؤسسات مالی توسط کشور مبدأ اعمال می‌گردد، بکاربرده شود. (برای مثال دستورالعمل‌های تجدید ساختار و انحلال اتحادیه اروپا)

^۳ Financial market infrastructures (FMIs): عبارت زیرساخت‌های بازار مالی در این سند به عنوان یک سیستم چندگانه مربوط به مؤسسات مالی است که برای اهداف ثبت، تسویه پرداخت‌ها، اوراق بهادار و مشتقه و یا سایر معاملات مالی بکاربرده می‌شوند. این زیرساخت‌ها شامل سیستم‌های پرداخت، سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار، سیستم تسویه اوراق بهادار، تسویه مرکزی وجوه (CCP) و سپرده‌گذاری تجاری می‌باشند.



۲- مقام حل و فصل مالی^۱

۱-۲ هر کشوری باید مقام اجرایی یا مسئول برای اجرای حل و فصل مالی نهادهای مالی مشمول نظام حل و فصل مالی را داشته باشد (مقام حل و فصل). در صورتی که بیش از یک مقام حل و فصل مالی در داخل یک کشور وجود داشته باشد، الزامات، نقش ها و مسئولیت های آن ها باید بطور شفاف تعریف و هماهنگ شده باشد.

۲-۲ در صورتی که در کشوری مقامات حل و فصل مالی متعددی مسئول حل و فصل مالی نهادهای مختلف متعلق به یک گروه مالی را بر عهده داشته باشند، نظام حل و فصل مالی آن کشور باید یک مقام مسئول را به منظور راهبری و هماهنگی انجام حل و فصل مالی نهادهای حقوقی مذکور تعیین نماید.

۳-۲ مقام حل و فصل مالی به عنوان بخشی از اهداف و عملکردهای قانونی وی، با هماهنگی سایر مقامات در صورت لزوم، باید:

الف- بدنبال ثبات مالی بوده و استمرار خدمات مالی، پرداخت ها، عملیات وصول و تسویه را که از لحاظ سیستمی مهم می باشند، تضمین نماید؛

ب- با هماهنگی و بکار بردن طرح های بیمه و ترتیبات مربوطه، از سپرده گذاران، بستانکاران و سرمایه گذاران مشمول حمایت بیمه ای که به واسطه طرح های بیمه ای پوشش داده شده اند، محافظت نماید؛

ج- از تخریب غیر ضروری ارزش دارایی ها جلوگیری کرده و هزینه های کلی حل و فصل مالی را در داخل و خارج از کشور به حداقل برساند و ضرر و زیان طلبکاران را مطابق با اهداف قانونی به حداقل برساند.

د- تأثیر بالقوه اقدامات حل و فصل مالی را بر ثبات مالی در سایر کشورها لحاظ کند.

۴-۲ مقام حل و فصل مالی باید اختیار انعقاد قرارداد با مقامات حل و فصل مالی سایر کشورها را داشته باشد.

۵-۲ مقام حل و فصل مالی باید استقلال عملیاتی متناسب با مسئولیت های قانونی خود، فرآیندهای شفاف، حاکمیت سالم و منابع کافی داشته باشد و تحت سازوکار ارزیابی و حسابرسی دقیق به منظور ارزیابی اثربخشی هر اقدام حل و فصل مالی قرار گیرد. مقام مذکور باید دارای

^۱ Resolution authority



کارشناسان، منابع و توان عملیاتی به منظور اجرای اقدامات حل و فصل مالی در رابطه با نهادهای مالی بزرگ و پیچیده باشد.

۲-۶- مقام حل و فصل مالی و کارکنان آن باید در مقابل تعهدات ناشی از اقدامات انجام شده و تسامح های صورت گرفته در حین انجام وظیفه حل و فصل مالی، نظیر اقداماتی در راستای اجرای فرآیندهای حل و فصل مالی خارجی که در کمال حسن نیت بوده، مورد حمایت قرار گیرند.

۲-۷- مقام حل و فصل مالی باید به مؤسسات مالی که در تحقق اهداف حل و فصل مالی، کسب آمادگی و اجرای اقدامات مربوط به حل و فصل از اهمیت بالایی برخوردار هستند، دسترسی بی قید و شرط داشته باشد.

۳- اختیارات حل و فصل مالی^۱ ورود به حل و فصل مالی

۳-۱- حل و فصل مالی باید در صورتی انجام پذیرد که نهاد مربوطه قابل احیا نبوده یا هیچ چشم انداز معقولی برای بازسازی آن وجود ندارد. نظام حل و فصل مالی باید قبل از اینکه مؤسسه مالی یا نهاد مذکور به بی مایگی ترازنامه ای برسد و قبل از اینکه تمام سرمایه آن به طور کامل از بین برود، ورود به موقع و به هنگام به امر حل و فصل مالی آن داشته باشد. باید استانداردهای شفاف یا شاخص های مناسب مبنی بر عدم امکان بازسازی نهاد مزبور وجود داشته باشد تا مقام حل و فصل بتواند در تصمیم گیری در جهت اینکه نهاد مذکور شرایط ورود به امر حل و فصل مالی را دارد کمک کند.

اختیارات عمومی حل و فصل مالی

۳-۲- مقامات حل و فصل مالی باید اختیارات گسترده ای را در رابطه با حل و فصل مالی داشته باشند. اختیارات مذکور برای انجام موارد زیر بکار گرفته می شود:

الف- عزل و جایگزینی مدیریت و مدیران ارشد و بازگرداندن پول ها از افراد مسئول از جمله استرداد جبران خدمات متفاوت پرداخت شده.

ب- انتصاب یک مدیر اجرایی به منظور کنترل و مدیریت مؤسسه مالی با هدف بازگرداندن مؤسسه مالی یا بخشی از کسب و کار آن به حالت پایدار و مستمر.

^۱ Resolution powers



ج- اداره کردن و حل و فصل مؤسسه مالی از جمله داشتن اختیارات جهت پایان دادن به قراردادهای، ادامه یا امضای قراردادهای، خرید یا فروش داراییها، ارزش گذاری بدهیها و انجام هر اقدام لازم جهت تجدید ساختار یا جمع کردن عملیات مؤسسه یا نهاد مذکور.

د- تضمین استمرار خدمات و کارکردهای مهم با ملزم کردن سایر مؤسسات مالی هم گروه به ادامه ارایه خدمات مذکور به مؤسسه مالی تحت حل و فصل مالی، مؤسسه جایگزین یا خریدار؛ اطمینان از اینکه باقیمانده مؤسسه در حال حل و فصل مالی بتواند به طور موقت خدمات مذکور را به نهاد جایگزین یا نهاد تملیک کننده ارایه نماید؛ یا خدمات ضروری را از نهاد ثالثی دریافت نماید.

ه- اختیار لغو حقوق سهامداران مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی از جمله لغو نیاز به تأیید سهامداران در رابطه با نقل و انتقالات خاص را به منظور انجام ادغام، تملیک، فروش بخش عمده ای از عملیات کسب و کار، تجدید سرمایه و سایر اقدامات جهت تجدید ساختار و واگذاری کسب و کار مؤسسه مالی یا بدهیها و داراییهای آن، داشته باشد.

و- انتقال یا فروش داراییها و بدهیها، حقوق و تعهدات قانونی از جمله بدهیهای سپرده ای و فروش سهام به یک مؤسسه مالی ثالث دارای توانایی مالی، را بدون نیاز به کسب رضایت یا تغییر تعهدات داشته باشد. (ویژگی شماره ۳-۳ را ببینید).

ز- تأسیس نمودن یک نهاد انتقالی موقت به منظور در دست گرفتن امور و تداوم اجرای امور و عملیات ضروری و سالم مؤسسه مالی ورشکست شده. (ویژگی شماره ۳-۴ را ببینید).

س- تأسیس یک نهاد مدیریت دارایی مجزا (برای نمونه نهاد مذکور می تواند به عنوان یک مؤسسه مالی تابعه از مؤسسه مالی بحران زده باشد که دارای اساسنامه جداگانه باشد یا یک مؤسسه مالی مدیریت دارایی یا یک مؤسسه مالی امانی باشد) و انتقال وامهای معوق یا داراییهایی که ارزش گذاری آنها دشوار می باشد به نهاد مذکور جهت مدیریت آنها.



ش- اجرای عملیات نجات از درون در حل و فصل مالی به عنوان ابزاری جهت دستیابی یا کمک به دستیابی به تداوم عملیات ضروری مؤسسه مالی به وسیله ۱- تجدید سرمایه در نهاد متوقف به منظور ایجاد توان انجام فعالیت‌های ضروری؛ ۲- اعطای سرمایه به نهادهای جدید یا نهاد واسطه که عملیات ضروری مؤسسه مالی متوقف به آن‌ها انتقال یافته است (که به این ترتیب، باقیمانده کسب و کار مؤسسه مالی به پایان رسیده و مؤسسه مالی تصفیه می‌شود). (ویژگی شماره ۳-۵ را ببینید).

ص- تعلیق موقت اجرای حقوق انقضای پیش از موعد قراردادها که در مواقع آغاز حل و فصل مالی یا استفاده از اختیارات حل و فصل مالی، تعلیق موقت اجرای حقوق مذکور را امکان‌پذیر می‌سازد. (ویژگی شماره ۴-۳ و پیوست چهار را ببینید).

ط- معوق کردن بدهی‌ها از طریق به تعویق انداختن پرداخت‌ها به طلبکاران و مشتریان تضمین‌نشده (به غیر از پرداخت‌ها و انتقال دارایی‌ها به مؤسسه مالی تسویه مرکزی (CCP) و پرداخت‌ها و انتقال‌هایی که در نظام پرداخت و تسویه ثبت شده‌اند) و تعلیق اقدامات طلبکاران جهت توقیف دارایی‌ها یا دریافت پول یا دارایی‌های مالی از مؤسسه مالی، در حالی که الزامات تسویه قراردادی^۱ و توافقات وثیقه‌گیری مورد حمایت می‌باشد.

ظ- متوقف کردن مؤسسه مالی در حال ورشکستگی و انجام تصفیه عادی تمام یا بخشی از آن با پرداخت زمان‌بندی شده یا انتقال سپرده‌های بیمه شده و دسترسی سریع (برای مثال در مدت هفت روز) به حساب‌های معاملاتی (جاری) و تفکیک وجوه مشتریان.

انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها

۳-۳- مقامات حل و فصل مالی باید اختیار انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های منتخب مؤسسه مالی متوقف را به نهاد ثالث یا نهاد جدید التاسیس واسطه داشته باشند. هرگونه انتقال دارایی یا بدهی نباید: الف- مستلزم اخذ رضایت از اشخاص ذینفع یا طلبکاران به منظور قانونی نمودن اقدامات مذکور باشد.

۱- netting



ب- به ایجاد وضعیت نکول یا نقض قرارداد در ارتباط با دارایی‌ها یا بدهی‌ها و هر گونه تعهد انتقالی که مؤسسه مالی متوقف عضوی از طرف تعهد آن‌هاست، منجر گردد. (ویژگی شماره ۴-۲ را ببینید.)

نهاد انتقالی

۳-۴- مقامات حل و فصل مالی باید اختیار ایجاد یک یا چند نهاد واسطه جهت به دست گرفتن امور و ادامه فعالیت عملیات ضروری و حیاتی مؤسسه مالی متوقف را داشته باشند، از جمله:

الف- اختیار ورود به توافقات قانونی قابل اجرا که بر اساس آن‌ها مقامات تصفیه بتوانند

دارایی‌ها و بدهی‌های منتخب مؤسسه مالی متوقف را به نهاد واسطه انتقال دهند.

ب- اختیار ایجاد شرایط و ضوابطی که به واسطه آن‌ها نهاد انتقالی، نهادی فعال^۱ باشد، را

داشته باشد؛ از جمله شیوه‌ای که به موجب آن سرمایه، تأمین مالی عملیاتی و سایر

پشتیبانی‌های نقدی حاصل گردد، الزامات و مقررات احتیاطی در خصوص عملیات نهاد

واسطه اعمال گردد، انتخاب مدیریت و نحوه اداره حاکمیت نهاد انتقالی و انجام سایر

عملیات موقت توسط نهاد انتقالی که مقامات در زمان‌های مختلف تجویز می‌کنند،

شامل گردد.

ج- اختیار معکوس نمودن انتقال دارایی و بدهی به نهاد انتقالی در مواقع ضروری مشروط

به وجود تمهیدات حفاظتی قانونی مناسب از جمله محدوده‌های زمانی.

د- اختیار برنامه‌ریزی برای فروش یا به پایان رساندن فعالیت نهاد انتقالی، یا فروش

بخشی یا کل دارایی‌ها و بدهی‌ها به نهاد خریدار بطوری که به بهترین وجه اهداف

مقامات حل و فصل مالی تأمین گردد.

نجات از درون در فرآیند حل و فصل مالی

۳-۵- داشتن اختیار اجرای نجات از درون در فرآیند حل و فصل مالی باید بتواند مقامات حل و فصل

مالی را قادر کند تا موارد ذیل را انجام دهند:



الف- کاهش ارزش^۱ سهام یا سایر ابزار مالکیت مؤسسه مالی و مطالبات تضمین نشده و بیمه نشده به منظور جذب کامل زیان وارده، به نحوی که سلسله مراتب تصفیه مطالبات در فرآیند تصفیه، رعایت گردد. (ویژگی ۵-۱ را ببینید)

ب- تبدیل تمام یا بخشی از مطالبات تضمین نشده یا بیمه نشده به سهام یا سایر ابزارهای مالکیت مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی (یا هر جایگزین دیگر در حل و فصل مالی یا مؤسسه مالی مادر در داخل همان کشور)، به نحوی که سلسله مراتب مطالبات در تصفیه رعایت گردد.

ج- با ورود به حل و فصل مالی، در خصوص هرگونه ابزارهای نجات از درون قابل تبدیل و محتمل، که بر حسب قرارداد مربوطه، شرایط آنها پیش از آغاز حل و فصل مالی تأمین نشده باشد، تبدیل نموده یا کاهش ارزش دهد و آنها را به عنوان ابزارهای اشاره شده در بندهای (الف) و (ب) است، محسوب نماید.

۳-۶- نظام حل و فصل مالی باید امکان بکارگیری ابزار نجات از دورن را با سایر ابزارهای حل و فصل مالی فراهم نماید، (برای مثال از میان برداشتن دارایی‌های مشکل‌دار، جایگزینی مدیریت ارشد و تعیین و اجرای برنامه کسب و کار جدید) تا از امکان ادامه فعالیت مؤسسه مالی یا نهاد تازه تأسیس شده پس از اجرای عملیات نجات از دورن اطمینان حاصل نماید.

حل و فصل مالی بیمه گران

۳-۷- در مورد مؤسسات مالی بیمه، مقامات حل و فصل مالی باید اختیارات ذیل را داشته باشند:

الف- انتقال تمام یا بخشی از کسب و کار بیمه به بیمه‌گر دیگر، بدون نیاز به اخذ رضایت یا تأییدیه از هر یک از بیمه‌گذاران؛

ب- توقف انجام کسب و کار جدید توسط مؤسسه مالی بیمه در حال حل و فصل مالی، در حالی که اجرای تعهدات قراردادهای بیمه برای کسب و کار موجود ادامه می‌یابد.

اجرای اختیارات حل و فصل مالی

۳-۸- مقامات حل و فصل مالی باید ظرفیت قانونی و عملیاتی جهت انجام امور ذیل را داشته باشند:

^۱ write down



الف- اعمال اختیارات حل و فصل مالی به صورت تکی با ترکیبی و انجام اقدامات حل و فصل مالی به صورت ترکیبی یا سلسله مراتبی؛

ب- اعمال ابزارهای مختلف حل و فصل مالی به بخش های مختلف کسب و کار مؤسسه مالی (برای مثال بانکداری تجاری و خرد، عملیات تجاری، بیمه)؛

ج- اقداماتی را جهت پایان دادن به فعالیت هایی که از نظر مقامات برای نظام مالی یا اقتصادی حائز اهمیت چندانی نیستند، آغاز نماید. (ویژگی ۳-۲ را ببینید.)

۳-۹- در اعمال اختیارات حل و فصل مالی در خصوص تک تک اجزای یک گروه مالی در یک کشور، مقام حل و فصل مالی باید تأثیراتی را که اقدامات وی بر کل گروه و بر ثبات مالی در سایر کشورها ایجاد می نماید را لحاظ کرده و تلاش نماید تا از اقداماتی که باعث ایجاد عدم ثبات در سایر بخش های گروه یا در نظام مالی می گردد، جلوگیری کند.

۴- تهاتر بدهی ها در مقابل طلب ها، تسویه قراردادی، وثیقه گیری، تفکیک دارایی های مشتریان^۱

۴-۱- چارچوب قانونی حاکم بر حقوق تهاتر بدهی ها در مقابل طلب ها، تسویه قراردادی، توافقات وثیقه گیری و تفکیک دارایی های مشتریان در طی دوران بحران یا حل و فصل مالی مؤسسات مالی باید روشن، شفاف و الزام آور باشد و نباید در اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل مالی مانعی ایجاد نماید.

۴-۲- مشروط به وجود تمهیدات قانونی، ورود به حل و فصل مالی و اجرای اختیارات حل و فصل مالی نباید موجب ایجاد حق و قراردادی به منظور تهاتر بدهی ها در مقابل طلب ها شود یا اینکه شرایطی را ایجاد کند که طرف های تجاری مؤسسه مالی بتوانند از حقوق تسریع در قراردادهایشان یا انقضای پیش از موعد تعهداتشان استفاده کنند.

۴-۳- در صورتی که حقوق تسریع در قراردادهای یا انقضای پیش از موعد آنها امکان پذیر باشد، مقام حل و فصل مالی صرفاً به دلیل ورود به فرآیند حل و فصل مالی یا در ارتباط با اجرای ابزارهای حل و فصل باید اختیار متوقف ساختن چنین امتیازاتی را به طور موقت داشته باشد. توقف مورد نظر در جریان امور باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف - محدود بودن به لحاظ مدت (برای مثال بازه زمانی که بیش از دو روز کاری نباشد)

^۱ Set-off, netting, collateralisation, segregation of client assets



ب - دارای پوشش قانونی مناسب جهت محافظت از انسجام قراردادهای مالی باشد و در طرف‌های تجاری اطمینان ایجاد کند. (در رابطه با شرایط توقف موقت به پیوست ۵ پیوست یک مراجعه شود.)

ج - عدم تأثیرگذاری بر اجرای حقوق ناظر بر انقضای پیش از موعد قرارداد توسط طرف‌های تجاری در مقابل مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی منوط به این که نقض قرارداد مذکور با ورود مؤسسه فوق به مرحله حل و فصل یا اجرای اختیارات مقام حل و فصل مالی را قبل، حین و بعد از توقف ارتباطی نداشته باشد. (برای مثال، ناتوانی مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی در انجام پرداخت و تحویل یا استرداد وثیقه در زمان سررسید)

توقف مذکور به دو صورت صلاح‌دید (در اختیار مقام حل و فصل مالی) یا خودکار در حین عملیات می‌تواند انجام گیرد. در هر دو حالت، کشورها باید اطمینان حاصل کنند که در شروع و پایان توقف شفافیت وجود داشته باشد.

۴-۴ - مقامات حل و فصل مالی باید توقف در استفاده از حقوق انقضای پیش از موعد قراردادها را مطابق رهنمودهای پیوست پنج ضمیمه یک اجرا کنند تا اطمینان حاصل کنند که ایمنی و انضباط عملیات مبادلات و زیرساخت‌های بازار مالی به خطر نیفتند.

۵- تمهیدات حفاظتی (قانونی)^۱

مدنظر قراردادان اصل اولویت‌بندی طلبکاران و اصل «وضعیت هیچ طلبکاری در جریان

حل و فصل مالی بدتر نمی‌شود»^۲.

۵-۱ - ابزارهای حل و فصل مالی باید به نحوی اجرا شوند که سلسله مراتب مطالبات را رعایت گردد، لیکن در صورت ضرورت می‌توان به منظور کنترل تأثیرات بالقوه سیستمی مؤسسه مالی ورشکسته یا حداکثر کردن منافع همه طلبکاران به صورت کل، از اجرای اصل عمومی برخوردار یکسان با طلبکاران هم عرض با ارائه دلایل شفاف خودداری نمود. به طور خاص، در وهله اول حقوق صاحبان سهام باید متحمل زیان‌های وارده باشد و هیچ خسارتی نباید متوجه صاحبان بدهی ممتاز باشد تا وقتی که بدهی‌های تبعی (که شامل همه ابزارهای سرمایه‌نظارتی می‌گردد)

^۱ -Safeguards

^۲ no creditors worse off (NCWO)



به طور کل به میزان زیان وارده کاهش ارزشی داشته باشند. (بدون توجه به اینکه جذب زیان‌ها توسط بدهی‌های تبعی همراه با تبدیل آنها به سهام بوده باشد یا خیر).

۲-۵- طلبکاران حق دارند در شرایطی که آن‌ها حداقل مبلغی که می‌توانستند در صورت ورود به تصفیه مؤسسه مالی تحت نظام ورشکستگی دریافت کنند را بدست نیاورند، مورد جبران خسارت واقع شوند. (تضمین اصل «وضعیت هیچ طلبکاری در جریان حل و فصل مالی بدتر نمی‌شود.»)

۳-۵- مدیران و کارشناسان مؤسسه مالی در حال حل و فصل باید از لحاظ حقوقی در مقابل اقداماتی که در تبعیت از تصمیمات مقامات حل و فصل مالی انجام داده‌اند، (برای مثال در مقابل دادخواهی قانونی سهامداران و بستانکاران) مورد حمایت (قانونی) قرار گیرند.

اصلاحات قانونی و اقدام قضایی

۴-۵- مقام حل و فصل مالی باید بر اساس راهکارها و رویه‌هایی که بطور اساسی توسط قانون حمایت شده باشند، توانایی اجرای ابزارهای حل و فصل مالی را با سرعت و انعطاف‌پذیری لازم داشته باشد. در کشورهایی که لازم است به منظور اجرای اقدامات حل و فصل مالی تصمیم دادگاه صادر شود، مقامات حل و فصل مالی باید این امر را در برنامه‌ریزی فرآیند حل و فصل لحاظ کنند تا مطمئن شوند که زمان لازم برای اقدامات دادگاه، اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل مالی را به خطر نمی‌اندازد.

۵-۵- مقام قانون‌گذار که نظام‌های حل و فصل مالی را ایجاد می‌کند، نباید اقدامات قضایی را مورد تصویب قرار دهد که موجب ایجاد محدودیت در اجرای اقدامات صورت گرفته توسط مقامات حل و فصل مالی یا معکوس نمودن آن اقدامات گردد که در چارچوب اختیارات قانونی آن‌ها و بر اساس حسن نیت انجام شده است. در عین حال، مقام قانون‌گذار باید در صورت توجیه‌پذیر بودن، با اعطای غرامت موجبات جبران خسارت را هم فراهم نماید.

۶-۵- به منظور حفظ اعتماد بازار، کشورها باید با هدف افزایش انعطاف‌پذیری، امکان مستثنی شدن موقت مؤسسات مالی از الزامات افشاء یا به تعویق انداختن آن را فراهم کنند. برای مثال، در صورتی که الزامات افشاء تحت قواعد ناظر بر گزارش دهی بازار، مقررات اداره موقت و احصای دارایی‌ها، اجرای موفقیت‌آمیز اقدامات حل و فصل مالی را تحت تأثیر قرار دهد، افشای اطلاعات مزبور به تعویق افتد.



۶- تأمین مالی مؤسسات مالی در حال حل و فصل^۱

۶-۱- کشورها باید قوانین و سیاست‌هایی را داشته باشند تا مقامات حل و فصل مالی را به استفاده از مالکیت عمومی یا منابع مالی نجات از بیرون (منابع عمومی) به عنوان ابزارهای حل و فصل مالی محدود نمایند.

۶-۲- در صورتی که منابع موقت تأمین مالی برای حفظ کارکردهای ضروری و به منظور دستیابی به حل و فصل مالی نظام‌مند لازم باشد، مقام حل و فصل مالی یا مقامی که تأمین مالی موقت را انجام می‌دهد، باید تمهیداتی را برای پوشش زیان‌های وارده از جانب ۱- سهامداران و بستانکاران ضمانت نشده مشروط به لحاظ نمودن اصل «وضعیت هیچ طلبکاری در جریان حل و فصل مالی بدتر از وضعیت زمان تصفیه نمی‌شود.» فراهم نماید (بند ۵-۲ را ببینید)، یا ۲- در صورت لزوم، از نظام مالی بطور گسترده‌تر کمک بگیرد.

۶-۳- کشورها باید نظام بیمه سپرده یا صندوق‌های حل و فصل مالی مبتنی بر تأمین مالی خصوصی یا سازوکار تأمین مالی پوششی مبتنی بر صنعت (بانکداری) با هدف فراهم نمودن منابع مالی موقت و تسهیل فرآیند حل و فصل مالی مؤسسه مالی تحت حل و فصل، داشته باشند.

۶-۴- هر گونه تمهیداتی که از سوی مقامات حل و فصل مالی به منظور تأمین مالی موقت اتخاذ گردد، باید مشمول شرایط سخت‌گیرانه‌ای باشد که مسأله مخاطرات اخلاقی را به حداقل برساند و شامل موارد ذیل گردد:

الف- مشخص نمودن این‌که تمهیدات تأمین مالی موقت به منظور ایجاد ثبات مالی ضروری بوده و اجرای حل و فصل مالی را که به بهترین نحو بتواند اهداف یک حل و فصل مالی نظام‌مند را به ثمر برساند، تسهیل می‌نماید. همچنین مشخص گردد که منابع مالی خصوصی تأمین مالی به اتمام رسیده یا منابع مذکور برای دستیابی به اهداف فوق‌الذکر کفایت نمی‌کند؛

ب- زیان‌های وارده بین صاحبان سهام توزیع شده و باقیمانده آن بین طلبکاران فاقد بیمه و ضمانت نشده، صنعت (بانکداری) از طریق ابزارهای ارزیابی‌های پوششی قبلی، حق عضویت بیمه یا سایر سازوکارها بطور مناسب توزیع شده است.

^۱ Funding of firms in resolution



۵-۶- بعضی از کشورها به عنوان آخرین گزینه و به منظور سعی در دستیابی به هدف حفظ ثبات مالی، ممکن است تصمیم بگیرند که این اختیار را داشته باشند که مؤسسه مالی تحت حل و فصل را به منظور ادامه فعالیت‌های حیاتی آن، تحت مالکیت و کنترل موقت دولتی قرار دهند، ضمن آن که به دنبال یک راه حل دائمی مثل فروش مؤسسه مذکور یا ادغام آن با یک خریدار تجاری بخش خصوصی می‌باشند. در صورتی که کشورها از چنین ابزارهای بهره‌مند باشند، آن‌ها باید تمهیدات لازم برای پوشش هر زیان وارده به دولت را از محل بستانکاران ضمانت نشده یا در صورت لزوم، از نظام مالی بطور گسترده‌تر فراهم نمایند.

۷- شرایط چارچوب قانونی برای همکاری‌های برون مرزی^۱

۱-۷- الزامات قانونی باید به مقام حل و فصل مالی قدرت، اختیار و انگیزه لازم به منظور اقدام برای دستیابی به راه حل همکاری با مقامات حل و فصل مالی خارجی را اعطا نماید.

۲-۷- قوانین و مقررات در کشورها نباید بگونه‌ای باشد که مداخله رسمی یا شروع امر حل و فصل مالی یا اقدامات مربوط به ورشکستگی مؤسسه مالی در یک کشور منجر به وقوع اقدامات خودکار در کشوری دیگر گردد، در حالی که حق اقدام ملی صلاح‌دیدی جهت دستیابی به ثبات داخلی در صورت عدم وجود همکاری مؤثر بین‌المللی و عدم مشارکت در اطلاعات محفوظ است. در صورتی که مقام حل و فصل مالی بنا به صلاح‌دید ملی اقدامی انجام دهد، باید تأثیر آن بر ثبات مالی در سایر کشورها را در نظر بگیرد.

۳-۷- مقام حل و فصل مالی باید ضمن داشتن اختیار حل و فصل مالی شعب داخلی مؤسسات مالی خارجی، توانایی استفاده از اختیاراتش را در حمایت از حل و فصل مالی صورت گرفته توسط مقام حل و فصل مالی کشور مبدأ را داشته باشد (برای مثال، صدور حکم انتقال دارایی در کشور خود به یک نهاد انتقالی که توسط مقام کشور مبدأ خارجی ایجاد شده است). همچنین مقام حل و فصل مالی باید در شرایط استثنایی که کشور مبدأ اقدامی انجام نمی‌دهد یا به نحوی اقدام می‌کند که به اندازه کافی نیاز حفظ ثبات مالی کشور میزبان را برآورده نمی‌کند، بتواند اقدامات لازم را بر اساس ابتکارات خود انجام دهد. در عین حال، مقام حل و فصل مالی که به عنوان مقام میزبان، اقدامات ملی مصلحتی انجام می‌دهد، باید از قبل در این زمینه به کشور مبدأ اطلاع‌رسانی نموده و با آن کشور مشورت نماید.

^۱ Legal framework conditions for cross-border cooperation



۴-۷- قوانین و مقررات ملی نباید بین طلبکاران بر اساس ملیت آن‌ها، محل مطالبه یا حوزه حاکمیتی که در آن مطالبه قابل پرداخت است تبعیض قایل شوند. نحوه برخورد با طلبکاران و رتبه‌بندی آن‌ها در موقع ورشکستگی باید به طور شفاف و بطور مناسب برای سپرده‌گذاران، بیمه‌شده‌ها و سایر بستانکاران افشا شود.

۵-۷- کشورها باید رویه‌های شفاف و تسریع‌کننده‌ای برای اثربخشی اقدامات حل و فصل مالی از سوی کشور خارجی بکارگیرند. این امر به دو روش میسر است که عبارتند از: ۱- به رسمیت شناختن رویه‌های تشخیص متقابل یا ۲- از طریق اجرای اقداماتی مطابق با نظام حل و فصل مالی داخلی که با اقدامات حل و فصل مالی که توسط مقام حل و فصل مالی خارجی صورت می‌گیرد همراستا بوده و سازگاری دارد. چنین اقدامات تشخیصی و حمایتی، به مقام حل و فصل مالی خارجی را قادر می‌سازد تا در شرایطی که مؤسسه مالی که تحت قانون کشور مزبور حل و فصل می‌گردد، مقام مزبور بتواند به طور مناسب کنترل سریع بر مؤسسه مالی (شعبه یا سهام در مؤسسه مالی وابسته) یا دارایی‌هایی از آن را که در کشور میزبان قرار دارند، داشته باشد. به رسمیت شناختن یا حمایت از اقدامات خارجی باید مشروط به برخورد عادلانه با طلبکاران در فرآیند حل و فصل مالی خارجی باشد.

۶-۷- در شرایطی که به اشتراک‌گذاری اطلاعات برای برنامه‌ریزی انجام بازسازی و حل و فصل مالی یا برای اجرای هماهنگ حل و فصل مالی ضرورت داشته باشد، مقام حل و فصل مالی باید این ظرفیت قانونی را داشته باشد که مشروط به رعایت الزامات و تمهیدات حفظ محرمانگی در اطلاعات مهم، اطلاعات لازم از جمله برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی (RRP) مربوط به گروه را به طور کل یا هر یک از شعب یا نمایندگی‌ها را با مقامات خارجی مربوطه (برای مثال اعضای یک گروه مدیریت بحران یا CMG) به اشتراک بگذارد.

۷-۷- کشورها باید الزامات محرمانگی و تضمین‌های قانونی را به منظور حفاظت از اطلاعات دریافت شده از مقامات خارجی فراهم کنند.

۸- گروه‌های مدیریت بحران^۱

۸-۱- مقامات کشور مبدأ و مقامات اصلی کشور میزبان مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی (G-SIFI)، باید گروه‌های مدیریت بحران با هدف تقویت آمادگی و تسهیل مدیریت و حل و

^۱ Crisis Management Groups (CMGs)



فصل مالی مؤسسات مذکور در مواقع بحران‌های مالی بین‌المللی تأثیرگذار بر مؤسسه مالی را داشته باشند. گروه‌های مدیریت بحران باید از مقامات نظارتی، بانک‌های مرکزی، مقامات حل و فصل مالی، وزارتخانه‌های مالی و مقامات دولتی مسئول صندوق‌های ضمانت کشورها اعم از کشور مبدأ یا کشورهایی که میزبان نهادهای مرتبط با مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی می‌باشند (که حل و فصل مالی آن‌ها مهم است)، تشکیل شده باشند. گروه‌های مدیریت بحران باید با مقامات سایر کشورها که در آنها مؤسسات مالی حضور سیستمی دارند، همکاری داشته باشند.

۸-۲- گروه‌های مدیریت بحران باید موارد ذیل را بطور فعال بازنگری نموده و بصورت مناسب به هیأت ثبات مالی (FSB) و شورای بازنگری مشترک هیأت ثبات مالی گزارش کنند:

۱- پیشرفت در همکاری و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در داخل گروه‌های مدیریت بحران و با مقامات کشور میزبان که در گروه‌های مدیریت بحران معرفی نشده‌اند؛

۲- فرآیند برنامه‌ریزی بازسازی و حل و فصل مالی مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی تحت قراردادهای همکاری خاص نهاد محور؛

۳- حل و فصل‌پذیری مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی.

۹- توافقات همکاری برون مرزی نهاد محور^۱

۹-۱- برای تمام مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی، حداقل باید توافقات همکاری بین‌المللی نهاد محور بین مقامات کشور مبدأ و میزبان، که شامل موارد اساسی مندرج در پیوست یک بوده و برای مراحل برنامه‌ریزی و حل و فصل مالی بحران ضرورت دارد، وجود داشته باشد. این توافقات علاوه بر سایر موارد باید شامل موارد ذیل باشند:

الف- اهداف و فرآیندهای همکاری از طریق گروه مدیریت بحران را ایجاد کنند.

ب- نقش‌ها و مسئولیت‌های مقامات را قبل از بحران (یعنی مراحل برنامه‌ریزی بازسازی و حل و فصل مالی) و در حین بحران تعریف کنند.

ج- فرآیندی برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات از جمله به اشتراک‌گذاری اطلاعات با هر مقام کشور میزبان که در گروه مدیریت بحران معرفی نشده باشد، قبل و در حین بحران

^۱ Institution-specific cross-border cooperation agreements



ایجاد کند؛ این امر باید به طور شفاف بر پایه قوانین ملی مشارکت در اطلاعات و با

ترتیبات محافظت از محرمانه بودن اطلاعات به اشتراک گذاشته شده، صورت گیرد.

د- فرآیندهایی را به منظور هماهنگی در تهیه برنامه‌های بازسازی و حل و فصل برای

مؤسسه مالی، شامل مؤسسه مالی مادر یا مؤسسه مالی هلدینگ و واحدهای تابعه

مهم، شعب و مؤسسات مالی وابسته که در محدوده توافق قرار دارند و همچنین فرآیند

تعامل با مؤسسه مالی به عنوان بخشی از این فرآیند را ایجاد کند.

ه- فرآیندهای لازم برای هماهنگی بین مقامات کشور میزبان و کشور مبدأ در اجرای

ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری را ایجاد کند.

و- در شرایطی که جریان نامطلوب مهمی مؤسسه مالی را تهدید می‌کند، قبل از هر نوع

اقدام صلاح‌دیدی یا اقدام مربوط به مدیریت بحران، رویه‌های مورد توافق مقام کشور

میزبان را به منظور اطلاع‌رسانی و مشاوره با مقام کشور مبدأ در مدت زمان مشخص،

در برگیرد.

ز- در رابطه با اجرای ابزارهای خاص حل و فصل مالی برون مرزی، از جمله در رابطه با

استفاده از ابزارهای نهاد انتقالی و نجات از درون، جزئیات را بطور مناسب و کافی ارائه

دهد.

س- زمینه برگزاری جلسات به منظور بازنگری دوره‌ای (حداقل سالیانه) قدرت و استحکام

کلی استراتژی حل و فصل مالی را برای نهادهای مهم سیستمی بین‌المللی را با حضور

مقامات ارشد رسمی کشور میزبان و مقامات مربوط کشور مبدأ، فراهم نماید.

ش- زمینه بازنگری‌های دوره‌ای (حداقل سالانه) توسط مقامات ارشد ذی صلاح در رابطه با

برنامه‌های عملیاتی اجرای استراتژی‌های حل و فصل مالی، ایجاد نماید.

۹-۲- اجرای توافقات باید به عموم اطلاع داده شود. در صورت موافقت مقاماتی که جزء طرفین

قرارداد می‌باشند، مقامات کشور مبدأ می‌توانند چارچوب کلی توافقات را منتشر کنند.

۱۰- ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری^۱

۱۰-۱- مقامات حل و فصل مالی باید بطور منظم، حداقل برای نهادهای مهم سیستمی بین‌المللی

(G-SIFI)، ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری را به منظور بررسی امکان‌پذیری و معتبر بودن

^۱ Resolvability assessments



استراتژی‌های حل و فصل مالی در خصوص آثار شکست احتمالی مؤسسه مالی بر نظام مالی و بطور کلی اقتصاد، انجام دهند. ارزیابی‌های مذکور باید مطابق با رهنمودهای پیوست سه ضمیمه یک صورت گیرد.

۱۰-۲- در انجام ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری، مقامات حل و فصل مالی باید هماهنگ با سایر مقامات مربوطه، موارد ذیل را بطور خاص ارزیابی کنند:

الف- حدود و میزانی که خدمات مالی ضروری و عملیات تهاوتر، پرداخت و تسویه می‌توانند ادامه یابند.

ب- ماهیت و اندازه دارایی‌های در معرض ریسک داخل گروه و تأثیر آن‌ها بر حل و فصل مالی در صورتی که نیاز به حفظ آن‌ها وجود داشته باشد.

ج- توانایی مؤسسه مالی در ارائه اطلاعات با جزئیات کافی، دقیق و به موقع برای حمایت از فرآیند حل و فصل مالی.

د- تحکیم همکاری‌های بین‌المللی و ترتیبات به اشتراک‌گذاری اطلاعات.

۱۰-۳- ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری گروه باید توسط مقامات کشور مبدأ که نهادهای مهم سیستمی بین‌المللی در آن واقع هستند، انجام گیرد و هماهنگی‌ها در کشور میزبان توسط گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی با در نظر گرفتن ارزیابی‌های ملی توسط مقامات میزبان، صورت می‌پذیرد.

۱۰-۴- مقامات حل و فصل مالی کشور میزبان که ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری را برای مؤسسات مالی تابعه در حوزه حاکمیتشان انجام می‌دهند، باید حداقل امکان با مقامات حل و فصل مالی کشور مبدأ که ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری را برای کل گروه انجام می‌دهند، هماهنگ شوند.

۱۰-۵- به منظور بهبود حل و فصل‌پذیری یک مؤسسه مالی، مقامات نظارتی یا مقامات حل و فصل مالی باید اختیار داشته باشند که در صورت نیاز، مؤسسه مزبور را به انجام اقدامات مناسب نظیر تغییرات در کسب و کار، ساختار و چارچوب مؤسسه ملزم نمایند تا هزینه‌ها و پیچیدگی‌های حل و فصل مالی کاهش یابد. این امر باید با لحاظ تأثیر ایجاد شده بر سلامت و ثبات کسب و کار جاری مؤسسه صورت گیرد. به منظور امکان‌پذیر ساختن استمرار اموری که به لحاظ سیستمی مهم می‌باشند، مقامات باید ارزیابی‌هایی را در خصوص تفکیک امور مزبور در شکل نهادهایی مستقل حقوقی و عملیاتی به نحوی که از مشکلات گروه در امان باشند، انجام دهند.



۱۱- برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی^۱

۱-۱- کشورها باید فرآیند مستمری در رابطه با برنامه‌ریزی بازسازی و حل و فصل مالی داشته باشند که حداقل، مؤسسات مالی داخلی که از لحاظ سیستمی قابل توجه بوده یا ورشکستگی آنها بحران‌زا خواهد بود، را پوشش دهند.

۱-۲- کشورها باید الزام نمایند تا برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی مستحکم و معتبر، که اجزای اساسی برنامه‌های مزبور طرح شده در پیوست چهارم، برای تمام نهادهای مهم سیستمی در سطح بین‌المللی و برای هر مؤسسه مالی که بنا به تشخیص مقام حل و فصل مالی مبدأ مربوطه، ورشکستگی آن بر ثبات مالی تأثیر خواهد داشت، وجود داشته باشند.

۱-۳- برنامه بازسازی و حل و فصل مالی باید به وسیله ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری تکمیل گردد. (به ویژگی کلیدی ۱۰ مراجعه شود) و باید شرایط خاص مؤسسه مالی، ماهیت، پیچیدگی، به هم تنیدگی و سطح جایگزین‌پذیری و اندازه آن را منعکس کند.

۱-۴- کشورها باید مدیریت ارشد مؤسسه مالی را ملزم کنند تا مسئولیت ارائه اطلاعات لازم به مقامات حل و فصل مالی جهت اجرای موارد ذیل را بپذیرد:

الف- ارزیابی برنامه بازسازی؛

ب- آماده سازی برنامه‌های حل و فصل مالی توسط مقام حل و فصل مالی.

برنامه بازسازی

۱-۵- مقامات نظارتی و حل و فصل مالی باید اطمینان حاصل کنند که مؤسسات مالی که برای آنها برنامه‌ها بازسازی و حل و فصل مالی الزام‌آور است، برنامه بازسازی آرایه می‌دهند که در آن راهکارهای بازگرداندن قدرت مالی و امکان ادامه حیات را برای مؤسسه در زمانی که تحت شرایط سخت قرار می‌گیرد، مشخص شده است. برنامه‌های بازسازی باید شامل موارد ذیل باشند:

الف- ابزارهای معتبری که بتوانند با مجموعه‌ای از سناریوها در شرایط بحرانی خاص و یا گسترده مواجه شوند.

ب- سناریوهایی که کمبودهای سرمایه و فشارهای نقدینگی را لحاظ کنند.



ج- فرآیندهایی که اجرای به موقع ابزارهای بازسازی را در شرایط بحرانی مختلف ضمانت کنند.

طرح حل و فصل مالی

۱۱-۶- طرح حل و فصل مالی به منظور تسهیل در استفاده موثر از ابزارهای حل و فصل مالی برای حفظ عملکردهای مهم سیستمی و با هدف اجرایی کردن حل و فصل هر مؤسسه مالی بدون ایجاد اختلال شدید و بدون تحمیل زیان به مالیات‌دهندگان تهیه می‌گردد. برنامه مذکور باید ضمن دارای بودن استراتژی دقیقی که مورد موافقت مقامات ارشد قرار گرفته، دارای طرح عملیاتی برای اجرای برنامه بوده و موارد ذیل را نیز مشخص نماید:

الف- فعالیت‌های حیاتی و ضروری مالی و اقتصادی مؤسسه مالی؛

ب- ابزارهای مناسب حل و فصل مالی برای تداوم فعالیت‌های مذکور یا پایان دادن به آنها بصورت نظام‌مند؛

ج- الزامات اطلاعاتی مربوط به عملیات، ساختارها، عملکردهای مهم سیستمی مؤسسه مالی؛

د- شناسایی موانع موجود در انجام حل و فصل مالی مؤثر و اقدامات لازم جهت رفع آنها؛

و- اقدامات لازم به منظور محافظت از سپرده‌گذاران بیمه‌شده و بیمه‌گذاران و اطمینان از بازگشت سریع دارایی‌های تفکیک‌شده مشتریان؛

ه- ابزارها یا اصول مشخص برای خروج از فرآیند حل و فصل مالی.

۱۱-۷- مؤسسات مالی باید ملزم شوند تا اطمینان یابند که توافقات صورت گرفته در خصوص خدمات با اهمیت در زمان‌های بحرانی و در حل و فصل مالی برقرار هستند و اینکه قراردادهای منعقد شده باید دارای شرایطی باشند که از خاتمه خدمات با اهمیت مزبور به واسطه وقوع بازسازی یا حل و فصل مالی جلوگیری کنند و انتقال قرارداد را به بانک انتقالی یا شخص ثالث تملیک کننده، تسهیل کنند.

۱۱-۸- مقام حل و فصل مالی کشور مبدأ باید حداقل برای نهادهای مالی مهم سیستمی بین‌المللی، با هماهنگی تمام اعضای گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی، برنامه حل و فصل مالی مربوط به گروه را تهیه و راهبری نماید. مقامات کشور میزبان که با گروه مدیریت بحران سر و کار دارند یا مقامات کشورهایی که مؤسسه مالی حضور سیستمی در آنها دارد، باید به برنامه‌های بازسازی و



حل و فصل مالی و اطلاعات و اقداماتی که در کشور آنها تاثیر خواهد داشت، دسترسی داشته باشند.

۹-۱۱- مقامات حل و فصل مالی کشور میزبان می توانند برنامه های حل و فصل مالی مربوط به عملیات مؤسسه مالی در حوزه های حاکمیتی خود را داشته باشند و به منظور مطمئن شدن از مطابقت حداقل امکان برنامه های فوق الذکر با برنامه گروه، با مقامات حل و فصل مالی کشور مبدأ همکاری کنند.

بروزرسانی های دوره ای و بازنگری

۱۰-۱۱- مقامات نظارتی و حل و فصل مالی باید اطمینان حاصل کنند که برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی به صورت دوره ای حداقل یکبار در سال یا وقتی که تغییرات اساسی در کسب و کار یا ساختار مؤسسه مالی اتفاق می افتد، به روزرسانی می شوند و برنامه های مزبور بطور منظم در گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی مورد بازنگری قرار می گیرند.

۱۱-۱۱- استراتژی اساسی حل و فصل مالی برای هر نهادی که از لحاظ سیستمی در سطح بین الملل مهم می باشد، باید حداقل بطور سالانه توسط مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات مربوط کشور میزبان مورد بازنگری قرار گیرد و در صورت لزوم، بازنگری مذکور باید شامل بازنگری در مدیرعامل مؤسسه مالی نیز باشد. برنامه های عملیاتی برای اجرای هر استراتژی حل و فصل مالی باید حداقل سالانه توسط مقامات ارشد ذی صلاح کشور مبدأ و مقامات مربوط کشور میزبان بازنگری شود.

۱۲-۱۱- در صورتی که مقامات حل و فصل مالی از برنامه بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی رضایت نداشته باشند، باید اقدامات مناسب را جهت رفع کمبودها الزام نمایند. مقامات مربوط کشور مبدأ و میزبان باید بدو در رابطه با اقدامات منظور شده مشورت داشته باشند.

۱۲- دسترسی و به اشتراک گذاری اطلاعات^۱

۱-۱۲- کشورها باید اطمینان حاصل کنند که هیچ گونه مانع قانونی، مقرراتی یا سیاستی در رابطه با تبادل مناسب اطلاعات از جمله اطلاعات مختص به مؤسسه مالی، بین مقامات نظارتی، بانک های مرکزی، مقامات حل و فصل مالی، وزارتخانه های مالی و مقامات دولتی مسئول طرح های ضمانت سپرده، وجود نداشته باشد. بویژه این که:

^۱ Access to information and information sharing



الف- به اشتراک گذاری تمامی اطلاعات مربوط به برنامه بازسازی و حل و فصل مالی صورت گیرد و در خصوص حل و فصل مالی باید در مواقع عادی و در حین بحران در سطح داخلی و برون مرزی چنین دسترسی امکان پذیر باشد.

ب- دستورالعمل‌های مربوط به اشتراک گذاری اطلاعات نهادهایی که از لحاظ سیستمی در سطح بین‌المللی مهم می‌باشند، باید در توافقات همکاری خاص هر نهاد لحاظ شود. (به پیوست یک رجوع شود).

ج- در شرایطی که نیاز به لحاظ ویژگی محرمانگی اطلاعات وجود داشته باشد، به اشتراک گذاری اطلاعات می‌تواند محدود گردد، هر چند که باید در بین مقامات ارشد مربوط به کشور مبدأ و کشور میزبان، اشتراک گذاری اطلاعات مزبور امکان پذیر باشد.

۱۲-۲- کشورها باید مؤسسات مالی را ملزم کنند که سیستم‌های اطلاعات مدیریت (MIS) داشته باشند که توانایی تولید اطلاعات به موقع، در زمان‌های عادی برای برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی و همچنین در زمان انجام حل و فصل مالی را داشته باشند. اطلاعات باید در سطح گروه و سطح نهادهای قانونی داخل گروه با لحاظ نیازهای اطلاعاتی در سناریوهای مختلف حل و فصل مالی از جمله در حالت تفکیک نهادهای مزبور از گروه، قابل دسترسی باشد. مؤسسات مالی به طور خاص باید ملزم شوند که:

الف- بانک اطلاعات مبسوطی را شامل معرفی و جایگاه سیستم‌های اطلاعات مدیریت، واقع شده در نهادهای قانونی مهم آن‌ها، که برای ارایه خدمات اصلی و عملیات حیاتی آن‌ها ضروری هستند، را ایجاد و نگهداری نمایند.

ب- محدودیت‌های قانونی محیطی در تبادل اطلاعات مدیریتی بین نهادهای تشکیل دهنده یک گروه مالی (برای مثال جریان اطلاعات از نهادهای یک گروه به نهاد مادر) را شناسایی و تعیین نمایند.

ج- اثبات این که سیستم مزبور توانایی تولید اطلاعات اساسی مورد نیاز جهت اجرای برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی را در مدت کوتاه دارد. (برای مثال ۲۴ ساعت)

د- حفظ اطلاعات خاص در سطح نهاد قانونی، برای مثال، شامل اطلاعات در مورد ضمانت‌ها و مبادلات بین گروهی که به روش اتکایی^۱ ثبت شده است.

^۱ back-to-back basis



ضمیمه یک

رهنمود کلی برای اجرای ویژگی های اصلی



پیوست یک - به اشتراک گذاری اطلاعات برای اهداف حل و فصل مالی

این بخش برای کشورها و مقامات ملی به منظور ایجاد استانداردهای به اشتراک گذاری اطلاعات (اشاره شده در بندهای ۷,۶، ۷,۷ و ۱۲ ویژگی های اصلی) و همچنین گروه های مدیریت بحران که بر اساس توافقات همکاری برون مرزی و بخش محور ایجاد شده اند، رهنمود اجرایی ارائه می نماید. این بخش موضوعات مقرر در بخش دو پیوست یک را که به اجزای اصلی توافقات همکاری برون مرزی مؤسسه محور و بطور ویژه در بند ۶ بخش فوق الذکر که به موضوع سازوکارهای همکاری و چارچوب به اشتراک گذاری اطلاعات اشاره دارد، تکمیل می نماید.

اجزای فوق الذکر به دو بخش تقسیم می شوند:

- ۱- به اشتراک گذاری اطلاعات جهت اهداف حل و فصل مالی؛ ایجاد اصولی برای طراحی چارچوب حقوقی و نظام های محرمانگی ملی مربوطه که به اشتراک گذاری موثر اطلاعات غیرعمومی بین مقامات داخلی و خارجی برای اهداف انجام عملکردهای مربوط به حل و فصل مالی را تسهیل می نماید. این بخش بر اساس استانداردهای به اشتراک گذاری اطلاعات، الزامات محرمانگی و حمایت قانونی مقرر در بندهای ۷,۶، ۷,۷ و ۱۲ ویژگی های اصلی ایجاد می شود.
- ۲- الزامات به اشتراک گذاری اطلاعات برای توافقات همکاری برون مرزی مؤسسه محور^۱؛ ایجاد الزاماتی که باید در ارتباط با به اشتراک گذاری اطلاعات در توافقات همکاری برون مرزی مؤسسه محور لحاظ شوند. الزامات مذکور شامل اطلاعاتی است که باید به اشتراک گذارده شود، محرمانگی اطلاعات، فرآیندهای به اشتراک گذاری اطلاعات، ایجاد تعهداتی برای به اشتراک گذاری اطلاعات و بازنگری دوره ای باشد. این بخش تکمیل کننده است و باید به همراه بخش دو پیوست یک خوانده شود.



لغت نامه

- ❖ «عملکرد مرتبط با حل و فصل مالی^۱»: برنامه‌ریزی حل و فصل مالی و آمادگی برای اجرای آن و هماهنگی اقدامات حل و فصل مالی شامل اقدامات مقرر در پاراگراف ۹ پیوست یک ضمیمه یک.
- ❖ «اطلاعات^۲»: اطلاعات غیر عمومی که شامل اطلاعات مشتریان و طرف مقابل^۳، اطلاعات در خصوص مؤسسات مالی که تحت مقررات عادی افشاء قرار نمی‌گیرند، و تحلیل و ارزیابی و سایر موارد مرتبط که از اطلاعات غیر عمومی استخراج می‌شود.
- ❖ «بسترهای قانونی^۴»: الزامات مقرر در قانون یا سایر الزامات قانونی که افشای اطلاعات غیر عمومی برای دریافت کنندگان خاص یا برای اهداف خاص را ممکن می‌سازد. چارچوب حقوقی ممکن است به وسیله تفاهم‌نامه یا سایر اشکال توافق بین مقامات ایجاد کننده و دریافت کننده اطلاعات ایجاد یا پشتیبانی گردد.
- ❖ «طرف^۵»: مقامی که توافقات همکاری برون مرزی را امضا کرده است.

۱- اصول به اشتراک گذاری اطلاعات به منظور اهداف حل و فصل مالی

چارچوب قانونی برای افشای اطلاعات غیر عمومی

- ۱-۱- کشورها باید اطمینان یابند که چارچوب قانونی آنها دارای بسترهای قانونی شفاف است که مقامات ملی را نسبت به افشاء به موقع اطلاعات مربوط به مؤسسه مشمول حل و فصل مالی به سایر مقامات داخلی و مقامات خارجی که کارکردهای آنها مرتبط با حل و فصل مالی مؤسسه بوده و اطلاعات فوق‌الذکر برای انجام کارکردهای مربوط به حل و فصل مالی مؤسسه ضرورت دارد، الزام می‌نماید. مقاماتی که عملکردشان به حل و فصل مالی مرتبط است می‌توانند شامل مقامات حل و فصل مالی تعیین شده، مقامات نظارت، بانک‌های

^۱ Functions relating to resolution

^۲ Information

^۳ counterparty

^۴ Legal gateways

^۵ Party



- مرکزی، وزرای مالی و اقتصادی و همچنین نهادهای عمومی که منابع حل و فصل مالی را اداره می نمایند، صندوق بیمه سپرده ها و سایر صندوق های حمایتی باشد.
- ۲-۱- چنین بسترهای قانونی باید به مقاماتی که کارکردی در ارتباط با حل و فصل مالی ندارند، نظیر مقامات نظارتی عادی، اجازه دهد که اطلاعات ضروری به منظور انجام کارکردهای مربوط به حل و فصل مؤسسه مالی را برای مقامات داخلی و خارجی که کارکردهای آنها مرتبط با حل و فصل مالی مؤسسه مزبور است، افشا نمایند.
- ۳-۱- در صورت وجود الزامات کاربردی در خصوص حفاظت اطلاعات و اسرار بانکی، بسترهای قانونی مذکور باید دسترسی به اطلاعات حساس تجاری و قانونی نظیر اطلاعات مشتریان و شرکای مؤسسه را برای مقامات داخلی و خارجی، به شرط آنکه آگاهی مقامات مزبور از آن اطلاعات در انجام عملیات حل و فصل مالی ضرورت داشته باشد، امکان پذیر نماید.
- ۴-۱- افشای اطلاعات تحت چنین بسترهای قانونی شامل الزامات محرمانگی کافی و حمایت قانونی مرتبط با نوع اطلاعات و سطح حساسیت آنها، باید از طرف مقام دریافت کننده کاملاً محرمانه باشد. (پاراگراف های ۱-۱۰ و ۱-۱۴ را ملاحظه فرمایید).
- ۵-۱- چارچوب قانونی باید نسبت به شرایطی که تحت آن، اطلاعات دریافت شده از یک کشور خارجی قابلیت افشاء برای مقامات داخلی و یا خارجی دیگر به منظور انجام عملیات مرتبط با حل و فصل مالی را داشته باشد، شفاف گردد.
- ۶-۱- چارچوب قانونی باید از مقامات و کارکنان و کارگزارهای فعلی و قبلی آنها در برابر اقدامات کیفری و حقوقی مرتبط با نقض اصول محرمانگی که بر اساس افشای اطلاعات منطبق با بسترها و حمایتهای قانونی صورت گرفته است، حمایت نماید.
- ۷-۱- در حالتی که بسترهای قانونی مشروط به تبادل اطلاعات است (بدین معنا که افشای اطلاعات، زمانی مجاز است که کشور دریافت کننده اطلاعات یک چارچوب همتراز برای مجاز بودن افشاء اطلاعات متقابل برای کشور مذکور داشته باشد)، چارچوب قانونی باید معیارها و رویه های شفاف برای تعیین همترازی ایجاد نماید.
- ۸-۱- بسترهای قانونی نباید مقام دریافت کننده اطلاعات که عملیات مرتبط با حل و فصل مالی را انجام می دهد، از استفاده منطقی و مؤثر از اطلاعات مذکور منع یا محدود نماید. (برای مثال، الزام به این که افشاء اطلاعات مشروط به شرایطی در خصوص چگونگی نگهداری و



استفاده اطلاعات به وسیله مقام دریافت کننده است که این شرایط محدودیت‌هایی نامناسب قلمداد می‌شوند.

اهدافی که به خاطر آنها اطلاعات افشا می‌شوند

۹-۱- به منظور تحقق اهدافی به شرح ذیل، بسترهای قانونی باید زمینه کافی برای افشای

مناسب اطلاعات برای مقامات مسئول عملیات حل و فصل مؤسسه مالی، فراهم نمایند:

(الف) ارزیابی حل و فصل پذیری؛

(ب) ایجاد استراتژی‌های حل و فصل مالی؛

(ج) ایجاد طرح‌های حل و فصل مالی عملیاتی؛

(د) اجرای عملیات شبیه سازی و تحلیل سناریو برای اهداف برنامه‌ریزی حل و فصل مالی؛

(ه) کشف زود هنگام و کنترل، نظارت، مقررات گذاری و بازرسی مؤسسات مالی؛

(و) اجرای ابزارهای بازسازی؛

(ز) ارزیابی اثربخشی ابزارهای بازسازی برای بازسازی مؤسسه و ارزیابی احتمال اینکه

ابزارهای حل و فصل مالی مورد نیاز باشد و بازه زمانی که ابزارهای مذکور باید به

کار برده شوند؛

(ح) آمادگی برای اجرای ابزارهای حل فصل مالی؛

(ط) استفاده از اختیارات حل و فصل مالی.

محرمانگی

۱۰-۱- کشورها باید اطمینان یابند که چارچوب قانونی آنها نظامی را برای حمایت از اطلاعات

محرمانه ایجاد کرده و برای این منظور الزامات محرمانگی کافی را برای مقامات و کارکنان

و کارگزاران قبلی و جاری آنها که اطلاعات محرمانه را دریافت کرده یا می‌کنند، اعمال

می‌کند و محرومیت‌ها و جریمه‌های موثری را برای تخطی از الزامات محرمانگی در نظر

می‌گیرد. زمانی که به چگونگی مشروط بودن مقام دریافت کننده اطلاعات به الزامات

محرمانگی کافی اشاره می‌کنیم باید توجه داشت که مقامات دریافت کننده یا کارکنان و

کارگزاران قبلی و جاری باید در نظر داشته باشند که:



الف) ملزم به حفظ محرمانگی اطلاعات دریافتی از سایر مقامات هستند.

ب) فقط در راستای اهداف و شرایطی که آن اطلاعات عرضه شده‌اند، ملزم به محدود سازی استفاده از اطلاعات دریافتی از سایر مقامات هستند.

ج) از افشای اطلاعات دریافتی به شخص ثالث که دریافت کننده اصلی اطلاعات نبوده و دستور قبلی و رضایت بخش ارایه کننده اطلاعات برای چنین افشایی اخذ نشده باشد، خودداری نمایند.

د) در صورت تخطی از الزامات محرمانگی، مشمول تحریم‌ها و جرایم مؤثر هستند.

مقامات باید در ارزیابی‌های مربوط به الزامات محرمانگی مربوط به آن‌ها همکاری نمایند.

۱-۱۱- در حالی که مقام دریافت‌کننده اطلاعات به الزامات محرمانگی کافی متعهد شده است و از نوع و حساسیت اطلاعات آگاهی دارد، مقامات دیگر نباید از افشای اطلاعات برای اهداف عملیات مربوط به حل و فصل مالی به ایشان به دلایلی چون محرمانگی اطلاعات امتناع ورزند.

۱-۱۲- دسترسی به اطلاعات محرمانه دریافت شده از مقامات خارجی یا سایر مقامات داخلی باید بر اساس یک قانون و سیاست (یا در عمل) برای مقامات رسمی، کارکنان و کارگزاران آن‌ها که اطلاعات دریافتی برای عملکرد ایشان در خصوص حل و فصل مالی مؤثر است، یا برای هر شخص دیگری که تحت قرارداد مشخصی، خدماتی به مقامات مذکور ارایه می‌نماید، محدود گردد.

۱-۱۳- مقامات باید برای کنترل و ارزیابی انتشار اطلاعات محرمانه در سطح آن مقام و با مسئولیت‌پذیری و نظارت مقامات ارشد مربوطه، سیاست‌ها، رویه‌های اجرایی و تمهیدات حفاظتی (قانونی) فنی داشته باشند. موضوعات پوشش داده شده توسط رویه‌ها، سیاست‌ها و تمهیدات مذکور باید شامل نحوه دسترسی، ذخیره سازی، اشکال انتقال و بازتولید اطلاعات، دوره‌های نگهداری و امحای اطلاعات و حفظ امنیت فیزیکی آن‌ها باشد.

۱-۱۴- چارچوب قانونی باید کاربرد قانون آزادی اطلاعات را برای اطلاعات دریافتی از مقامات خارجی محدود نمایند یا چنین اطلاعاتی را به عنوان استثنایی در قانون مذکور قلمداد نماید.



۲- الزامات به اشتراک گذاری اطلاعات برای توافقات همکاری های برون مرزی

محتوای حداقلی

۱-۲- به منظور حمایت از تعهدات و الزامات مقرر در پیوست دو (عناصر اصلی در توافقات همکاری برون مرزی و بخش محور) در ارتباط با به اشتراک گذاری اطلاعات و به ویژه موارد مندرج در پاراگراف های ۳-۸، ۳-۹، بند ج ۴-۱، بند الف ۵-۱، ۳-۶، ۴-۶ و ۶-۶ پیوست مذکور، توافق همکاری برون مرزی یا اسناد کمکی آن، باید دربرگیرنده موارد ذیل باشد:

الف) عملیات مرتبط با حل فصل مالی برای بخش هایی که ممکن است نیاز به دریافت اطلاعات محرمانه داشته باشند.

ب) وضعیت هایی که در آن بخش های مختلف در به اشتراک گذاری اطلاعات به صورت اختصاصی توافق می کنند. (برای مثال، شبیه سازی های وضعیت بحران، اجرای ابزار های بازسازی، ورود واقعی و قطعی به حل و فصل مالی یا تغییرات مهم در چارچوب قانونی که در کارکرد توافق همکاری برون مرزی موثر است.)

ج) توصیف دقیق طبقه بندی اطلاعات که به صورت منظم و یا بطور ویژه به اشتراک گذارده خواهد شد.

د) الزامات محرمانگی قابل اعمال؛ هر گونه محدودیت ها یا شرایط مناسب و هر گونه اقدامات یا رویه های به کار گرفته توسط مقامات برای حفاظت اطلاعات محرمانه (پاراگراف ۲،۴ را ببینید.)

ه) رویه هایی برای به اشتراک گذاری اطلاعات بین مقامات در گروه مدیریت بحران (برای مثال، اطلاعات چگونه به طور منظم به اشتراک گذاشته خواهند شد و چگونه و بنا به درخواست چه کسی اطلاعات اضافی باید ارائه گردد.) (پاراگراف ۲،۶ الی ۲،۱۰ را ببینید.)

و) بازه زمانی که در آن مقامات توافق کرده اند تا در مورد پاسخگویی به درخواست اطلاعات، تلاش منطقی داشته باشند.



ز) ابزارهایی که به وسیله آن اطلاعات مبادله خواهند شد.

ح) رویه ای برای بازنگری منظم عملیات مربوط به توافقات برون‌مرزی و عوامل مختص مؤسسه مالی (پاراگراف ۲,۱۴ را ببینید).

۲-۲- شرایط به اشتراک گذاری اطلاعات در توافقات همکاری برون‌مرزی باید به صورت هدف‌مند و نتیجه محور ایجاد شود و از انعطاف کافی برای انطباق با تغییر وضعیت‌ها برخوردار باشد.

۳-۲- توافق همکاری برون‌مرزی باید در نظر داشته باشد که نوع، میزان و ماهیت اطلاعات مورد نیاز و همچنین سرعت و تناوب نیاز به اطلاعات با توجه به تغییرات در وضعیت مؤسسه مالی یا شرایط بازارهای خارجی تغییر می‌کند و در مواقع بروز بحران می‌تواند تشدید گردد. توافق همکاری برون‌مرزی هر جا که مناسب بود باید چنین تغییرات احتمالی را ذکر نماید.

محرمانگی اطلاعات ارائه شده در توافق همکاری برون‌مرزی

۴-۲- توافق همکاری برون‌مرزی باید توافق طرفین را در خصوص ترتیبات حفاظت از محرمانگی اطلاعات به اشتراک گذارده شده تحت توافق مذکور که حداقل شامل موارد زیر می‌باشد، تعیین نماید:

الف- اطلاعات ارائه شده به وسیله یک بخش به سایر بخش‌ها فقط برای اهداف انجام عملیات مرتبط با حل و فصل مالی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ب) انتشار اطلاعات دریافتی از یک بخش در داخل بخش دریافت‌کننده به کارکنانی محدود خواهد بود که برای انجام عملیات حل و فصل مالی به چنین اطلاعاتی نیاز خواهند داشت.

ج) اطلاعات دریافتی به وسیله یک بخش از سایر بخش‌ها، نباید توسط آن بخش به بخش‌هایی که دریافت‌کننده اصلی اطلاعات نیستند یا شخص ثالث، بدون اطلاع قبلی و اخذ رضایت طرف ارائه‌کننده اطلاعات، افشا گردد. (وضعیت‌های توصیه شده در بند ه)



د) زمانی که رضایت افشای اطلاعات دریافت شد، اطلاعات تنها باید در حدود و اهداف مورد توافق به وسیله طرف ارائه کننده افشا گردد.

ه) زمانی که یک بخش تحت درخواست الزام آور قانونی (برای مثال دستور قاضی یا وظیفه مقرر در قانون) ملزم به افشای اطلاعات دریافتی از نهاد دیگر است، بخش مزبور باید به جز در مواردی که توسط قانون ممنوع شده است، مراتب را در اسرع وقت به مقام ارائه دهنده اطلاعات اعلام نماید و همه اقدامات منطقی را که در قوانین و مقررات برای مقابله با افشای اطلاعات محرمانه وجود دارد، به کار گیرد.

۲-۵- وقتی که تحت توافق همکاری برون‌مرزی اطلاعات را ارائه می دهد در صورتی که اطلاعات ارائه شده دیگر حالت محرمانگی نداشته باشند، باید بخش‌های دریافت کننده اطلاعات را از این موضوع آگاه نماید.

رویه‌هایی برای به اشتراک گذاری اطلاعات بین بخش‌ها در توافق همکاری برون‌مرزی

۲-۶- یک درخواست باید به طور عمومی هدف و منظور اطلاعات مورد درخواست را مشخص نماید و به فوریت درخواست خود اشاره نماید.

۲-۷- طرفی که درخواست اطلاعات را دریافت می کند، با لحاظ فوریت درخواست، باید تمام تلاش خود را برای ارائه پاسخ در زمان معقول و در بازه زمانی که در توافق همکاری مقرر شده است، به انجام رساند.

۲-۸- به عنوان یک اصل کلی، اطلاعات باید از طریق روش‌های مطمئن انتقال که مناسب اطلاعات و سطح حساسیت آنهاست، افشا شوند.

۲-۹- توافقات همکاری برون‌مرزی ممکن است یک مقام اصلی را در کشورهای مبدأ برای هماهنگی در خصوص تبادل اطلاعات بین گروه مدیریت بحران تعیین کند. کشورها نیز ممکن است یک مقام داخلی را برای هماهنگی تبادل و ارائه اطلاعات در سطح داخلی تعیین نمایند.

۲-۱۰- جزئیات عملیات فرعی نظیر جزئیات تماس کارکنان در هر طرف که به عنوان مراکز ارتباط برای تبادل اطلاعات مشخص شده اند، ممکن است در اسناد پیوست توافق همکاری



برون مرزی برای تسهیل رویه به روز رسانی چنین اطلاعاتی تهیه شوند. (برای مثال برای اجتناب از نیاز همه بخش‌ها به توافق در خصوص اصلاحات رسمی در توافق همکاری)

محافظت از توافق همکاری و بازنگری دوره‌ای

۱۱-۲- طرف‌ها باید بیشترین تلاش خود را برای تطبیق با شرایط توافقات همکاری برون مرزی انجام دهند. زمانی که یک طرف با موانع عملیاتی و قانونی برای افشای اطلاعات مطابق با توافق همکاری روبرو شود، باید با سایر طرف‌ها برای شناسایی ابزارهای مناسب برای نشان دادن چنین موانعی و اتخاذ اقدامات منطقی برای حذف موانع و یافتن راه حل‌های عملی مشورت نماید.

۱۲-۲- طرف‌ها باید در صورتی که قادر به افشای بخش‌های اصلی طرح‌ها و استراتژی‌های حل و فصل مالی یا سایر اطلاعات مناسب در خصوص اهداف حل و فصل مالی نیستند، سایر طرف‌ها را از طریق کارکنان و مقامات رسمی در سطوح بالا و مناسب مطلع سازند و موانع افشا را توضیح دهند. طرف‌ها باید بیشترین تلاش خود را برای تطبیق با شرایط توافقات همکاری برون مرزی به کار گیرند.

۱۳-۲- زمانی که موانع محدود کننده افشای اطلاعات در خصوص یک مقام حل و فصل توسط چارچوب قانونی اعمال شده است، مقام فوق باید اقدامات منطقی را برای اعلام هشدار به مقامات قانون‌گذار ملی در خصوص موانع مذکور و آثار آن بر توانایی ایشان در به اشتراک گذاری اطلاعات ضروری برای انجام عملیات حل و فصل مالی انجام دهد.

۱۴-۲- الزامات مقرر در توافقات همکاری برون مرزی به منظور به اشتراک گذاری اطلاعات شامل طبقه بندی اطلاعات به اشتراک گذارده شده در دوره‌های منظم و تناوب آن، باید به طور منظم به وسیله اعضای ذی صلاح همه طرف‌ها بازنگری شود. این بازنگری باید در ارتباط با بازنگری دوره‌ای طرح‌های حل و فصل مالی بوده و طرف‌ها باید در هر زمان که ضرورت داشت، فرآیندهایی را برای اطمینان از اینکه الزامات به اشتراک گذاری اطلاعات در توافق همکاری و اسناد پیوست آن، با هدف انطباق شرایط آنها با هر گونه اصلاحیه و تداوم حمایت عملیاتی از آن‌ها بروزرسانی می‌شوند، داشته باشند.



پیوست دو - عناصر ضروری موافقت‌نامه‌های همکاری برون‌مرزی نهاد محور^۱

موافقت‌نامه‌های همکاری برون‌مرزی باید به تسهیل برنامه‌ریزی مدیریت بحران نهاد محور و همکاری میان مقامات مربوطه با فرض همکاری در مواقع حل و فصل مؤسسه مالی، کمک نمایند. آنها باید از آماده‌سازی برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی و اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل مالی در جریان بحران، با ایجاد یک چارچوب از راه‌حل‌های محتمل برای موانع قانونی یا سایر موانع ممکن حمایت نمایند. برای دستیابی به این امر لازم است که موافقت‌نامه‌های نهاد محور، تمامی اعضای یک گروه مدیریت بحران برون‌مرزی^۲ شامل مقامات مربوطه کشور مبدأ و تمام عناصر کلیدی کشور میزبان را درگیر نماید. توافقات برون‌مرزی میان مقامات مربوطه کشور مبدأ و کشور میزبان باید مشخص نماید که قوانین ملی و نظام‌های حل و فصل، چگونه با کسب و کار مؤسسه مالی تعامل خواهد داشت.

اثربخشی موافقت‌نامه‌های همکاری نهاد محور، وابسته به این امر می‌باشد که مقامات کشور مبدأ و میزبان در ارتباط با عملکرد مؤسسه مالی، از جمله عملکرد شعبه مؤسسه خارجی، اختیار کافی برای حل و فصل داشته باشند.

موافقت‌نامه همکاری نهاد محور، چارچوبی را به منظور توسعه برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی، بر مبنای رفتار ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری پیش از بحران و به منظور همکاری و هماهنگی در بحران، بر اساس برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی مورد توافق ایجاد می‌کند. انتظار می‌رود برنامه‌های و بازسازی و حل و فصل مالی، موافقت‌نامه‌های همکاری به صورت منظم به روزرسانی شده و در طول زمان تکامل یابند. موافقت‌نامه‌های همکاری برون‌مرزی نهاد محور باید حداقل شامل اجزای زیر باشند:

اهداف، ماهیت و قلمرو موافقت‌نامه

۱-۱- بیانیه‌ای رسمی از اهداف و قلمرو آن (به عنوان مثال، "ما به عنوان مقامات کشور مبدأ و میزبان (مؤسسه مالی)، این موافقت‌نامه همکاری را امضاء کرده‌ایم که به منظور تعیین نحوه همکاری با یکدیگر با دیدگاه تسهیل نمودن برنامه‌ریزی مدیریت بحران نهاد

^۱ - Institution-Specific

^۲ - cross-border CMG



محور و همکاری بین مقامات مربوطه با تأکید بر همکاری در رخداد حل و فصل مؤسسه مالی... هدف حداقل نمودن تأثیر شکست مؤسسه مالی در هریک از کشورهای ارایه شده توسط طرفین موافقت‌نامه‌ها می‌باشد.^۱)

۱-۲- مقامات کشور مبدأ و میزبان که موافقت‌نامه را امضاء نموده‌اند (طرفین قرارداد)؛

۱-۳- توصیف مؤسسه مالی، مؤسسه مالی مادر یا هلدینگ و مؤسسات مالی تابعه مهم، شعب و نمایندگی‌هایی^۱ که در قلمرو موافقت‌نامه می‌باشند.

۱-۴- ماهیت قانونی موافقت‌نامه (موافقت‌نامه تا چه میزان الزام آور می‌باشد).

۱-۵- قوانین مربوط به افشاء (به عنوان مثال، اینکه تا چه میزان محتوای آن باید در اختیار عموم قرار گیرد).

چارچوب عمومی همکاری

۱-۶- نقش‌ها، مسئولیت‌ها و اختیار طرفین "پیش از بحران" (که در مرحله برنامه‌بازسازی و حل و فصل مالی است) و "در خلال بحران" با توجه به نوع مؤسسه مالی، شامل مؤسسه مالی مادر یا هلدینگ و مؤسسات مالی تابعه مهم، شعب و نمایندگی‌هایی که در قلمرو موافقت‌نامه می‌باشند.

۱-۷- اجزاء برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی، مؤسسات مالی تابعه مهم، شعب و نمایندگی‌هایی که در ارتباط با آماده‌سازی و اجرای معیارهای حل و فصل در حوزه برون‌مرزی می‌باشند (با لحاظ این که برنامه به طور منظم بازبینی و به روز رسانی گردد).

تعهدات همکاری

۱-۸- موافقت‌نامه طرفین مبنی بر این که ویژگی‌های اصلی باید فعالیت‌های آنها را در مدیریت بحران راهنمایی نماید و اقدامات حل و فصل مالی در رابطه با مؤسسه مالی مورد تصویب قرار گیرد.

۱-۹- طرفین قرارداد با توجه به تأثیر بالقوه اقدامات حل و فصل مالی آنها بر ثبات مالی سایر کشورها، متعهد به اجرای موارد حل و فصل مالی هستند که نتیجه آن منجر به ثبات مالی، حمایت از سپرده‌گذاران بیمه شده، بیمه‌گذاران و سایر مشتریان خرد گردد.

^۱ - affiliates



۱-۱۰- تعهدات طرفین به همکاری در فرایند برنامه‌ریزی بازسازی و حل و فصل مالی و به اشتراک‌گذاری تمام اطلاعات مرتبط، شامل برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی مرتبط با گروه یا اشخاص تابعه به شرط که برنامه‌های آنها به منظور اطمینان از اینکه برنامه‌ها سازگار هستند و به آماده‌سازی برای حل و فصل هماهنگ کل مؤسسه مالی کمک می‌نمایند، تدوین شده باشد.

۱-۱۱- تعهد طرفین به مشارکت در امر بازبینی استراتژی کلی حل و فصل مؤسسه مالی در سطح مدیران ارشد و همچنین تعهد به مشارکت از طریق نمایندگی در گروه مدیریت بحران در سطح مناسب، به منظور توسعه و نگهداری برنامه حل و فصل مؤسسه مالی در سطح گروه مربوطه.

۱-۱۲- تعهد طرفین به مشارکت در شبیه‌سازی‌های دوره‌ای یا سناریوسازی در گروه‌های مدیریت بحران به منظور اطمینان از اینکه برنامه‌ها مستمر باشند و به اجرای فرایند حل و فصل مالی هماهنگ کمک می‌نمایند.

۱-۱۳- تعهد طرفین به انجام ارزیابی حل و فصل‌پذیری مؤسسه مالی، با استفاده از راهنمای حل و فصل‌پذیری ارائه شده در پیوست سوم، شامل امکان توصیف مؤسسه مالی به عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ریزی بازسازی و حل و فصل مالی با هدف تولید به موقع اطلاعات ضروری مورد نیاز در اجرای این برنامه‌ها در مواقع بروز بحران؛ در راستای به اشتراک‌گذاری نتایج ارزیابی‌ها و استفاده از آنها به منظور اطلاع‌رسانی فرایند برنامه‌ریزی حل و فصل در رابطه با اجرای اقدامات برون‌مرزی حل و فصل.

۱-۱۴- تناوب مورد توافق در موارد زیر به منظور بازبینی و به اشتراک‌گذاری برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی.

الف- استراتژی حل و فصل مالی مستقل برای هر یک از مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی باید حداقل یکبار در سال توسط مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات مربوطه کشور میزبان بازبینی شود.

ب- هر یک از برنامه‌های عملیاتی حداقل سالی یکبار توسط مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات مربوطه کشور میزبان بازبینی شود.



- ۱-۱۵- تعهد طرفین به اطلاع رسانی به موقع و مشورت با یکدیگر پیش از انجام هرگونه مدیریت بحران و یا اقدامات مربوط به حل و فصل مالی.
- ۱-۱۶- تعهد طرفین به اطلاع رسانی فوری به یکدیگر در خصوص تغییر مفاد چارچوب مدیریت بحران و حل و فصل مالی.
- ۱-۱۷- طرفین متعهد می شوند که اطلاعات را در هر دو سطوح فنی و مدیریت ارشد به طور مناسبی بر اساس ترتیبات محرمانه به اشتراک گذارند.

تعهدات مقامات کشور مبدأ

- ۱-۱۸- مقامات (حل و فصل مالی یا نظارت) کشور مبدأ متعهد می شوند که:
- ❖ الف- در گروه مدیریت بحران با بهره مندی از مشارکت فعال سایر طرفین، در خصوص ارزیابی حل و فصل پذیری مؤسسه مالی با توجه به رهنمودهای ارزیابی حل و فصل پذیری (پیوست سه مشاهده گردد) و شناسایی فعالیت هایی که مقامات کشور مبدأ یا کشور میزبان یا مؤسسه مالی ممکن است برای اطمینان از حل و فصل پذیری مؤسسه مالی لازم باشد، هماهنگی های لازم را به عمل آورند؛
 - ❖ ب- جلسات گروه مدیریت بحران را تشکیل و اداره نموده و بازنگری برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی در گروه مدیریت بحران را با مشارکت فعال سایر طرفین و در راستای ویژگی های اصلی برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی راهبری نماید. (پیوست چهار مشاهده گردد)؛
 - ❖ ج- اگر مؤسسه مالی با مشکلاتی مواجه گردد یا محرز شود که مؤسسه مالی تحت نظام حل و فصل مالی کشور مبدأ با احتمال زیاد مشمول حل و فصل می گردد، باید بدون تأخیر غیرموجه مراتب را به سایر طرفین هشدار داده و همچنین اجازه همکاری عملی دهند.
 - ❖ د- اثرگذاری بر کل گروه و بر ثبات مالی در سایر کشورهای مرتبط در نظر گرفته شود و حداکثر تلاش ها به منظور جلوگیری از اقداماتی که می تواند منجر به ایجاد بی ثباتی در سایر بخش ها یا در سیستم مالی شود، صورت پذیرد؛



❖ ه- بطور کلی هر جا که امکان پذیر باشد، حل و فصل مؤسسه مالی را با هدف حفظ ثبات مالی، حمایت از سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد در تمامی کشورهای مرتبط هماهنگ نمایند.

تعهدات مقامات کشور میزبان

۱-۱۹- تعهدات مقامات میزبان

❖ الف- هرگاه یک شعبه محلی یا شخصیت حقوقی زیرمجموعه مؤسسه مالی با مشکلاتی مواجه شود یا محرز گردد که تحت نظام حل و فصل مالی کشور میزبان با احتمال زیاد مشمول حل و فصل می‌گردد، باید بدون تأخیر غیرموجه مراتب را به سایر طرفین هشدار دهند.

❖ ب- همکاری با سایر طرفین در راستای حل و فصل هماهنگ مؤسسه مالی و با هدف حفظ ثبات مالی و حمایت از سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد در تمامی کشورهای مرتبط؛

❖ ج- عدم انجام اقداماتی که اقدامات حل و فصل مالی انجام شده از سوی مقامات کشور مبدأ را بی‌اثر نماید؛ در حالی که اگر لازم باشد به منظور دستیابی به ثبات داخلی در شرایط عدم انجام اقدام مؤثر توسط کشور مبدأ، حق اقدام طبق برنامه‌های خود را محفوظ می‌دارد.

سازوکارهای همکاری و چارچوب به اشتراک‌گذاری اطلاعات

۲۰-۱- تدارک جلسات منظم بین طرفین (به عنوان مثال، تعداد جلسات در هر سال، سطح مشارکت و غیره) و ارتباط با ساختارهای همکاری موجود.

۲۱-۱- مبانی قانونی و قراردادی به منظور تبادل سریع اطلاعات، شامل تبادل اطلاعات میان اعضای مختلف گروه مدیریت بحران و با هریک از مقامات میزبان که در گروه مدیریت بحران معرفی نشده‌اند؛ محدودیت‌های موجود و اینکه چگونه می‌شود با آن برخورد نمود.



- ۱-۲۲- سطح جزییات در رابطه با به اشتراک گذاری اطلاعات و این که آیا موارد مدنظر پیش از بحران و حین بحران تغییر خواهد نمود و این تغییر چگونه خواهد بود.
- ۱-۲۳- روش‌های به اشتراک‌گذاری اطلاعات در سطوح مدیریت ارشد و فنی، ابزارهای تبادل اطلاعات (به عنوان مثال استفاده از وب‌سایت امن).
- ۱-۲۴- تعهد به این که لیست تماس‌های به‌روز رسانی شده به همراه جزییات آنها، برای کارکنان سطوح ارشد و اجرایی امکانات متعدد ارتباطی را پوشش دهد.
- ۱-۲۵- تعهد به حفظ محرمانه اطلاعات به اشتراک گذاشته شده و اقدامات در راستای اطمینان از محرمانگی (به عنوان مثال، محدود نمودن دسترسی اشخاص به داده‌ها، توافقنامه‌های محرمانه، رویه و مسئولیت‌ها چنانچه باعث نقض اصول محرمانگی می‌گردند).

اجرای برون مرزی اقدامات حل و فصل مالی

- ۱-۲۶- فرایند ارزشیابی استفاده از ابزارها و فرایندهای حل و فصل مؤسسه مالی، مؤسسه مالی هلدینگ یا مادر و مؤسسات تابعه مهم، شعب و زیرمجموعه‌هایی که در قلمرو موافقت‌نامه قرار دارند را شامل می‌شود.
- ۱-۲۷- تعهد به مورد توجه قرار دادن موانع عملیاتی و قانونی اجرای اقدامات حل و فصل مالی برون مرزی و تعهد به تعیین رویه‌های قانونی و عملیاتی به منظور اجرای استراتژی‌های حل و فصل مالی در یک ساختار برون مرزی. به عنوان مثال:
- الف- شرایط و الزامات آیین‌نامه‌ای برای ۱- تشخیص انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های مرتبط با شعب مؤسسه مالی متوقف در کشور میزبان به یک نهاد واسطه یا شخص ثالث خریدار؛ ۲- تشخیص انتقال دارایی‌ها یا سهام اکثریت یا کامل مؤسسات مالی تابعه در کشور میزبان به یک نهاد واسطه یا شخص ثالث خریدار؛ ۳- اجرای اقدام نجات از درون^۱ طی برنامه حل و فصل مالی؛
- ب- تعیین انواع قراردادهای مالی و دارایی‌هایی که با قطعیت قانونی قابل انتقال نباشند (به عنوان مثال، قراردادهای تحت حاکمیت قانون کشوری که مؤسسه مالی حضور فیزیکی در آن ندارد) و پیامدهای اجرای موفق ابزارهای حل و فصل مالی؛

^۱ Bail-in



- ج- در دسترس بودن ترتیبات تأمین مالی در کشورهای مبدأ و میزبان به منظور پشتیبانی از اقدامات حل و فصل مالی و بازیابی اعتماد بازار^۱؛
- د- بکارگیری طرح‌های تضمین (برای سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد) و قوانین حفاظت از دارایی مشتری.

^۱ -market confidence



پیوست سه - ارزیابی حل و فصل پذیری^۱

تعریف حل و فصل پذیری

یک مؤسسه مالی سیستمی مهم حل و فصل پذیر^۲ است اگر برای مقامات حل و فصل امکان پذیر و باورپذیر^۳ باشد که حل و فصل آن به طریقی انجام می‌پذیرد که بدون اخلال شدید سیستمی و بدون در معرض زیان قرار گرفتن مالیات دهندگان، از عملکردهای سیستمی مهم حفاظت می‌شود. به منظور امکان پذیر بودن حل و فصل مالی، مقامات باید اختیار قانونی لازم و ظرفیت عملی برای استفاده از آن را داشته باشند. برای این که حل و فصل معتبر باشد، کاربرد ابزارهای حل و فصل نباید موجب آثار زیان‌بار گسترده و غیرقابل قبول برای سیستم مالی و بخش واقعی اقتصاد گردد.

اهداف ارزیابی‌های حل و فصل پذیری

اهداف ارزیابی‌های حل و فصل پذیری عبارتند از:

- ۱- آگاه‌سازی مقامات و مؤسسات مالی از پیامدهای اجرای حل و فصل مالی بر ریسک سیستمی ملی و جهانی؛
- ۲- شناسایی عوامل و شرایط اثرگذار بر اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل درون‌زا (مربوط به ساختار مؤسسه مالی) و برون‌زا (مربوط به نظام حل و فصل مالی و چارچوب همکاری‌های برون‌مرزی)، در ارتباط با مؤسسات مالی و درجه آمادگی احتمالی (یعنی کفایت برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی)
- ۳- کمک به شناسایی اقدامات خاص مورد نیاز به منظور دستیابی به حل و فصل پذیری بیشتر بدون اختلال سیستمی زیان‌بار و بدون در معرض زیان قرار دادن مالیات‌دهندگان در حالی که از عملکردهای سیستمی مهم حفاظت می‌شود.

فرایند ارزیابی حل و فصل پذیری

ارزیابی‌های حل و فصل پذیری لزوماً کیفی است و جنبه کمی ندارد. ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری گروهی مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی باید توسط مقامات کشور مبدأ و با

^۱ - resolvability

^۲ - resolvable

^۳ - credible



همکاری گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی و با در نظر گرفتن ارزیابی های ملی کشور میزبان انجام پذیرد. فرایند ارزیابی حل و فصل پذیری در سطح گروه باید در یک موافقت نامه همکاری نهاد محور برون مرزی برقرار شود. مقامات کشور میزبان که ارزیابی های حل و فصل پذیری مؤسسات مالی تابعه یک مؤسسه مالی خارجی را اجرا می نمایند، باید تا جایی که امکان پذیر است با مقامات کشور مبدأ که ارزیابی حل و فصل پذیری گروهی را اجرا می نمایند، همکاری نمایند. نتایج حاصل از این ارزیابی های حل و فصل پذیری باید در برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی مورد استفاده قرار گیرد. فرایند ارزیابی حل و فصل پذیری از سه مرحله تشکیل شده است:

❖ **مرحله اول - مطالعه امکان سنجی استراتژی های حل و فصل مالی:**

مشخص نمودن مجموعه ای از استراتژی های حل و فصل مالی که امکان پذیر خواهند بود، ابزارهای فعلی حل و فصل مالی در دسترس، برنامه های بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی و ظرفیت های مقامات برای به کار بستن آنها در مورد مؤسسه مالی مورد نظر در کوتاه مدت.

❖ **مرحله دوم - ارزیابی اثر سیستمی:**

تعیین معتبر بودن تمامی استراتژی های حل و فصل امکان پذیر با در نظر گرفتن تأثیر احتمالی شکست مؤسسه مالی و حل و فصل بر سیستم های مالی ملی و بخش واقعی اقتصاد.

❖ **مرحله سوم - اقدامات در راستای بهبود حل و فصل پذیری:**

هرجا که حل و فصل مؤسسه مالی به احتمال زیاد امکان پذیر و معتبر باشد، ارزیابی حل و فصل پذیری مؤسسه به پایان می رسد و هرگونه تغییر در برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی یا ساختار و عملکرد مؤسسه مالی که برای بهبود حل و فصل پذیری ضروری است، شناسایی می گردد. جدول زمانی برای تکمیل تغییرات لازم باید ایجاد شود. پیشرفت کار نیز باید پایش شود.

ارزیابی های حل و فصل پذیری و اقدامات متعاقب آن یک بخش مهم از فرایند برنامه ریزی حل و فصل مالی را تشکیل می دهد و یک فرایند مستمر است که از مراحل زیر تشکیل شده است:



- ۴- ارزیابی‌های کیفی توسط مقامات ملی برای تعیین اینکه تا چه حد یک مؤسسه مالی بر اساس ساختار و نظام حل و فصلی که تحت آن قرار دارد، قابل حل و فصل می‌باشد؛
- ۵- ارزیابی‌های انجام گرفته توسط مقامات کشور مبدأ و هماهنگ شده در گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی، بر اساس ارزیابی‌های ملی به اشتراک گذاشته شده در خصوص حل و فصل مؤسسات مالی تابعه توسط اعضای گروه مدیریت بحران و شناسایی مسائلی که توسط مؤسسه مالی و یا مقامات ذی صلاح به آنها اشاره شده است.
- ۶- شفاف سازی مسایلی که مؤسسه مالی یا مقامات مربوطه باید به آن توجه نماید؛
- ۷- اصلاحات لازم توسط مؤسسه مالی یا مقامات قانونی مربوطه؛
- ۸- ارزیابی مجدد حل و فصل پذیری هماهنگ شده توسط مقامات کشور مبدأ.

ارزیابی امکان‌پذیری استراتژی‌های حل و فصل مالی

مجموعه زیر برخی از حداقل سؤالاتی است، که نیاز است به منظور ارزیابی امکان‌پذیری استراتژی‌های حل و فصل مالی به آنها پاسخ داده شود:

❖ ساختار و عملیات مؤسسه مالی

- ۹- عملکردهای ضروری و عملکردهای سیستمی مهم مؤسسه مالی براساس تحلیل‌های استراتژیک مؤسسه مالی، کسب و کار و خدمات اصلی ارزش آفرین آن کدام هستند؟ چه عملکردهای اقتصادی و مالی حیاتی را برای سیستم‌های مالی بین‌المللی و ملی و بخش غیر مالی انجام می‌دهد؟
- ۱۰- ایجاد نقشه عملکردهای ضروری و عملکردهای مهم سیستمی و ساختارهای مؤسسه مالی ساختارهای قانونی و مؤسسه مالی چگونه با خطوط کسب و کار و عملکردهای اصلی و حیاتی مرتبط می‌باشد؟
- ۱۱- تداوم توافقنامه‌های خدماتی

حدود هریک از عملکردهای عملیاتی مهم نظیر عملیات پرداخت و تسویه مبادلات که به سایر مؤسسات مالی گروه یا سایر مؤسسات مالی ارایه دهنده خدمات، برون سپاری شده، به



چه میزان است؟ توافقنامه‌های خدماتی موجود تا چه میزان تضمین می‌نماید که عملکردهای مهم عملیاتی مؤسسه در هنگامی که لازم است به یک نهاد واسطه و یا بخش‌های بازمانده مؤسسه مالی حل و فصل شده واگذار گردند، تداوم خواهند یافت؟

۱۲- ارزیابی

موانع تفکیک عملکردهای سیستمی حیاتی از سایر عملکردهای مؤسسه مالی در فرایند حل و فصل مالی برای اطمینان از تداوم آن‌ها، با توجه به مسایل مطروحه در بندهای ۱-۴ تا ۳-۴ کدامند؟

❖ درهم‌تنیدگی داخلی

۱۳- دارایی‌های در معرض ریسک^۱ درون گروهی

میزان استفاده از ضمانتنامه‌های درون گروهی، شیوه‌های ثبت و شرایط نکول آن‌ها چیست؟ آیا مبادلات درون گروهی به خوبی مستندسازی می‌گردد؟ مدیریت ریسک مرتبط چه قدر قوی است؟ تا چه میزان این مبادلات با رعایت حدود اشخاص مرتبط^۲ انجام می‌گیرد؟ آیا در صورت نیاز مبادلات اتکایی^۳ قابل فسخ است؟ آیا مؤسسات مالی در خصوص ضمانتنامه‌های درون گروهی و مبادلات درون گروهی ثبت شده اتکایی، اطلاعات را در سطح شخصیت حقوقی نگهداری می‌نمایند؟

۱۴- ارزیابی

آیا مبادلات درون گروهی به ایجاد عدم تعادل مهم در ارزش شخصیت‌های حقوقی، به نحوی که انگیزه‌های همکاری را تحت تأثیر قرار دهند، منجر می‌گردد؟

❖ عضویت در زیرساخت‌های بازار مالی (FMIS^۴)

۱۵- تداوم عضویت در زیرساخت‌های بازار مالی

^۱ exposures

^۲ - arm's length

^۳ - back-to-back

^۴ -Financial market infrastructures(a multilateral system among participating financial institutions, including the operator of the system, used for the purposes of recording, clearing, or settling payments, securities, derivatives, or other financial transactions)



آیا مؤسسه مالی که تحت حل و فصل مالی قرار گرفته، می‌تواند عضو زیرساخت‌های بازار مالی باقی بماند؟ آیا نهاد انتقالی تازه تأسیس توان دسترسی به زیرساخت‌های بازار مالی را خواهد داشت؟

۱۶- انتقال قراردادهای تسویه مرکزی به یک نهاد واسط

آیا قراردادهای مالی تسویه مرکزی یک مؤسسه متوقف می‌توانند به یک نهاد واسط انتقال داده شود؟

۱۷- قابلیت انتقال عملیات پرداخت

آیا مؤسسات مالی تمهیدات فوری به منظور تسهیل انتقال عملیات پرداخت به یک نهاد واسط یا خریدار شخص ثالث را دارند؟ به طور ویژه آیا موارد زیر وجود دارد:

۱- یک مرکز داده برای تمامی موافقت‌نامه‌های عضویت در زیرساخت‌های بازار مالی؛

۲- مستندسازی استاندارد برای خدمات پرداخت، پوشش مسائل مربوط به دوره‌های اطلاع‌رسانی، شرایط انقضا و تداوم تعهدات، به منظور تسهیل خروج نظام‌مند؛

۳- پیش‌نویس موافقت‌نامه خدمات انتقالی به عنوان بخشی از برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی؛ چنانچه نیاز باشد به مؤسسه مالی اجازه خواهد داد که از طرف خریدار جدید و با استفاده از زیرساخت و نیروی موجود، بدون وقفه به فراهم نمودن خدمات پرداخت ادامه دهد؛

۴- «بسته خریدار^۱» برای تسهیل انتقال عملیات پرداخت به مؤسسه مالی نجات‌دهنده^۲، نهاد واسط یا خریدار که باید شامل اطلاعات مربوط به عملیات پرداخت و دارایی‌های در معرض ریسک اعتباری و فهرستی از کارمندان اصلی باشد.

^۱ - purchaser's pack
^۲ -surviving entity



۱۸- مؤسسات مالی لایه دوم^۱

آیا مؤسسات مالی که مستقیماً در زیرساخت‌های بازار مالی مشارکت ندارند، ترتیبات اقتضایی را به منظور دسترسی به زیرساخت‌های بازار مالی از طریق بیش از یک مؤسسه مالی در نظر گرفته‌اند؟ اگر یکی از فعالان اصلی شکست بخورد، آیا آن‌ها می‌توانند سریعاً موقعیت خود را تغییر دهند؟

۱۹- ارزیابی

آیا عملکردهای حیاتی پرداخت می‌توانند تداوم یابند؟ آیا دسترسی به زیرساخت‌های بازار مالی می‌تواند حفظ شود؟

❖ سیستم‌های اطلاعات مدیریت^۲

۲۰- کفایت سیستم‌های اطلاعات مدیریت

ظرفیت‌های سیستم اطلاعات مدیریت مؤسسه مالی تا چه حدی به آن اجازه ساخت یک دیدگاه دقیق و کامل از پروفایل ریسک تجمعی آن تحت شرایط به سرعت در حال تغییر را می‌دهد؟ آیا مؤسسه مالی می‌تواند اطلاعات کلیدی همچون دارایی‌های در معرض ریسک، وضعیت نقدینگی، سپرده‌های بین بانکی و دارایی‌های در معرض کوتاه مدت به/از شرکای اصلی را به صورت روزانه فراهم نماید؟ اگر مؤسسه مالی یا یک یا بیش از یکی از نهادهای قانونی آن وارد فرایند حل و فصل و یا بی‌مایگی شده باشد، آیا مؤسسه مالی می‌تواند از تداوم سیستم اطلاعات مدیریت برای مجموعه باقیمانده و تابعه اطمینان حاصل نماید؟ آیا سیستم‌های اطلاعات لازم در سطح شخصیت حقوقی شامل مبادلات درون گروهی و وثایق در دسترس می‌باشد؟

۲۱- ارائه سریع اطلاعات لازم برای مقامات مربوطه

اطلاعات با چه سرعتی می‌توانند برای ناظرین کشور مبدأ، ناظرین میدانی، مقامات حل و فصل مالی و ناظرین کشور میزبان به طور مناسبی فراهم گردند؟ چه نوع منع قانونی، مانع اشتراک اطلاعات میان مقامات می‌شود؟ آیا مؤسسه مالی دارای فرآیندها و ابزارهایی هست که

^۱ - Second-tier firms

^۲ -MIS



اطلاعات لازم جهت شناسایی سریع سپرده گذاران و مقادیر تضمین شده توسط طرح بیمه سپرده را در اختیار مقامات قرار دهد؟

۲۲- ارزیابی

تا چه حد احتمال دارد که مؤسسه مالی بتواند اطلاعات دقیق، صحیح و به موقع را برای حمایت از یک فرایند حل و فصل اثربخش ارائه کند؟

❖ هماهنگی نظام‌ها و ابزارهای حل و فصل ملی

۲۳- اختیارات و ابزارهای داخلی به منظور حفظ تداوم عملکردهای مهم سیستمی.

آیا نظام‌های حل و فصل مالی در کشورهایی که مؤسسات مالی مهم سیستمی که عملکردهای مهم سیستمی را در آنها انجام می‌دهد، اختیارات حل و فصل مالی معین شده در ویژگی اساسی شماره ۳ را فراهم می‌نمایند؟

۲۴- اختیارات حل و فصل برون مرزی

آیا مقامات کشورهای مبدأ و مقصد دارای اختیارات اجرایی لازم به نحوی می‌باشند که از اجرای یک حل و فصل هماهنگ مطابق با آنچه در ویژگی‌های اصلی تعیین شده است، پشتیبانی نماید. به عنوان مثال:

۱- زمانی که مقام مبدأ تصمیم گرفته است از چنین ابزاری به عنوان بخشی از رویه حل و فصل استفاده نماید؛ چه سازوکارهای فوری به منظور هماهنگی با یک مقام کشور مقصد، عملیات برون مرزی و شناسایی یک نهاد واسط وجود دارد؟

۲- آیا نظام‌های حل و فصل مالی در خصوص برخورد متفاوت با طلبکاران بر اساس محل مطالبه و یا کشوری که طلب قابل پرداخت است، تمهیداتی پیش‌بینی نموده‌اند؟

۳- آیا معیارهای حل و فصل مالی در یک کشور خارجی می‌تواند باعث اقدام در سایر کشورها شود؟ این امر چگونه بر روند حل و فصل مالی و احتمال دستیابی به راه حل هماهنگ تاثیر می‌گذارد؟



۲۵- تبادل اطلاعات بین مقامات کشورهای مبدأ و میزبان

آیا برای تبادل اطلاعات موانع قانونی وجود دارد؟ مقامات کشور مبدأ و میزبان چه میزان مشتاق و قادر به تبادل اطلاعات لازم برای تأثیر بر یک حل و فصل هماهنگ می‌باشند؟

۲۶- هماهنگی‌های عملیاتی برون مرزی

آیا موافقت‌نامه‌های همکاری بین‌المللی موجود، منعکس‌کننده الزامات تعیین شده در ویژگی‌های اصلی است و این اطمینان را به مقامات می‌دهند که دارای قابلیت کاربردی، عملیاتی و قانونی برای هماهنگی مؤثر با همتایان خارجی خود هستند؟

۲۷- ارزیابی

آیا مقامات اطمینان دارند که ابزار قانونی لازم و ظرفیت عملیاتی برای دستیابی به حل و فصل هماهنگ برون مرزی یک مؤسسه مالی مهم سیستمی را در اختیار دارند؟

ارزیابی تأثیر سیستمی

ارزیابی عواقب ناگوار مورد انتظار ناشی از شکست، برای سیستم مالی و کل اقتصاد باید به شناسایی و توسعه معیارهایی که اثر شکست مؤسسه مالی را به طور سیستمی کاهش می‌دهد، منجر شود. تأثیر سیستمی باقی مانده^۱ از شکست مؤسسه مالی، منعکس‌کننده مجموعه عوامل سه‌گانه زیر است:

- ۱- ریسک‌های سیستمی ذاتی در نمایه کسب و کار مؤسسه مالی؛
- ۲- اقدامات کاهنده انجام شده توسط مؤسسه مالی از طریق اعمال ساختارهای سازمانی مناسب، حکمرانی، شیوه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی دقیق حل و فصل؛
- ۳- دقت راهبردهای حل و فصل مؤسسه محور شناسایی شده.

تعیین شاخص‌های ارزشیابی اثرات سیستمی شکست مؤسسه مالی هنوز در مراحل اولیه می‌باشند، بنابراین فرایند ارزشیابی، تا حد زیادی کیفی و برپایه قضاوت است. در هر حال تجزیه و تحلیل اصلی در این خصوص به ارزیابی ریسک‌های سیستمی باقی مانده مرتبط با کانال‌های اصلی به هم تنیدگی سیستمی مربوط می‌شود. در زیر برخی از معیارهای کیفی پیشنهاد شده برای

^۱ - residual



کمک به قضاوت مقامات در خصوص استراتژی حل و فصل ارائه شده است. معیارها باید به صورت جداگانه برای هر کشور مورد بررسی قرار گیرد و مجموعاً برای مؤسسه مالی به طور کلی ارزیابی شود.

۱- تأثیر بر بازارهای مالی

حل و فصل مؤسسه مالی تا چه حد احتمال دارد که موجب اختلال در بازارهای مالی بین‌المللی یا داخلی گردد، به عنوان مثال بخاطر آثار کاهش اطمینان و یا عدم وجود آن؟

۲- تأثیر بر زیرساخت‌های بازار مالی

آیا حل و فصل مؤسسه مالی می‌تواند از طریق زیرساخت‌های مالی، برای مثال با تغییر ترتیبات اولیه زیرساخت‌های مالی یا عدم دسترسی به زیرساخت‌های مالی سایر مؤسسات مالی به زیرساخت‌های مزبور، منجر به ایجاد ریسک سرایت گردد؟

۳- تأثیر بر شرایط منابع مالی

تأثیرات احتمالی حل و فصل مؤسسه مالی در سایر مؤسسات مالی مشابه در تجدید یا افزایش منابع مالی چیست؟

۴- تأثیر بر سرمایه

قرار گرفتن در معرض ریسک مؤسسه مالی که در شرایط حل و فصل قرار دارد، تا چه حد می‌تواند منجر به کاهش سرمایه شرکای مهم سیستمی آن، به صورت فردی یا جمعی، به سطوح پایین‌تر از حدود مقرراتی شود؟

۵- تأثیر بر اقتصاد

حل و فصل مؤسسه مالی و عواقب آن تا چه حد و از طریق چه کانال‌هایی می‌تواند بر اقتصاد تأثیر گذارد؟ آیا پتانسیل انقباض جریان‌های اعتبار و سرمایه وجود دارد؟ آیا اثرات ثروت معنی‌دار وجود دارد؟



پیوست چهار - عناصر ضروری برنامه‌های بازسازی و حل و فصل

ویژگی‌های اصلی (نظام حل و فصل مالی) از کشورها می‌خواهد به منظور تسهیل حل و فصل پذیری، فوراً یک فرایند برنامه ریزی مداوم بازسازی و حل و فصل را به عنوان بخشی از فرایند نظارت کلی خود ایجاد نمایند (به ویژگی‌های اصلی ۱۱ رجوع شود). فرایند باید مقامات حل و فصل و تمامی مقامات مربوطه را درگیر نماید.

اهداف و حاکمیت برنامه‌های بازسازی و حل و فصل

۱- یک برنامه بازسازی و حل و فصل معتبر و مناسب برای هر مؤسسه مالی زمانی لازم است که بر اساس ارزیابی مقامات مبدأ شکست آن مؤسسه اثر بالقوه ای بر ثبات مالی داشته باشد. این حداقل شامل تمامی مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی خواهد بود (به ویژگی اصلی شماره ۱۱-۲ رجوع شود).

۲- برنامه بازسازی و حل و فصل باید به شرایط خاص مؤسسه مالی توجه نماید و ماهیت، پیچیدگی، درهم‌تنیدگی، سطح جایگزین‌پذیری و اندازه مؤسسه مالی را منعکس نماید.

۳- فرضیات اساسی برنامه بازسازی و حل و فصل و سناریوهای بحران باید به اندازه کافی سخت‌گیرانه باشند. سناریوهای بحران مؤسسه مالی (گروه) و در سطح گروه آن، باید اثر بالقوه سرایت برون مرزی در سناریوهای بحران و همچنین شرایط بحران همزمان در چندین بازار مهم را مورد توجه قرار دهند.

۴- برنامه‌های بازسازی و حل و فصل در یک سناریو حل و فصل یا بازسازی برای مؤسسات مالی و مقامات، باید به عنوان رهنمود به کار گرفته شود. تحت هیچ شرایطی نباید فرض شود که مقامات مجبور به اجرای آن خواهند بود یا از اجرای استراتژی متفاوت در مواقعی که نیاز است مؤسسه مالی منحل گردد، جلوگیری نماید.

❖ برنامه بازسازی

۵- برنامه بازسازی به عنوان رهنمود بازسازی یک مؤسسه مالی بحران‌زده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مرحله بازسازی مؤسسه مالی هنوز با شرایط منجر به حل و فصل یا ورود به نظام حل و فصل، مواجه نشده است. در صورتی که معیارهای بازسازی مناسبی انتخاب شود، چشم انداز معقولی برای بازسازی وجود خواهد داشت. برنامه



بازسازی باید شامل معیارهای کاهش نمایه ریسک مؤسسه مالی و حفظ سرمایه، همچنین گزینه های راهبردی همچون واگذاری خطوط کسب و کار و تجدید ساختار بدهی ها باشد.

۶- مسئولیت فراهم آوری و حفظ و در صورت لزوم اجرای برنامه بازسازی بر عهده مدیریت ارشد مؤسسه مالی می باشد. مقامات باید اعتبار و قابلیت پیاده سازی اثربخش برنامه بازسازی را به عنوان بخشی از فرایند کلی نظارت ارزیابی نمایند. مقامات باید دارای اختیار لازم برای درخواست اجرای اقدامات بازسازی باشند.

۷- مؤسسات مالی باید ملزم شوند که برنامه بازسازی را در فواصل زمانی منظم و بر اساس وقوع رویدادهایی که به طور قابل توجهی ساختار، عملیات مؤسسه مالی، استراتژی یا منابع در معرض ریسک مؤسسه مالی را تغییر می دهند، به روز رسانی نمایند. آنها باید به بازبینی منظم فرضیات بیرونی و درونی مؤسسه مالی که برنامه بازسازی بر اساس آن تدوین شده است، ملزم شوند و همچنین مرتبط و کاربردی بودن برنامه ها را ارزیابی نمایند. در صورت لزوم، مؤسسات مالی باید برنامه بازسازی خود را مطابق با آن تغییر دهند.

❖ برنامه حل و فصل مالی

۸- برنامه حل و فصل در حالی که از عملکردهای مهم سیستمی حفاظت می نماید، باید استفاده اثربخش از اختیار مقامات را با هدف امکان پذیر ساختن حل و فصل هر مؤسسه مالی بدون اختلال نظام مند شدید و بدون در معرض زیان قرار دادن مالیات دهندگان، تسهیل نماید. در رویدادهایی که معیارهای بازسازی امکان پذیر یا اثربخش نباشند، این برنامه باید به عنوان یک رهنمود برای مقامات به منظور دستیابی به یک حل و فصل نظام مند بکار گرفته شود.

۹- مسئولیت فراهم نمودن و نگهداری و در صورت لزوم اجرای استراتژی های معین شده در برنامه حل و فصل بر عهده مقامات می باشد.

۱۰- تمامی مقامات ملی مرتبط با امر نظارت، اجرای اقدامات اصلاحی و حل و فصل، باید در فرایند برنامه بازسازی و حل و فصل مالی مشارکت نمایند.

۱۱- مؤسسات مالی باید به ارائه آمار و اطلاعات لازم (شامل تحلیل های استراتژی و سناریو) به منظور برنامه ریزی حل و فصل به موقع به مقامات مربوطه ملزم شوند.



مقامات باید اطلاعات خاص مورد نیازشان را تعیین نمایند و از اینکه مؤسسه مالی ظرفیت ارائه به موقع اطلاعات بر اساس درخواست ایشان را دارد، اطمینان حاصل نمایند.

۱۲- مقامات باید برنامه‌های حل و فصل را تا جایی که لازم باشد به همراه مؤسسه مالی بازنگری نمایند. ممکن است مقامات تصمیم بگیرند که بخشی از برنامه حل و فصل را برای مؤسسه مالی افشاء نمایند.

❖ اجرا و نظارت بر برنامه بازسازی و حل و فصل مالی

❖ مقامات

۱۳- مقامات می‌بایست یک ساختار حاکمیتی قوی به منظور نظارت بر فرایندهای برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی شامل به روزرسانی و مرور برنامه‌های بازسازی و حل و فصل به منظور لحاظ هرگونه تغییرات در شرایط مؤسسه مالی یا سیستم مالی ایجاد نمایند. مسئولیت فراهم کردن، بازنگری، تأیید و نگهداری برنامه‌های بازسازی و حل و فصل باید صریحاً مشخص گردد. مقامات باید یک فرایند مشخص را به منظور تعامل با مؤسسات مالی در حال بازسازی و حل و فصل داشته باشند. در کشورهایی که به منظور کاربرد معیارهای حل و فصل، دستور دادگاه لازم است، به منظور اطمینان از اینکه زمان مورد نیاز برای اقدامات دادگاه، اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل را به خطر نمی‌اندازد، مقامات حل و فصل باید این مورد را در فرایند برنامه ریزی حل و فصل مدنظر قرار دهند.

۱۴- مقامات باید منابع و تخصص کافی به منظور حمایت از تهیه و ارزیابی پیوسته برنامه‌های بازسازی و حل و فصل را داشته باشد.

۱۵- مقامات باید برنامه بازسازی و حل و فصل را مورد بازبینی قرار داده و هر جا که لازم است تغییراتی را در فرضیات و سایر سناریوهای بحران یک مؤسسه مالی اعمال نمایند و مؤسسات مالی را به تهیه سناریوهای بحران مضاعف ملزم نمایند. سناریوهای بحران باید به قدر کفایت تمامی ریسک‌های درونی و بیرونی را که مؤسسه مالی با آنها مواجه می‌گردد، مورد توجه قرار دهند و شرایط خاص مؤسسه مالی، استراتژی و وضعیت‌ها را در نظر بگیرند. مقامات باید به دنبال دستیابی به درجه



معقولی از ثبات در شدت سناریوهای بحران مورد استفاده توسط مؤسسات مالی مختلف باشند.

۱۶- مقامات باید تمایل مدیریت مؤسسه مالی به اجرای معیارهای اصلاحی را ارزیابی نمایند و در جایی که لازم است اجرای معیارهای بازسازی را الزام آور نمایند.

۱۷- در صورتی که معیارها توسط اکثر مؤسسات مالی به طور همزمان اجرا گردد، مقامات باید اثر سیستمی آن را در نظر داشته باشند.

۱۸- به منظور حمایت از فرایند برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل، مؤسسات مالی باید ملزم به داشتن یک ساختار حاکمیت قوی و منابع کافی شوند. این امر شامل مسئولیت های مشخص واحدهای کسب و کار، مدیران ارشد و اعضای هیأت مدیره می باشد، و همچنین تعیین یک مسئول ارشد اجرایی به منظور اطمینان از اینکه مؤسسه مالی با برنامه های بازسازی و حل و فصل منطبق است و برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل در فرایندهای کلی حکمرانی مؤسسه مالی منظور شده است.

۱۹- مؤسسات مالی باید ملزم به داشتن سیستم هایی به منظور تولید به موقع اطلاعات مورد نیاز برای حمایت از فرایند برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل شوند، تا هم مؤسسه مالی و هم مقامات به طور اثربخش قادر به برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل و در صورت لزوم اجرای آن باشند.

۲۰- مؤسسات مالی باید ملزم به تهیه سناریوهای بحران عینی در دو سطح مؤسسه محور و بازار محور شوند و حسب درخواست، استراتژی و تحلیل سناریو را تهیه نمایند.

۲۱- به منظور ارزیابی امکان پذیری و معتبر بودن برنامه های بازسازی و حل و فصل، مؤسسات مالی در صورت درخواست، باید بطور دوره ای در برنامه های اجرایی سناریوها یا شبیه سازی ها با مقامات کشور میزبان و مبدأ مؤسسه مالی مشارکت نمایند.

هماهنگی برون مرزی

۲۲- مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات اصلی کشور میزبان مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی، باید جلساتی را با هم برگزار نمایند و هر جا ضرورت داشت با مدیرعامل



مؤسسه مالی دیدار داشته باشند و حداقل به صورت سالانه استراتژی کلی حل و فصل را بازبینی نمایند.

۲۳- مقامات ارشد ذی صلاح کشور مبدأ و میزبان باید حداقل به طور سالانه برنامه های عملیاتی حل و فصل را برای هر یک از مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی بازبینی نمایند و به منظور سنجش پایداری برنامه ها، در برنامه های اجرایی سناریوها یا شبیه سازی های مؤسسه مالی مشارکت نمایند.

۲۴- مقامات کشور مبدأ باید تهیه برنامه حل و فصل گروهی را در هماهنگی با سایر اعضای گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی، حداقل برای مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی، راهبری نمایند. مقامات حل و فصل کشور میزبان ممکن است برنامه های خود را برای حل و فصل مؤسسه مالی در کشورشان اجرا نمایند. این مورد باید حتی الامکان در همکاری با مقامات کشور مبدأ به منظور اطمینان از سازگاری برنامه با برنامه گروه صورت پذیرد.

۲۵- برای تمام مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی، مقامات کشور مبدأ باید فرآیندی برای اطمینان از این که چه کشورهای غیر عضو گروه مدیریت بحران، اثرات سیستمی فعالیت مؤسسات مالی مهم بین المللی را بر اقتصاد داخلی خود ارزیابی می نمایند و دلایل چنین ارزیابی هایی چیست، داشته باشند. مقامات کشور میزبان باید فرآیندی را به منظور حفظ ارتباط با چنین کشورهای خارج از گروه مدیریت بحران، ایجاد نموده و اطمینان حاصل نمایند که شرایط مناسب برای همکاری و به اشتراک گذاری اطلاعات وجود دارد.

طرح کلی برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی

ساختار برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی

۲۶- به منظور حمایت از اجرای سریع، برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی باید شامل موارد ذیل شوند:

۱- یک خلاصه واقع گرایانه از استراتژی های مهم بازسازی و حل و فصل مالی و

یک برنامه عملیاتی؛



- ۲- تحلیل راهبردی که مبنای استراتژی‌های بازسازی و حل و فصل مالی باشد؛
- ۳- شرایط مداخله، توصیف پیش نیازهای لازم و کافی برای شروع عملیات بازسازی یا حل و فصل مالی؛
- ۴- گزینه‌های عینی و عملی برای اقدامات بازسازی و حل و فصل مالی؛
- ۵- آماده سازی‌های اولیه برای اطمینان از اینکه اقدامات می‌توانند به طور موثر و به موقع اجرا شود؛
- ۶- جزئیات هر گونه مانع بالقوه در راه اجرای موثر و به موقع برنامه؛
- ۷- مسئولیت اجرای اقدامات آماده سازی، شروع اجرای طرح و اقدامات واقعی؛

استراتژی‌های بازسازی و حل و فصل مالی

۲۷- برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی باید شامل خلاصه مدیریتی در سطح بالا از استراتژی‌های مهم بازسازی و حل و فصل و همچنین یک برنامه عملیاتی اجرای آنها باشد. این مورد باید شامل شناسایی عملکردهای سیستمی مهم و حیاتی مؤسسه مالی (به عنوان مثال نشان دادن عملیات اصلی مؤسسه مالی با یک نمودار سازمانی)، توصیفی از معیارهای حیاتی اجرای استراتژی‌های مهم بازسازی و حل و فصل مالی و یک ارزیابی از موانع احتمالی اجرای موفقیت آمیز آن و همچنین شامل تغییرات اساسی یا اقدامات انجام شده از زمان آخرین برنامه بازسازی و حل و فصل ثبت شده توسط مؤسسه مالی باشد.

تحلیل راهبردی

- ۲۸- یکی از اجزای مهم برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی تحلیل راهبردی است، که عملکردهای حیاتی و مهم سیستمی مؤسسه مالی را شناسایی نموده و مراحل اصلی حفظ آنها را در سناریوهای بازسازی و حل و فصل مشخص می‌کند. سایر اجزای اصلی باید شامل موارد زیر باشد:
- ۱- شناسایی عملکردهای ضروری و سیستمی مهم و مرتبط نمودن آن عملکردها با اشخاص حقوقی زیرمجموعه آن؛



- ۲- اقدامات مورد نیاز به منظور حفظ عملیات و تأمین مالی آن دسته از عملکردهایی که ضروری و از لحاظ سیستمی مهم می‌باشند؛
- ۳- ارزیابی پایداری^۱ هریک از خطوط کسب و کار و شخصیت‌های حقوقی که ممکن است در جریان سناریوهای بازسازی و حل و فصل جدا شوند، همچنین ارزیابی اثر چنین تفکیک‌هایی بر پایداری و ساختار باقیمانده گروه؛
- ۴- ارزیابی اثربخشی احتمالی و ریسک بالقوه هریک از جنبه‌های اصلی اقدامات بازسازی و حل و فصل مالی، شامل اثر بالقوه بر مشتریان، شرکاء و اعتماد بازار؛
- ۵- برآورد ترتیب و زمان مورد نیاز برای اجرای هریک از ابعاد اصلی برنامه؛
- ۶- فرضیه‌های پیش‌بینی شده به منظور آماده سازی برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی؛
- ۷- موانع اساسی بالقوه در راه اجرای به موقع و اثربخش برنامه؛
- ۸- فرایندهای تعیین ارزش و قابلیت فروش خطوط اصلی کسب و کار، عملیات و دارایی‌ها.

اجزاء اصلی برنامه بازسازی

- ۲۹- مؤسسات مالی باید اقدامات بازسازی ممکن، مراحل لازم و زمان مورد نیاز اجرای این اقدامات را مشخص کند و ریسک‌های مرتبط را ارزیابی نمایند. دامنه اقدامات امکان‌پذیر بازسازی، باید شامل موارد زیر باشد:
 - ۱- اقدامات در راستای تقویت وضعیت سرمایه، به عنوان مثال افزایش سرمایه پس از تحقق زیان شدید، اقدامات حفاظت سرمایه همچون تعلیق سود سهام و پاداش متغیر؛
 - ۲- فروش احتمالی مؤسسات مالی تابعه و تعلیق فعالیت‌های واحدهای تجاری مربوطه؛
 - ۳- تجدید ساختار داوطلبانه عملی بدهی‌ها از طریق تبدیل بدهی به سهام؛

^۱ -viability



۴- اقدامات لازم برای تأمین مالی کافی، درحالی که تنوع منابع مالی و دسترسی

به وثایق از نظر حجم، کیفیت و وضعیت را تضمین نماید.

۳۰- مؤسسات مالی باید به منظور حفظ عضویت خود در زیرساخت های بازار مالی (به

عنوان مثال، تأمین مالی پیش از موعد و توثیق وضعیت ها)، تمهیدات مضاعفی که

ممکن است در شرایط بحرانی اهمیت یابند، را ارزیابی نموده و برای اجرای تمهیدات

مذکور ابزارهایی را (برای مثال ارایه طرح هایی برای نحوه تأمین منابع وثایق مازاد و

ارزیابی محدودیت های بالقوه در جریانات پرداخت مؤسسه مالی) شناسایی نمایند.

۳۱- مؤسسات مالی باید اطمینان حاصل نمایند که دارای تمهیدات مناسبی (به عنوان مثال

عملکرد فرایندهای داخلی، سیستم های فناوری اطلاعات، امکانات تسویه و پرداخت،

قراردادهای مربوط به تأمین کنندگان و کارمندان) هستند که آنها را در حین اجرای

اقدامات مربوط به بازسازی قادر به ادامه فعالیت می سازد.

۳۲- مؤسسات مالی باید سازوکارهای اجرایی توقف و تسریع (فرآیند بازسازی) را به طور

شفاف تعریف نمایند، همچنین معیارهای کمی و کیفی که باعث شروع برنامه بازسازی

می شوند یا اقدامات خاصی که توسط مدیریت مؤسسه مالی در مشورت با مقامات

ذی صلاح به اجرا گزارده می شوند را تعیین نمایند. چنین معیارهایی باید به منظور

جلوگیری از تأخیرهای ناموجه در اجرای اقدامات بازسازی طراحی شده باشد.

۳۳- مؤسسات مالی باید یک استراتژی ارتباطی مناسب با مقامات، عموم مردم، بازارهای

مالی، کارکنان و سایر فعالان ایجاد کنند.

اجزای ضروری برنامه حل و فصل

۳۴- مقامات باید با توجه به ترتیبات ناظر بر هماهنگی های بین المللی، استراتژی های حل و

فصل بالقوه را شناسایی کنند و پیش شرط های لازم و الزامات عملیاتی برای اجرای

آنها را ارزیابی نمایند. علاوه بر استراتژی حل و فصل کلی و تحلیل راهبردی، مقامات

باید موارد زیر را تعیین نمایند:

۱- آستانه مقرراتی و شرایط قانونی که زمینه را برای شروع اقدامات رسمی فراهم

می نماید (از جمله آستانه ورود به حل و فصل) و محدوده اختیارات مقامات (به عنوان



مثال میزان این‌که؛ مقامات تحت شرایط خاصی می‌توانند از برخی اقدامات خودداری کنند یا خیر)؛

- ۲- وابستگی‌های حیاتی و اثرگذاری اقدامات حل و فصل بر سایر خطوط کسب و کار و شخصیت‌های حقوقی (آیا سایر نهادها قادر به ادامه کارکرد هستند؟)، قراردادهای مالی (آیا مقامات دارای اختیار محدود نمودن یا تعلیق هستند؟)، بازارها و سایر مؤسسات مالی با خطوط کسب و کار مشابه، برآورد نسبی از زیان‌هایی که طلبکاران در ارتباط با استراتژی‌های گوناگون حل و فصل متحمل آن می‌گردند؛
- ۳- گستره منابع در دسترس به منظور تأمین مالی حل و فصل؛
- ۴- فرایند پرداخت‌های صندوق ضمانت و سایر طرح‌های بیمه سپرده (به عنوان مثال مشخص نمودن سپرده‌های بیمه شده و بیمه نشده)؛
- ۵- فرایندهای حفظ دسترسی بی وقفه به نظام پرداخت، امکانات تسویه یا تهاتر، سامانه‌های کسب و کار و معاملات؛
- ۶- فرایندهای داخلی و سیستم‌های لازم برای حمایت از عملکرد مداوم کارکردهای حیاتی مؤسسه مالی؛
- ۷- فرایندهای اجرای برون‌مرزی برنامه‌ها؛
- ۸- راهبردها و فرایندهای ارتباطی مناسب برای هماهنگی ارتباط با مقامات خارجی؛

اطلاعات مورد نیاز به منظور برنامه‌ریزی بازسازی و حل و فصل مالی

- ❖ مؤسسات مالی باید ظرفیت فراهم آوردن اطلاعات ضروری مورد نیاز برای پیاده‌سازی به موقع برنامه‌های بازسازی و حل و فصل را برای اهداف برنامه‌ریزی بازسازی و حل و فصل و همچنین در شرایط بحرانی داشته باشند، این اطلاعات عبارتند از:
 - ۳۵- ارتباطات بین‌المللی درون گروهی^۱، به عنوان مثال، عملیات کسب و کار اصلی و درهم‌تنیدگی آن با سایر خطوط کسب و کار، شخصیت‌های حقوقی و کشورها، منابع در معرض ریسک درون گروهی از طریق وام‌ها و ضمانت‌های درون گروهی، مبادلات ثبت

^۱ - Intra-group



شده اتکایی^۱، وابستگی شخصیت‌های حقوقی مؤسسه مالی به گروه دیگر برای پشتیبانی نقدینگی یا سرمایه و همچنین سایر حمایت‌ها.

۳۶- داده‌های عملیاتی، برای مثال، میزان دارایی بلوکه شده^۲، میزان دارایی‌های نقد، تعهدات زیر خط ترازنامه و غیره.

۳۷- سازمان‌ها و عملیاتی که اجرای اقدامات بازسازی و حل و فصل را پشتیبانی می‌نمایند. به عنوان مثال؛ عملیات اتاق مبادلات^۳، شیوه‌های ثبت معاملات تجاری^۴، استراتژی‌های پوشش، توثیق دارایی‌ها^۵؛ اطلاعات نظام پرداخت، سیستم‌های تسویه و تهاتر؛ فهرست سیستم‌های اطلاعات مدیریت مهم شامل سیستم‌های حسابداری، ریسک و حفظ وضعیت.

۳۸- مسئولیت‌ها و نقش‌های مهم مدیریت بحران؛ به عنوان مثال: اطلاعات تماس، امکانات ارتباطی به منظور ارتباط در حین بحران، رویه‌های مؤسسه مالی به منظور فراهم نمودن امکان دسترسی مقامات ذی‌ربط کشور مبدأ و میزبان، به اطلاعات، در زمان عادی و در حین بحران.

۳۹- چارچوب قانونی و مقرراتی که مؤسسه مالی در آن فعالیت می‌کند. به عنوان مثال: مقامات ذی‌ربط کشور مبدأ و میزبان و نقش هریک، عملکردها و مسئولیت‌ها در مدیریت بحران مالی، نظام‌های حل و فصل مالی شامل ابعاد کاربردی قوانین مرتبط با شرکت‌ها، تجارت، ورشکستگی، اوراق بهادار و نظام‌های ورشکستگی که بخش زیادی از گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ منابع نقدینگی، شامل منابع خصوصی و منابع بانک مرکزی.

^۱ - back to back

^۲ - asset encumbrance (asset encumbrance is the process banks go through to secure or collateralize a claim. In accounting, it refers to restricted funds that are reserved for a specific liability)

^۳ - dealing room

^۴ - trade booking practices

^۵ - custody of assets



پیوست پنجم - تعلیق موقت حقوق انقضا پیش از موعد

اهداف

- ۱- تحت مستند سازی استاندارد بازار برای قراردادهای مالی و نبود هرگونه تمهیدات قانونی و مقرراتی مغایر آن، حقوق مربوط به تسریع، انقضا و یا سایر روش‌های خاتمه قراردادها (به طور کلی، حقوق انقضا پیش از موعد) در قراردادهای مالی ممکن است با ورود مؤسسه مالی به حل و فصل یا در ارتباط با استفاده از اختیارات حل و فصل بکار گرفته شود. در مورد یک مؤسسه مالی مهم سیستمی فسخ نمودن حجم بالای قراردادهای مالی بر اساس ورود به حل و فصل می‌تواند منجر به بی‌نظمی در خروج گردد که این موضوع عدم ثبات بیشتری در بازار به وجود آورده و در اجرای اقدامات حل و فصل که هدفش دستیابی به پایداری است، اختلال ایجاد نماید.
- ۲- مشخصه‌های اصلی (مشخصه اصلی ۴-۳) تصریح می‌نماید که تحت تدابیر حفاظتی کافی، ورود به حل و فصل و اعمال هر یک از اختیارات حل و فصل نباید شرایطی را ایجاد نماید که شریک تجاری (طرف قرارداد) مؤسسه مشمول حل و فصل، در صورتی که تعهدات اساسی تحت قرارداد شامل تعهدات پرداخت و تحویل و همچنین تهیه وثایق همچنان در حال انجام می‌باشند، محق به استفاده از حقوق انقضای پیش از موعد گردد. با وجود اینکه حقوق انقضای پیش از موعد باید قابل اجرا باشد، مقامات حل و فصل باید در جایی که این حقوق تنها به دلیل ورود به حل و فصل یا در ارتباط با استفاده از اختیارات حل و فصل ایجاد شده و در صورتی که تعهدات اساسی تحت قرارداد شامل تعهدات پرداخت و تحویل و تأمین وثایق همچنان در حال انجام می‌باشد، قدرت تعلیق موقت این حقوق را داشته باشند.
- ۳- محدودیت‌های مقرر بر حقوق انقضای پیش از موعد که در پاراگراف قبلی تبیین شده است سایر حقوق طرفین را تحت موافقت‌نامه‌های تسویه و وثیقه‌گذاری، تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و در پرداخت یا تعهدات تحویل به زیرساخت‌های مالی دخالت نمی‌نماید. اگر مؤسسه مالی تحت حل و فصل در ایفای تعهدات تسویه یا تضمین دچار شکست شود که ناشی از یک قرارداد مالی یا نتیجه عضویت مؤسسه در یک زیرساخت بازار مالی باشد، طرف مقابل یا زیر ساخت بازار مالی حق فوری استفاده از



حقوق انقضای پیش از موعد مؤسسه مشمول حل و فصل را خواهد داشت. طرف مقابل و زیرساخت بازار مالی نمی‌توانند قرارداد را صرفاً به دلیل ورود مؤسسه به حل و فصل یا استفاده از اختیارات حل و فصل، فسخ یا منقضی نمایند. آنها صرفاً در صورتی چنین حقی خواهند داشت که مؤسسه تحت حل و فصل یا مقام حل و فصل در ایفای تعهدات تسویه و تضمین ناشی از قرارداد مالی یا در نتیجه عضویت آن در زیرساخت بازار مالی، دچار شکست شوند.

شرایط تعلیق موقت

۴- تعلیق موقت اجرای حقوق انقضای پیش از موعد باید بر اساس شرایط زیر صورت پذیرد:

- ۱- تعلیق تنها در مورد حقوق انقضای پیش از موعدی که ناشی از دلایل ورود به حل و فصل یا مرتبط با استفاده از اختیارات حل و فصل باشد، به کار گرفته می‌شود (به عنوان مثال: تغییر در کنترل مؤسسه مربوطه یا کسب و کار آن ناشی از چنین فرایندی)؛
- ۲- تعلیق اکیداً از نظر زمانی دارای محدودیت است (به عنوان مثال برای مدت زمان حداکثر ۲ روز کاری)؛
- ۳- مقام حل و فصل باید صرفاً مجاز به انتقال تمامی قراردادهای واجد شرایط با یک طرف مقابل خاص به یک نهاد جدید می‌باشد و مجاز نیست تا قراردادهای تکی را به یک طرف مقابل یکسان که مشمول قرارداد خالص سازی یکسان نیز است، انتقال دهد.
- ۴- برای قراردادهایی که به یک نهاد واسط یا شخص ثالث منتقل شده‌اند، نهاد پذیرنده باید تمام حقوق و الزامات مؤسسه مالی ناشی از قراردادهای منتقل شده را بر عهده گیرد.
- ۵- حقوق انقضای پیش از موعد طرف مقابل در برابر مؤسسه مالی مشمول حل و فصل در حالت بروز هرگونه نکول قبل، حین یا بعد از دوره تعلیق که به ورود آن مؤسسه به حل و فصل یا اعمال اختیارات حل و فصل مرتبط نیست،



- محفوظ است. (برای مثال، عدم توانایی مؤسسه در انجام پرداخت یا عدم تحویل یا بازگرداندن وثایق در سررسید مربوطه)
- ۶- به دنبال انتقال قراردادهای مالی، حقوق تعلیق پیش از موعد طرف مقابل در برابر نهاد خریدار مؤسسه در حالتی که عدم توانایی نهاد مذکور محرز گردد، محفوظ می باشد.
- ۷- طرف مقابل می تواند حق خاتمه سریع در برابر مؤسسه مشمول حل و فصل را در موقع انقضای تعلیق یا زودتر از آن، به شرط آن که مقامات ذی صلاح مؤسسه مالی را در خصوص این که قراردادهای مربوطه قابل انتقال نیستند مطلع نمایند، به اجرا گذارد.
- ۸- بعد از دوره تعلیق، حقوق انقضای پیش از موعد برای قراردادهای مالی که به یک مؤسسه مالی سالم، نهاد انتقالی یا سایر نهادهای عمومی انتقال داده نشده اند، می تواند به اجرا گذارده شود.

عملیات تعلیق

- ۹- تعلیق می تواند در عمل بصورت صلاح دیدی (که به وسیله مقامات حل و فصل بصورت مورد به مورد قابل اعمال است.) یا بصورت خودکار باشد. در حالت اول، کشورها باید اطمینان یابند که طرفهای مقابل مؤسسه مالی مشمول حل و فصل در شروع و پایان تعلیق شفاف عمل می نمایند.
- ۱۰- به عنوان بخشی از فرآیند طرح ریزی حل و فصل و ارزیابی حل و فصل پذیری، مقامات باید به ملاحظات مربوط به تعلیق موقت در اجرای حقوق انقضای پیش از موعد در خصوص زیرساخت های بازار مالی و سایر طرف های مقابل مؤسسه مالی توجه نمایند. (پیوست شماره ۳، ۴-۸، پیوست شماره ۴، ۴-۱ رجوع شود.)



ضمیمه دو: رهنمود بخشی محور



پیوست یک - حل و فصل مالی زیرساخت‌های بازار مالی و فعالان بازارهای مالی

بخش نخست این پیوست (حل و فصل زیرساخت‌های بازار مالی) رهنمودهایی را در باب بکارگیری ویژگی‌های اصلی نظام‌های حل و فصل مؤثر مؤسسات مالی مرتبط با نظام‌های سیستم‌های زیرساخت‌های بازار مالی (FMIs) دارای اهمیت سیستمی، ارائه می‌دهد.

بخش دوم این ضمیمه (حل و فصل فعالان زیر ساخت‌های بازار مالی)، به موضوع حل و فصل فعالان زیرساخت‌های بازار مالی می‌پردازد که در مواقع شکست یا وقوع بحران، دارای اهمیت سیستمی بوده و کارکردشان حیاتی باشد.

بخش یک - حل و فصل زیرساخت‌های بازار مالی

ویژگی‌های اصلی تصریح می‌کند که زیرساخت‌های بازار مالی (FMIs) - شامل نظام‌های پرداخت، سپرده‌گذاری‌های مرکزی اوراق بهادار (CSDs)^۱، سیستم‌های تسویه اوراق بهادار (SSSs)، سیستم تسویه مرکزی (CCPs) و مراکز ثبت تجاری (TRs) - باید تابع نظام‌های حل و فصلی باشند که اهداف و تمهیدات ویژگی‌های اصلی را، به شیوه‌ای مناسب نسبت به زیرساخت‌های بازار مالی و نقش حیاتی آنها در این بازارها، اجرا می‌کنند. (ویژگی اصلی شماره ۱-۲)

این رهنمود، ویژگی‌های اصلی - که به طور کلی در نظام‌های حل و فصل مالی مرتبط با همه مؤسسات مالی دارای اهمیت سیستمی و زیرساخت‌های بازار مالی اعمال می‌گردد- را از طریق نشان دادن این موضوع که چگونه ویژگی‌های اصلی یا عناصر خاصی از آن باید در زمان حل و فصل زیرساخت‌های بازار مالی یا یکی از اجزای خاص آنها تفسیر گردند، تکمیل می‌کند.

فرض بر این است که تمام زیرساخت‌های بازار مالی به طور سیستمی، حداقل در قلمرو داخلی که آنها مستقر هستند، به طور نوعی به خاطر کارکردهای حیاتی شان در بازارهایی که خدمات دهی می‌کنند پر اهمیت یا حیاتی هستند. در هر حال، یک مقام می‌تواند تشخیص دهد که زیرساخت بازار مالی، در قلمرو داخلی خویش از نظر سیستمی پر اهمیت یا حیاتی محسوب نشده و لذا ارتباطی با ویژگی‌های اصلی ندارد. گستره این رهنمود با اصول CPSS-IOSCO در خصوص زیرساخت‌های بازار مالی^۲ منطبق بوده

^۱ <http://www.bis.org/cpmi/publ/d101.htm>



و مشخص می‌نماید که زیرساخت‌های بازار مالی تحت تملک و اختیار بانک‌های مرکزی، ارتباطی با ویژگی‌های اصلی ندارد.

هر زمان که ضرورت دارد، این رهنمود ابعاد خاصی از نظام‌های حل و فصل مالی را که برای انواع مختلف زیرساخت‌های بازار مالی مناسب است را ایجاد می‌کند. این ضمیمه باید با ویژگی‌های اصلی مطالعه شود و رهنمود مربوط به هر کدام از ویژگی‌های اصلی باید با لحاظ ویژگی اصلی مرتبط با آن، مورد توجه قرار گیرد. ضمیمه، جایگزین ویژگی‌های اصلی نمی‌گردد. لذا نباید چنین استنباط شود که یک ویژگی اصلی خاص یا جزئی از آن، به سادگی نسبت به یک زیرساخت بازار مالی اعمال نمی‌گردد، صرفاً به این دلیل که در این ضمیمه هیچ تمهیدات حمایتی وجود ندارد.^۱

این ضمیمه همچنین باید در کنار اصول ناظر بر زیرساخت‌های بازار مالی مطالعه شود که مستلزم این است که زیرساخت‌های بازار مالی، برنامه بازسازی^۲ جامع و مؤثر داشته باشند از جمله، اصول ناظر بر زیرساخت‌های بازار مالی مستلزم این است که هر کدام از زیرساخت‌های مزبور قواعد و رویه‌هایی شفاف را ایجاد کنند که به طور کامل هرگونه خسارات و زیان اعتباری که ممکن است به صورت شخصی یا ترکیبی توسط فعالان بازار به جهت تعهداتی که به زیرساخت بازار مالی دارند، ایجاد نمایند؛ چگونگی توزیع احتمالی خسارات اعتباری بدون پوشش؛ و چگونگی افزایش منابع مالی زیرساخت بازار مالی در مواجهه مجدد با موقعیت بحرانی^۳. همچنین اصول ناظر بر زیرساخت‌های بازار مالی، زیرساخت‌های بازار مالی را ملزم می‌نماید قواعد و شیوه‌های شفاف را ایجاد کنند که آن‌ها را قادر سازد بر روی تعهدات تسویه پرداخت روزانه، پایان روز و چند روزه همزمان با هرگونه عدم ایفای تعهد فردی یا جمعی فعالان آن بازارها تأثیر بگذارند.^۴

با این وجود، ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که در آن، حل و فصل زیرساخت بازار مالی، مشروط به تشخیص مقامات (یا مراجع) ذیربط، ضروری باشد اگر، برنامه بازسازی و هرگونه قواعد و راهکارهای تخصیص زیان در جهت ادامه حیات و بازسازی زیرساخت بازار مالی، با شکست مواجه شده یا به موقع تکمیل نشده باشد، یا حتی زمانی که هنوز برنامه بازسازی به طور کامل اجرا نشده، مراجع و مقامات مقررات‌گذار، ناظر و مقامات حل و فصل تشخیص دهند که اقدامات بازسازی برای ادامه حیات

^۱ - از آنجایی که محتوای (اجزاء) این پیوست، در جهت اهداف ارزیابی، در تطابق با ویژگی‌های اساسی، بر اهمیت در نظر گرفته شده است؛ آن اجزاء به وضوح در روش شناسی ارزیابی ویژگی‌های اساسی، منعکس می‌گردد.

^۲ - رهنمودهای بیشتر راجع به فرایند برنامه ریزی بازسازی و محتوای برنامه‌های آن در گزارش **CPMI-IOSCO** پیرامون بازسازی زیرساخت‌های بازار مالی اشاره شده است.

^۳ - بند ۴- ویژگی اصلی شماره ۷

^۴ - بند ۷- ویژگی اصلی شماره ۱۰



زیر ساخت بازار مالی منطقی نبوده یا ثبات مالی را به خطر می‌اندازد. این امر مستلزم این است که زیرساخت‌های بازار مالی، تابع نظام‌های حل و فصلی باشند که اهداف و تمهیدات ویژگی‌های اصلی را به شیوه‌ای مناسب نسبت به زیرساخت‌های بازار مالی و نقش حیاتی آن در آن بازارها، اعمال می‌کنند. (ویژگی شماره ۲-۱)

۱- اهداف (مقدمه ویژگی اصلی)

۱-۱- یک نظام حل و فصل مالی مؤثر برای زیرساخت‌های بازار مالی، باید به دنبال ثبات مالی بوده و ادامه کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی را بدون در معرض زیان قراردادن مالیات دهندگان و همچنین از طریق بازسازی توانایی زیرساخت بازار مالی برای انجام آن کارکردها به عنوان فعالیت جاری و یا اطمینان از اجرای آن کارکردها توسط نهادی دیگر یا تمهید ترتیبات هماهنگ با تصفیه زیرساخت بازار مالی در حل و فصل، طبق برنامه (اتمام تدریجی فعالیت‌ها)، مجاز بدانند. این امر باید به عنوان راهبردی قابل اعمال در جهت نیل به اهداف ذیل باشد:

۱- دستیابی به تداوم و اجرای به موقع پرداخت‌های ضروری، تسویه شفاف و کارکرد نظام ثبتي؛

۲- تسهیل ایفای به موقع تعهدات زیرساخت بازار مالی

۳- حفظ دسترسی مداوم فعالان به اوراق بهادار یا حساب‌های نقدی ارائه شده توسط زیرساخت بازار مالی و اوراق بهادار یا وثیقه نقدی ارسال شده یا نگاهداشته شده توسط زیرساخت بازار مالی که در زمره مطالبات چنین فعالانی قرار می‌گیرد.

۴- اجتناب از هرگونه اختلال در عملیات ارتباطات میان زیرساخت بازار مالی با سایر زیرساخت‌های بازار مالی در (نظام) حل و فصل مالی که تأثیر منفی ملموسی بر ثبات مالی یا عملکرد بازارها دارند؛

۵- محافظت، مراقبت و ایجاد امکان پردازش مستمر و دسترسی به اطلاعات ذخیره شده

در مرکز ثبت تجاری (TR).



۲- دامنه نظام‌های حل و فصل مالی برای زیرساخت‌های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۱)

➤ کاربرد در زیرساخت‌های بازار مالی دارای اهمیت سیستمی

۲-۱- زیرساخت‌های بازار مالی که از منظر سیستمی پر اهمیت هستند، باید صرف نظر از وضعیت صدور مجوز آنها (به عنوان مثال، زیرساخت‌های بازار مالی دارای مجوز تحت عنوان بانک)، تابع نظام‌های حل و فصلی باشند که ویژگی‌های اصلی را به شیوه‌ای مناسب نسبت به ویژگی‌های خاص نوع زیرساخت بازار مالی در موضوع و نقش حیاتی آن در بازارهای مالی، اعمال نماید. نظام‌های حل و فصل مالی باید دربرگیرنده ویژگی‌هایی که مربوط به انواع خاصی از زیرساخت بازار مالی تحت پوشش گستره آن نظام هستند، باشند.

۲-۲- ویژگی‌های اساسی و رهنمودهای مورد اشاره در این ضمیمه، نسبت به زیرساخت‌های بازار مالی تحت اداره و مالکیت بانک‌های مرکزی، اعمال نمی‌شوند.

➤ اهمیت سیستمی

۲-۳- مقامات باید ضمن در نظر داشتن اهمیت سیستمی زیرساخت‌های بازار مالی، به فروض و حالات مورد اشاره در پاراگراف (۱-۲) در رابطه با اصول ناظر بر زیرساخت‌های بازار مالی (CPSS-IOSCO) برای زیرساخت‌های مذکور، توجه داشته باشند.

۳- مقام مسؤل حل و فصل^۱ زیرساخت‌های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۲)

➤ اهداف قانونی

۳-۱- به عنوان بخشی از کارکردها و اهداف مقرر قانونی، یک مقام صلاحیت دار مسؤل حل و فصل زیرساخت‌های بازار مالی، باید در بکارگیری اختیارات حل و فصل از طریق اهداف خاص رسیدن به ثبات مالی و حفظ استمرار کارکردهای حیاتی یک زیرساخت بازار مالی در نظام حل و فصل، بدون تحمیل زیان بر مالیات دهندگان، مورد رهنمود قرار گیرد. (رجوع کنید به بند اول ویژگی اصلی (۲-۳) و پاراگراف (۱-۱) علاوه بر سایر اهداف کلی مربوطه مورد اشاره در ویژگی اصلی (۲-۳).

^۱ - هم راستا با ویژگی اصلی شماره (۲-۱) که به مقام حل و فصل اشاره دارد، شامل بیش از یک مقام حل و فصل، در جایی که دو مقام یا بیشتر مسؤل اجرای اختیارات حل و فصل تحت نظام حل و فصل هستند، می‌باشد.



➤ تعیین یک مدیر، سرپرست یا سایر مسئولین

۲-۳- حل و فصل یک زیرساخت بازار مالی، ممکن است مستقیماً توسط مقام مسؤول حل و فصل و یا مدیر ویژه، سرپرست، دریافت کننده و یا سایر مسئولین با مسؤولیت‌های مشابه، انجام گیرد. این افراد باید در موقع انجام امور حل و فصل، بر اساس اهداف تعیین شده در پاراگراف‌های (۱-۱) و (۱-۳) راهنمایی شوند. (از طریق موارد مورد اشاره در ویژگی اصلی (۲-۳))

➤ مهارت‌های مقام حل و فصل

۳-۳- کارکنان مرجع حل و فصل مالی، باید دانش کافی و صلاحیت‌های ضروری را در ارتباط با زیرساخت‌های بازار مالی دارای اهمیت سیستمی، داشته باشند. در جایی که مقام حل و فصل، مجزا از مقام نظارتی است، باید قادر باشد به مهارت‌های مورد اخیر (مقام ناظر) دست یابد.

➤ مشاوره و همکاری با بانک‌های مرکزی و سایر مراجع

۴-۳- در جایی که بانک مرکزی مقام حل و فصل، ناظر یا مرجع پایش زیرساخت بازار مالی محسوب نمی‌گردد که از طریق سیستم یا ارتباط با سایر سیستم‌ها اقدام به حل و فصل مالی ریزساخت بازار مالی بنماید، مقام حل و فصل یا مدیر منصوب، باید در زمان طرح ریزی و اجرای برنامه حل و فصل آن زیرساخت بازار مالی، با بانک مرکزی همکاری و مشورت نماید.

۵-۳- مقام حل و فصل مالی یا مدیر منصوب، باید با تمام مراجع و مقامات مقررات‌گذار بازارهای دیگر نیز مشورت نماید، جایی که خدمات زیرساخت بازار مالی، برای تنظیم کارکرد مناسب بازارهای سرمایه‌ای که توسط آن مقام تحت نظارت هستند، ملموس است.

۴- اختیارات حل و فصل زیرساخت‌های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۳)

➤ انتخاب اختیارات حل و فصل

۴-۱- در انتخاب اختیارات حل و فصلی که نسبت به یک زیرساخت بازار مالی، اعمال می‌شود، باید موارد ذیل مدنظر قرار گیرد:

۱- نوع زیرساخت بازار مالی و کارکردهای حیاتی که ارایه می‌نماید؛



- ۲- نمایه ریسک زیرساخت بازار مالی، که دربرگیرنده منابع در معرض ریسک آن شامل منابع در معرض ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و سایر ریسک‌های تجاری بوده و به ویژه، منابع در معرض ریسک اعتباری ناشی از منابع در معرض به فعالان آن بازار به عنوان فعالیت اصلی؛
 - ۳- ساختار سرمایه زیرساخت‌های بازار مالی، دارایی‌های در دسترس (موجود)، منابع پیش فرض، ترتیبات تخصیص زیان؛
 - ۴- تمام اقدامات بازسازی و بازسازی اتخاذ شده توسط زیرساخت بازار مالی؛
 - ۵- در حالتی که زیرساخت بازار مالی، دارای سازوکارها و شیوه‌های تخصیص زیان مقررات محور می باشد، تا حدی که آن شیوه‌ها، قبل از ورود به نظام حل و فصل، از بین نرفته‌اند؛
 - ۶- نوع بحران (برای مثال، زیان‌های اعتباری یا کمبود نقدینگی) و منشأ آن (برای مثال فشار ناشی از سهامداران اصلی یا سایر دلایل نظیر امور تجاری و ضعف‌های ساختاری و عملیاتی)؛
 - ۷- ساختار بازار که در آن فعالیت می‌کند. (برای مثال وجود عرضه‌کنندگان جایگزین).
- ۴-۲- در انتخاب ابزارهای حل و فصل باید تأثیر مورد انتظار آن ابزارها بر فعالان مستقیم و غیرمستقیم زیرساخت بازار مالی و هرگونه زیرساخت‌های بازار مالی مرتبط و اشخاص ثالث را صرف نظر از موقعیتی که در آن قرار دارند، و به طور گسترده‌تر تأثیر مدنظر روی بازارهای مالی را در نظر گرفته شود.

➤ ورود به (نظام) حل و فصل (ویژگی اصلی شماره ۱/۳)

۴-۳- ورود به حل و فصل باید زمانی امکان پذیر باشد که زیرساخت بازار مالی قابلیت بقا یا ادامه حیات نداشته و احتمال آن هم وجود ندارد و یا قادر به انطباق با الزامات مقرراتی و قانونی به صورت پایدار نبوده و فاقد چشم انداز معقولی برای بازسازی آن از طریق بکارگیری سایر اقداماتی که می‌توانست توسط زیرساخت بازار مالی مطابق با چابوب زمانی اتخاذ شود، است. ورود به نظام حل و فصل باید امکان پذیر شود به ویژه اگر :

- ۱- تدابیر موجود مربوط به احیا و بازسازی زیرساخت بازار مالی که دربرگیرنده استفاده از دارایی‌ها و منابع موجود و کاربرد هرگونه قواعد تخصیص زیان برای بازسازی زیرساخت بازار مالی و تطبیق پایدار آن با الزامات مقرراتی و قانونی قابل اعمال، از بین رفته یا با شکست مواجه گردیده و یا در زمان مقتضی اجرایی نگردیده است. یا :



۲- مقام بررسی نظارتی یا حل و فصل مربوطه، تشخیص دهد که تدابیر موجود برای بازسازی و اعاده وضعیت زیرساخت بازار مالی فاقد احتمال معقول و منطقی برای بازسازی آن در چهارچوب زمانی مورد نیاز به منظور امکان انطباق آن با الزامات مقرراتی و قانونی قابل اعمال است. یا اینکه این تدابیر به احتمال زیاد، ثبات مالی زیرساخت بازار مالی را به خطر می اندازند.

➤ اجرای قواعد تخصیص زیان و سازوکارهای اجرایی پیش از ورود به نظام حل و فصل

۴-۴- جایی که زیرساخت بازار مالی، قواعد و شیوه‌هایی برای توزیع یا تهاتر زیان دارد، این راهکارها و شیوه‌ها قبل از ورود به حل و فصل زیرساخت بازار مالی باید از بین برود؛ مگر اینکه برای نیل به اهداف حل و فصل، به منظور شروع حل و فصل قبل از آنکه آن قواعد و سازوکارها منسوخ شده باشند، لازم یا مناسب باشد. (پاراگراف ۳-۱). در موقعی که چنین قواعد و شیوه‌هایی قبل از ورود به حل و فصل منسوخ نشده باشند، مقام حل و فصل مالی باید این اختیار را داشته باشد که اجرای این شیوه‌ها و قواعد را الزامی نماید. (پاراگراف اول بند (۴-۹))

➤ تداوم و استمرار هنگام ورود به حل و فصل

۴-۵- قواعد ناظر بر پایان تسویه، باید در نظام حل و فصل تداوم یابد.

۴-۶- هرگونه مجوز، اعطای اختیار، تشخیص و تصدیق قانونی در زیرساخت بازار مالی (اعم از داخلی یا خارجی) از جمله شناخت چگونگی اعمال قواعد خاتمه تسویه که در جهت اجرای مستمر کارکردهای حیاتی زیرساخت‌های بازارهای مالی در حل و فصل ضرورت دارد، نباید به طور خودکار و صرفاً به عنوان پیامد ورود به حل و فصل (تحت قانون داخلی و یا خارجی) فسخ گردد و باید به منظور مجاز بودن تداوم کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی در حل و فصل تا حد لازم مؤثر باقی بماند.

۴-۷- ورود به نظام حل و فصل یک زیرساخت بازار مالی، نباید به طور خودکار منجر به ایجاد محدودیت، تعلیق یا پایان مشارکت آن-یا ارتباط آن- با سایر زیرساخت‌های بازار مالی (هرجا که مستقرند) گردد. زیرساخت‌های بازار مالی نباید (از طریق قانون یا مقررات) از مشارکت-یا ارتباط- با زیرساخت بازار مالی که مشمول حل و فصل است، منع شود به شرط آنکه زیرساخت بازار مالی مشمول حل و فصل تعهدات دریافت و پرداخت خود را در زمان معین ایفا نماید و با سایر تعهدات قابل اعمال تحت قواعد زیرساخت بازار مالی انطباق داشته باشد.



➤ مدیریت موقت

۴-۸- مقام حل و فصل مالی یا یک مدیر منصوب، سرپرست یا مدیر تصفیه یا سایر مقامات مشابه، باید اختیار و قابلیت لازم را جهت اطمینان از استمرار کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی مشمول حل و فصل و انجام به موقع تعهدات مالی که دربرگیرنده زمان ورود زیرساخت‌های بازار مالی به حل و فصل تا زمانی که زیرساخت بازار مالی بازسازی می‌گردد یا زمانی که کارکردهایی به عرضه‌کننده دیگری منتقل یا جایگزین گردد یا به شیوه‌ای نظام‌مند خاتمه یابد، داشته باشد.

➤ اختیارات توزیع زیان‌ها و واگذاری یا خاتمه قراردادهای (بند ۳ از ویژگی اصلی شماره ۳-۲ و ویژگی اصلی ۳-۵)

۴-۹- مشروط به وجود تمهیدات حفاظتی (قانونی) مورد اشاره در پاراگراف ۴-۱۱ و ویژگی اصلی شماره ۵ (آن‌طور که در پاراگراف ۶-۱ توضیح داده شده است) مقامات حل و فصل باید نسبت اعمال موارد ذیل قدرت و اختیار لازم را داشته باشند:

۱- الزام تمام تعهدات قراردادی موجود و جاری فعالان زیرساخت‌های بازار مالی به تأدیه درخواست‌های نقدینگی یا مشارکت بیشتر در پرداخت وجوه معین یا تضمین‌شده، یا سایر قواعد و شیوه‌های زیرساخت بازار مالی برای توزیع زیان (از جمله در بازپرداخت به عرضه‌کنندگان نقدینگی) در صورتی که آنها هنوز به طور جامع و مفصل، توسط زیرساخت بازار مالی قبل از ورود آن به حل و فصل، بکارگرفته نشده‌اند.

۲- الزام تمام تعهدات جاری و موجود فعالان زیرساخت‌های بازار مالی به پیروی از قواعد و شیوه‌های زیرساخت بازار مالی، در جهت پذیرش توزیع وضعیت‌های یک فعال دارای مشکل.

۳- کاهش ارزش سرمایه زیرساخت بازار مالی (به طور کلی یا جزئی)

۴- کاهش ارزش یا تبدیل به سرمایه نمودن بدهی‌های تضمین‌نشده زیرساخت بازار مالی (نجات از درون) به شیوه‌ای که اولویت بندی مطالبات تحت نظام ورشکستگی قابل اعمال را مدنظر قرار دهد.

۵- کاهش ارزش تمام انواع سودهای قابل پرداخت به فعالان توسط زیرساخت بازار مالی (برای

مثال بوسیله تغییر میزان حاشیه hair cut)

۶- فسخ یا انقضای قراردادها



بایان دادن به برخی قراردادها و نه همه آنها (خاتمه جزئی) و یا هرگونه کاهش در نرخ سودهای قابل پرداخت توسط زیرساخت بازار مالی به فعالان، باید صرفاً موقعی انجام پذیرد که با چارچوب قانونی و قواعد زیرساخت بازار مالی که در تطابق با چارچوب قانونی ترسیم شده است، سازگار باشد.

۴-۱۰- مقامات حل و فصل می توانند میزان حاشیه سود اولیه فعالان مستقیم و در صورت امکان، فعالان غیرمستقیم را زمانی که حاشیه سود اولیه با توقف زیرساخت بازار مالی قرابت داشته و با چارچوب قانونی و قواعد زیرساخت بازار مالی ترسیم شده در تطابق با چارچوب قانونی سازگار است، کاهش دهند. ۴-۱۱- هر گونه اختیار در جهت تخصیص زیانها به فعالان زیرساخت مالی از طریق کاهش نرخ سود قابل پرداخت به چنین فعالانی (برای مثال بوسیله تغییر میزان حاشیه hair cut) در تطابق با پاراگراف ۴-۹ یا از طریق کاهش حاشیه سود اولیه در تطبیق با پاراگراف ۴-۱۰ باید مشروط به موارد ذیل باشد:

۱- منابع از پیش تأمین شده زیرساخت های بازار مالی، از بین رفته و سایر مکانیسم های تحت قواعد آن نیز در جهت پوشش زیانها و بازسازی آن ناموفق بوده یا قابلیت اجرایی شدن نداشته است (به این دلیل که بنا به تشخیص مراجع و مقامات حل و فصل، اعمال یا اجرای آنها احتمالاً باعث به خطر افتادن ثبات مالی گردیده و یا احتمال موفقیت با توجه به شرایط و اوضاع و احوال بعید می باشد و یا بنا به سایر دلایل)

۲- تخصیص زیان، قواعد زیرساخت بازار مالی و سلسله مراتب مطالبات تحت نظام توقف قابل اعمال را حفظ نماید.

۳- استفاده از تخصیص زیان نسبت به وثیقه و سود ناخالص، صرفاً تا حدی که چنین وثیقه یا سودی در جهت پوشش زیانها استفاده بشود؛ به استثنای زیانهای مرتبط با تعهدات فعالانی که تحت قواعد تخصیص زیان زیرساخت بازار مالی یا ورود زیرساخت بازار مالی به مرحله ورشکستگی، اعلام گردیده است.

در حالتی که یک فعال زیرساخت بازار مالی در ایفای تعهداتش نسبت به زیرساخت مربوطه، تحت قواعد و شیوه های زیرساخت بازار مالی و پیش از ورود این زیرساختها به مقوله حل و فصل، ناتوان شده است، این شرایط مانع استفاده از حاشیه سود اولیه آن فعال، به منظور ایفای تعهدات مطابق با چارچوب قانونی و قواعد زیرساخت بازار مالی نمی شود.



➤ انقضا یا فسخ قراردادها

۴-۱۲- زمان تصمیم‌گیری و بررسی راجع به خاتمه دادن به قراردادهای جاری مربوط به تسویه مرکزی (CCP)، مقام حل و فصل مالی باید در میان سایر مسائل، تأثیر آن اقدام را روی موارد ذیل در نظر داشته باشد:

۱- مدیریت ریسک فعالان تسویه مرکزی CCP

۲- ثبات مالی

➤ انتقال کارکردهای حیاتی به یک نهاد واسط انتقالی یا شخص ثالث دارای توان مالی (بند ۵

ویژگی اصلی شماره ۳-۲ و بند ۷ ویژگی اصلی شماره ۳-۳ و ویژگی اصلی شماره ۳-۴)

۴-۱۳- مقام حل و فصل باید اختیار لازم توأم با حمایت‌های قانونی را نسبت به طرفین مربوطه به ویژه در ارتباط با خالص‌سازی و ترتیبات وثایق به منظور انتقال مالکیت زیرساخت بازار مالی به یک خریدار شخص ثالث یا نهاد انتقالی یا تمام یا بخشی از عملیات حیاتی زیرساخت‌های بازار مالی (برای مثال، تعیین وضعیت یک محصول خاص) که شامل همه حقوق و تعهدات مربوطه و توافقات لازم در سطح خدمات می‌گردد، را داشته باشد. چنین اختیاراتی باید بدون توجه به الزامات مورد نیاز برای اخذ رضایت و روش‌های جدید قابل اعمال، باید قابل اجرا باشد.

۴-۱۴- زمانی که کارکردهای یک زیرساخت بازار مالی به خریدار شخص ثالث یا یک نهاد واسطه انتقالی منتقل می‌شود، مقام حل و فصل مالی باید از تداوم ترتیبات فنی و قانونی زیرساخت‌های بازار مالی، نظیر ترتیبات «تحویل در برابر پرداخت»، تعاملات داخلی یا برون مرزی با سایر زیرساخت‌های بازار مالی یا سایر ارائه‌کنندگان خدمات ضروری و ترتیبات قراردادی مربوطه، اطمینان حاصل کند.

۴-۱۵- زمانی که کارکردهایی به یک نهاد واسطه انتقالی منتقل می‌شود، هرگونه مجوز، تعیین و تشخیص قانونی زیرساخت بازار مالی که برای تداوم آن کارکردها در حل و فصل ضرورت دارند و شامل شناخت آن برای اهداف اعمال قواعد خاتمه قراردادهای مربوطه است، باید منتقل گردند یا در غیر آن در مورد نهاد انتقالی اعمال گردد.

۴-۱۶- اختیارات انتقال قابل اعمال توسط مقامات حل و فصل باید آنها را قادر سازد در مواقعی که زیرساخت مشمول حل و فصل، دارایی‌های مشتری را به عنوان قیم نگه می‌دارد، این اموال را بدون تأثیرگذاری روی حقوق مالکیت یا حقوق مشتریان مربوطه، به مؤسسه‌ای دیگر به عنوان قیم منتقل کند.



➤ استمهال (بند ۱۱ ویژگی اصلی شماره ۳-۲)

۴-۱۷- یک مقام حل و فصل مالی نباید از طریق زیرساخت بازار مالی، مواعد پرداخت به فعالان یا نسبت به هرگونه زیرساخت بازار مالی مرتبط، تحمیل نماید، چنانچه این استمهال:

۱- روی جریان معمول پرداخت‌ها، توافق‌ها و نقل و انتقالات تحت ارزیابی توسط زیرساخت بازار مالی در زمان کارکردهای اصلی آن تأثیر بگذارد و یا:

۲- در غیرآنصورت مانع تداوم سایر کارکردهای حیاتی انجام شده توسط زیرساخت بازار مالی در حل و فصل یا زیرساخت بازار مالی مرتبط شده و یا باعث به خطر افتادن آنها شود.

این موضوع نباید از اعمال استمهال پرداخت‌ها توسط مقام حل و فصل مالی در خصوص طلبکاران عمومی، یعنی طلبکارانی که مطالباتشان پیامد (الف) استفاده از کارکردهای حیاتی زیرساخت‌های بازارهای مالی نیستند یا (ب) خدماتی که برای تمهید کارکردهای مذکور ضروری است، به وجود نیامده‌اند؛ جلوگیری کند.

۴-۱۸- مقام حل و فصل، نباید از استفاده از هرگونه اختیارات توزیع زیان مورد اشاره در پاراگراف ۴-۹ و ۴-۱۰ در رابطه با پرداخت‌ها، توافقات و نقل و انتقالات مربوط به استمهال، منع شود.

۵- تهاتر، خالص‌سازی، وثیقه‌گیری، تفکیک و تجزیه دارایی‌های مشتریان (ویژگی اصلی شماره

(۴)

➤ تعلیق موقت حقوق انقضای پیش از موعد

۵-۱- ورود به مقوله حل و فصل یا اجرای هرگونه ابزار حل و فصل در ارتباط با یک زیرساخت بازار مالی، نباید نقطه آغاز اجرای حق تسریع یا انقضای پیش از موعد توسط هر فعال در زیرساخت بازار مالی یا طرف مقابل آن باشد. چنین حقوقی زمانی که زیرساخت بازار مالی (یا مقام، مدیر موقت، مدیر تصفیه یا هر شخصی دیگری که روی زیرساخت بازار مالی در فرایند حل و فصل اعمال کنترل دارد) در انجام پرداخت یا ایفای تعهداتی که شامل نقل و انتقال وثیقه، زمانی که سررسید موعد در تطابق با قواعد آن ولی منوط به هرگونه اعمال تخصیص زیان نسبت به سود یا وثیقه تحت قواعد زیرساخت بازار مالی یا از طریق اجرای اختیارات تخصیص زیان قانونی، با شکست مواجه می‌شود، باید قابل اجرا باقی بماند.

۵-۲- اگرچه حقوق ناظر بر تسریع یا انقضای زود هنگام، صرفاً به دلیل ورود به مقوله حل و فصل یا اجرای هرگونه ابزارهای مربوط به آن (توسط مقام حل و فصل) به وجود می‌آید، مقام حل و فصل باید



اختیار توقف موقت اجرای حقوق مزبور را داشته باشد. زمان بررسی امکان تحمیل توقف موقت اجرای حق توسط فعالان و سایر شرکای مربوط به حقوق تسریع و انقضای سریع زیرساخت بازار مالی، با ورود به حل و فصل زیرساخت بازار مالی آغاز می‌شود. مقام حل و فصل باید تأثیر اقدام فوق را بر بازارهای مالی و عملیات باثبات و نظام‌مند زیرساخت بازار مالی و هرگونه زیرساخت‌های بازار مالی مرتبط را مد نظر قرار دهد.

۶- تمهیدات حفاظتی (ویژگی اصلی شماره ۵)

➤ اصل «اوضاع هیچ طلبکاری بدتر نمی‌شود» (ویژگی اصلی شماره ۵-۲)

۶-۱- با هدف تشخیص اینکه آیا اوضاع یک شریک به عنوان پیامدی از اقدامات حل و فصل، وخیم تر از وضعیت تصفیه نمی‌شود (اعمال اصل «وضع هیچ بستانکاری بدتر نمی‌شود» مورد اشاره در ویژگی اصلی شماره (۵-۲))، ارزیابی خساراتی که وارد گردیده است و بازسازی‌هایی که توسط فعالان زیرساخت بازار مالی انجام شده است؛ چنانچه زیر ساخت بازار مالی به این موضوع مرتبط بوده باشد، باید به اجرای کامل قواعد و شیوه‌های زیرساخت‌های بازار مالی در توزیع زیان مفروض گردد.

۷- تأمین مالی حل و فصل زیرساخت بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۶)

۷-۱- کشورها باید تمهیدات و اختیارات مناسب را در جهت فراهم آوردن منابع مالی موقت به منظور تسهیل حل و فصل و جبران زیان‌های وارده به وجوه و منابع عمومی ناشی از اقدامات حل و فصل، بستانکاران تضمین نشده (از جمله شرکا و فعالان زیرساخت بازار مالی) یا چنانچه ضرورت دارد، فعالان نظام مالی، به طور گسترده تر (به ویژگی‌های اصلی شماره ۶-۲ و ۶-۴ رجوع کنید) داشته باشند.

۷-۲- در مواقعی که کشورها دارای اختیار یا قدرتی هستند که یک زیرساخت بازار مالی را در جهت اطمینان از تداوم کارکردهای حیاتی آن، تحت مالکیت موقت و کنترل عمومی قرار می‌دهند، آنها باید تمهیداتی اتخاذ کنند که خسارات وارده به وجوه و منابع عمومی از زیرساخت بازار مالی، بستانکاران ضمانت نشده آن (از جمله فعالان زیرساخت بازار مالی) یا عنداللزوم به طور گسترده تر فعالان نظام مالی، جبران گردد. (ویژگی اصلی شماره ۶-۵ را ببینید)



۸- همکاری برون مرزی (ویژگی اصلی شماره ۷)

۸-۱- چارچوب قانونی نباید متضمن فسخ خودکار هیچ‌گونه مجوز، اعطای اختیار، تشخیص و تصدیق قانونی در زیرساخت بازار مالی از جمله شناخت چگونگی اعمال قواعد خاتمه تسویه که در جهت اجرای مستمر کارکردهای حیاتی زیرساخت‌های بازارهای مالی در حل و فصل ضرورت دارد، صرفاً به عنوان پیامد ورود به حل و فصل، گردد. همچنین چارچوب قانونی نباید به طور خودکار، مشارکت یا ارتباط زیرساخت بازار مالی را با سایر زیرساخت‌های بازار مالی به عنوان پیامد مداخله رسمی یا ورود آن به مقوله حل و فصل در قلمرو صلاحیتی کشور دیگر، محدود، تعلیق و خاتمه دهد.

۹- همکاری، هماهنگی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات (ویژگی‌های اصلی شماره ۸، ۹ و ۱۲)

۹-۱- گروه‌های مدیریت بحران یا سایر ترتیبات مبتنی بر همکاری تحت مسؤلیت E۱ که نتیجه برابری از آنها بدست می‌آید، باید همانطور که توسط مقامات نظارتی و مقامات حل و فصل در آن کشورها تعیین گردیده، برای تمام زیرساخت‌های بازار مالی که در بیش از یک قلمرو سرزمینی واجد اهمیت سیستمی هستند، مورد حمایت قرار گرفته و تداوم یابند.

۹-۲- برای چنین زیرساخت‌هایی، گروه مدیریت بحران (یا ترتیبات مشابه آن) باید در برگیرنده مقامات حل و فصل مسؤل زیرساخت بازار مالی، مقاماتی که در تمهیدات و تدابیر مورد پذیرش ناظر بر همکاری مشارکت می‌کنند، در تطابق با مسؤلیت E، و سایر مقامات مربوطه از کشورهایی که زیرساخت بازار مالی در آنها دارای عملیاتی است که برای حل و فصل آن حائز اهمیت است.

۹-۳- الزامات توافقات همکاری نهاد- محور برون‌مرزی (ویژگی اصلی شماره ۹) ممکن است با توافقات هماهنگی و ارتباطات بحران، پروتوکل‌ها و تفاهم‌نامه‌های منطبق با مسؤلیت E هم‌راستا باشد، به شرط آن‌که ترتیبات مذکور در راستای حمایت از همکاری، هماهنگی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات مورد نیاز برای انجام کارکردهای مرتبط با بازسازی و حل و فصل که در ویژگی‌های اصلی تعیین شده، منطبق، تصحیح و تکمیل گردیده باشد. به ویژه اینکه آنها باید:

۱- مسؤلیت E از مسؤلیت‌های بانک‌های مرکزی، ناظران و تنظیم‌گران بازار و سایر مراجع مربوطه، برای زیرساخت‌های بازار مالی- CPSS- IOSCO اصولی برای زیرساخت‌های بازار مالی. بخش ۴. <http://www.bis.org/cpmi/publ/d101.htm>



۱- برای مقامات حل و فصل و سایر مقامات مربوطه که در تمهیدات مورد پذیرش تحت مسؤلیت E مشارکت ندارند، مقرر نمایند که (با هدف تنظیم، نظارت یا پایش زیرساخت بازار مالی) در برنامه ریزی، آماده‌سازی و اجرای برنامه حل و فصل زیرساخت بازار مالی مشارکت نمایند.

۲- نقش‌ها و مسؤلیت‌های مقامات درگیر در برنامه ریزی، آماده‌سازی و اجرای برنامه حل و فصل را تبیین کنند؛

۳- شامل تمهیدات و سازوکارهایی در جهت انتشار اطلاعات مورد نیاز به منظور برنامه ریزی، آماده‌سازی مقدمات و اجرای حل و فصل باشد؛

۴- در برگیرنده جزییات نهاد-محور مرتبط با اجرای اقدامات حل و فصل تعیین شده در برنامه حل و فصل برای زیرساخت بازار مالی باشد؛

۱۰- ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری زیرساخت‌های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۱۰)

۱۰-۱- زیر ساخت‌های بازار مالی دارای اهمیت سیستمی، باید همگام و هم راستا با گستره این رهنمود (به بخش ۲ رجوع کنید) تحت ارزیابی‌های حل و فصل‌پذیری مرتب قرار بگیرند که در تطبیق با (ویژگی اصلی شماره ۱۰) و پیوست سه اعمال می‌گردند.

۱۰-۲- در مورد زیرساخت بازار مالی که در بیش از یک کشور دارای اهمیت سیستمی است، ارزیابی حل و فصل‌پذیری باید توسط مقامات میزبان زیرساخت بازار مالی و هماهنگ با گروه مدیریت بحران زیرساخت‌های بازار مالی و یا تحت تدابیر و تمهیدات یکسانی انجام گیرد.

۱۰-۳- در هنگام اجرای ارزیابی حل و فصل‌پذیری یک زیرساخت بازار مالی، مقامات مربوطه باید امکان‌پذیری و اعتبار اجرای استراتژی حل و فصل و برنامه عملیاتی برای زیرساخت مذکور را با لحاظ موارد ذیل بررسی نمایند:

۱- الزامات احتمالی حل و فصل شامل در دسترس بودن منابع برای بازپرداخت به تامین

کنندگان نقدینگی و اجرای برنامه بازسازی زیرساخت بازار مالی شامل تمام قواعد و رویه‌های

توزیع زیان و یا تخصیص قراردادها؛



۲- موانع قانونی و فنی برای انتقال کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی به نهادی دیگر، از جمله مواردی ناشی از ماهیت اقتضایی مدیریت ریسک و فرایندهای فنی یک زیرساخت بازار مالی.

۳- زمانی که برنامه حل و فصل مستلزم انتقال کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی به نهادی دیگر یا به یک نهاد انتقالی است، میزان استحکام هرگونه ترتیبات تسهیل کننده انتقال و حفظ تداوم کارکردهای ضروری، شامل ترتیبات فنی و قانونی نظیر ترتیبات مربوط به تحویل در برابر پرداخت؛

۴- تأثیر استراتژی های حل و فصل و اقدامات تعیین شده در طرح عملیاتی حل و فصل بر فعالان زیرساخت بازار مالی و سایر زیرساخت بازارهای مالی مرتبط، از جمله توانایی فعالان و سایر زیرساخت های بازار مالی مرتبط در حفظ دسترسی مداوم به کارکردهای حیاتی زیرساخت بازارهای مالی در طول حل و فصل مالی.

۵- توانایی زیرساخت بازار مالی مشمول حل و فصل یا یک نهاد ثانویه یا نهاد انتقالی که کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی به آنها منتقل شده است، در حفظ دسترسی به خدمات هرگونه زیرساخت های بازار مالی مرتبط و سایر عرضه کنندگان خدمات در طول انجام حل و فصل مالی.

۶- حقوق و تعهدات زیرساخت های بازار مالی مرتبط در صورت شکست یکی از آن زیرساخت ها که می توانست روی اجرای حل و فصل و توانایی حفظ حقوق مربوط به اجرای وثایق تاثیر گذار باشد.

۷- هرگونه توافقات همکاری و یا منافع متقابل و یا تمهیدات تقسیم زیان با سایر زیرساخت های بازارهای مالی.

۱۰-۴- مقامات نظارت، بازرسی و حل و فصل زیرساخت های بازار مالی، باید، هر جا که ضروری و مناسب بود، اختیارات لازم را برای ملزم کردن زیرساخت بازار مالی در جهت انطباق با اقدامات هماهنگ با چارچوب قانونی به منظور بهبود حل و فصل پذیری زیرساخت بازار مالی، اعمال نمایند که شامل موارد زیر است:



۱- اعمال تغییرات قانونی، ساختاری یا عملیاتی، به طوری که کارکردها و خدمات مختلف زیرساخت بازار مالی، (برای مثال، شفاف‌سازی محصولات مختلف) در حل و فصل مالی بصورت تفکیک‌پذیری مدنظر قرار گیرد.

۲- اعمال تغییرات در شرایط یا عملیات ارتباطات آن با سایر زیرساخت‌های بازار مالی

۳- اعمال تغییرات در ترتیبات تحویل، تفکیک و قابلیت انتقال وضعیت فعالان یا وثایق مربوطه تمامی چنین الزاماتی باید با در نظر گرفتن تأثیرات احتمالی این تغییرات روی سلامت عملیات زیرساخت بازار مالی، اتخاذ گردد که شامل مدیریت ریسک آن، وضعیت کارکرد بازارها، فراهم کردن نقدینگی و انگیزه‌های فعالان مستقیم و غیر مستقیم برای استفاده از زیرساخت بازار مالی می‌باشد.

۱۱- برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی برای زیرساخت‌های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۱۱)

۱-۱۱- زیرساخت‌های بازار مالی که دارای اهمیت سیستمی هستند، باید مشروط به داشتن الزاماتی برای برنامه‌ریزی مداوم بازسازی و حل و فصل مالی گردند.

۲-۱۱- برنامه‌های بازسازی و حل و فصل، باید با ریسک‌های خاص و ملاحظات سیستمی که نوع خاصی از زیرساخت بازار مالی ممکن است در معرض آن بوده یا آن‌ها را ایجاد می‌نماید؛ مطابقت داشته باشد.

➤ برنامه‌های بازسازی

۱۱-۳- برنامه‌های بازسازی زیرساخت بازار مالی باید در تطابق با اصول CPSS-IOSCO برای زیرساخت‌های بازار مالی (شامل اصل ۳. ملاحظه کلیدی ۴) بوده و رهنمود موجود در گزارش CPSS -IOSCOI در باب بازسازی زیرساخت‌های بازار مالی را مد نظر داشته باشند.

➤ برنامه‌ها و استراتژی‌های حل و فصل

۱۱-۴- مقامات حل و فصل یک زیرساخت بازار مالی باید در هماهنگی با مقامات نظارت و بازرسی (هر جا که آن‌ها متمایز از مقام حل و فصل مالی هستند)، استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی حل و فصل را در



جهت تسهیل حل و فصل مؤثر زیرساخت بازار مالی، به شیوه‌ای که تضمین‌کننده تداوم کارکردهای حیاتی انجام شده توسط زیرساخت بازار مالی، توسعه دهند.

۱۱-۵- در حالتی که یک زیرساخت بازار مالی در بیش از یک کشور دارای اهمیت سیستمی است، برنامه و استراتژی حل و فصل باید توسط مقام میزبان زیرساخت بازار مالی و در همکاری صورت گرفته با گروه مدیریت بحران این زیرساخت‌ها یا ترتیبات مشابه آن ایجاد شود.

۱۱-۶- برنامه‌های حل و فصل زیرساخت بازار مالی باید:

۱- سناریوهایی را که به موجب آن تمام یا برخی از ترتیبات توزیع زیان موجود میان فعالان تحت قواعد زیرساخت بازار مالی، به طور کامل یا جزئی به اجرا گذاشته شده یا اجرایی نشده‌اند، را مدنظر قرار دهد.

۲- سناریوهایی را که ممکن است در آن، هیچ ارائه‌کننده جایگزینی که کارکردهای حیاتی یک زیرساخت بازار مالی به موجب آن بتواند طی دوره کوتاهی انتقال یابد، وجود نداشته نباشد، مد نظر قرار دهد.

۳- موانع قانونی و فنی موجود در راستای انتقال کارکردهای حیاتی را مد نظر قرار دهد.

۴- جایی که لازم است از استمرار ترتیبات فنی و قانونی اطمینان حاصل شده و از انتقال کارکردهای حیاتی آن حمایت گردد، توافق اولیه با سایر زیرساخت‌های بازار مالی یا ارائه‌کنندگان خدمات مربوطه تمهید کنند.

۵- مکانیسم قانونی که طی آن وثیقه ارائه می‌شود، از جمله اینکه آیا وثیقه به عنوان حافظ منافع یا تعهدات است یا در خصوص موضوع انتقال، وضعیت وثیقه را در شرایط ناتوانی مالی (که آیا می‌تواند به عنوان مانع ورشکستگی محسوب شود؟) و ملاحظات مربوط به آن را را تا حدودی که زیان‌ها تحت قواعد مربوط به تخصیص زیان زیرساخت بازار مالی و اعمال اختیارات قانونی، می‌توانند اعمال گردند، را نیز مدنظر قرار دهند.

۱- برای بسیاری از زیرساخت‌های بازار مالی، ارائه‌دهندگان جایگزین برای ارائه کارکردهای حیاتی آنها که از آن طریق عملیات آنها بتواند منتقل گردد، وجود نخواهد داشت.

۲- چالش‌های اجرایی (همچون عدم تطبیق فناوری اطلاعات) ممکن است باعث دشوار شدن انتقال گردد. مگر اینکه ارائه‌دهنده جایگزین بخواهد و قادر باشد عملیات در حال شکست زیرساخت بازار مالی را به طور یکدست و کامل بازسازی نماید و تا زمان تلفیق و ادغام به صورت مجزا اقدام به اجرای آنها نماید. وقتی که یک ارائه‌دهنده جایگزین وجود دارد (ایجاد می‌شود) مقامات زیرساخت بازار مالی و مراجع حل و فصل باید از پیش به موانع فنی و حقوقی بالقوه در رابطه با انتقال فعالیت‌ها و تلاش در جهت رفع آنها توجه داشته باشند.



۶- این موضوع را که آیا دارایی‌های موجود یا مورد ترهین زیرساخت بازار مالی برای استفاده در فرایند حل و فصل قابل دسترسی است یا اینکه چنین استفاده یا انتقال کارکردها، می‌تواند باعث اختلال گردیده یا از مزایا و منافع باقی مانده فعالان مستقیم و غیرمستقیم، در آن دارایی‌های جلوگیری کند، را مدنظر قرار دهند.

۷- اگر اقدامات حل و فصل باعث تجزیه دسته‌بندی‌های خالص‌سازی گردد، تأثیر تجزیه صورت گرفته بر الزامات نقدینگی و وثیقه‌ای را مدنظر قرار دهد.

۸- به این موضوع توجه داشته باشد که چگونه ارائه کنندگان نقدینگی به زیرساخت بازار مالی، قبل و در طول دوره حل و فصل به پول خود خواهند رسید.

۹- ساختار زیرساخت بازار مالی را مورد لحاظ قرار دهند. برای مثال آیا بخشی از زیرساخت های مالی گروه گسترده تر است؟ و نظام های نظارتی و قانونی که تحت آن فعالیت می‌کنند.

۱۰- هرگونه ضرورت حفظ ارتباط با سایر زیرساخت های بازار مالی (داخلی و خارجی) که برای تداوم خدمات حیاتی زیرساخت بازار مالی در هر کشور ضرورت دارد، را مورد توجه قرار دهد. و در نهایت؛

۱۱- تأثیر روی فعالان مستقیم و غیر مستقیم را مدنظر قرار دهد.

۷-۱۱- برنامه‌های حل و فصل زیرساخت‌های بازار مالی، باید دربرگیرنده عناصر اصلی تعیین شده در بیوست چهار ضمیمه یک، نسبت به ویژگی‌های اصلی بوده و بعلاوه، آن طور که مناسب است دربرگیرنده نوع و ویژگی‌های خاص هر زیرساخت بازار مالی و کارکردهای حیاتی آن، به ویژه عناصر ذیل باشد:

۱- پیش نویس توافقات انتقال که زیرساخت بازار مالی را مجاز به تداوم ارائه خدمات حیاتی از جانب یک خریدار یا نهاد واسط انتقالی با استفاده از زیرساخت ها و کارکنان موجود می‌نماید، تهیه کند و یا در موردی که تهیه پیش نویس توافق مذکور از پیش ممکن نیست، لیست مسائل و اطلاعات مورد نیاز برای طراحی چنین توافقی را در یک اعلامیه کوتاه تهیه نماید.

۲- اطلاعات اصلی راجع به عملیات حیاتی، شیوه‌ها و سازوکارهای فن اوری اطلاعات، بستانکاران و فهرست کارکنان اصلی و ارائه دهندگان خدمات که برای تسهیل تداوم عملیات کارکردهای حیاتی در حل و فصل یا انتقال تمام یا برخی از عملیات به زیرساختی دیگر یا نهاد واسط انتقالی لازم است.



۱۲- دسترسی به اطلاعات و به اشتراک گذاری آن‌ها (ویژگی اصلی شماره ۱۲)

۱-۱۲- به منظور تسهیل اجرای اقدامات مربوط به حل و فصل، زیرساخت های بازار مالی باید ملزم به ایجاد و نگهداری سیستم های اطلاعاتی و کنترل‌هایی گردند که آن‌ها را قادر سازد اطلاعات مرتبط و مورد نیاز مقامات در راستای زمانبندی برنامه‌ریزی حل و فصل و انجام حل و فصل، چه در شرایط عادی و چه در زمان حل و فصل، به ویژه در موارد ذیل را به سرعت تولید و در دسترس قرار دهند:

- ۱- قواعد زیرساخت بازار مالی، منابع مالی در نظر گرفته شده و سایر ترتیبات توزیع زیان؛
 - ۲- فعالان، از جمله فعالان مستقیم و غیرمستقیم زیرساخت بازار مالی، مالکان، کارگزاران تسویه، ارائه دهندگان نقدینگی، زیرساخت های بازار مالی مرتبط، دریافت‌کنندگان وثایق و سایر ارائه دهندگان خدمات؛
 - ۳- داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای کنترل به موقع و مؤثر ریسک در طول دوران حل و فصل، شامل دارایی‌های در معرض ریسک خالص و ناخالص و الزامات مربوط به ریسک و حاشیه سود، در موارد مقتضی، میان زیرساخت بازار مالی و هر فعال؛
 - ۴- وضعیت تعهدات فعالان زیرساخت بازار مالی، (برای مثال میزان تعهدات ایفا شده‌ای که فعالان زیرساخت بازار مالی برای تأمین سهم شرکتی که مربوط به انجام رسانیده‌اند)؛
 - ۵- ترتیبات ارتباطات و عملیات متقابل با سایر زیرساخت های بازار مالی، شامل دارایی‌های در معرض ریسک و وثایق ارائه شده و دریافت شده از زیرساخت بازار مالی مرتبط؛
 - ۶- جایگاه وثیقه شریک، ترتیباتی که وثایق تحت آن نگهداری می‌شوند و هرگونه حقوق بهره برداری و ترهین مجدد که در ارتباط با وثایق اجرایی گردیده است؛
 - ۷- ترتیبات خالص‌سازی در جهت اینکه مقامات بتوانند تأثیر انتقالات امکان پذیر بخشی از کسب و کارهای یک زیرساخت بازار مالی را روی حقوق خالص‌سازی فعالان ارزیابی کنند؛
- ۱۲-۲- مقامات نظارت، بازرسی و حل و فصل باید تأثیر هرگونه توافق قراردادی میان یک زیرساخت بازار مالی با فعالان مستقیم آن و در مواقع مقتضی، فعالان غیر مستقیم را بر روی اطلاعات موجود پیرامون وضعیت‌ها یا فعالان غیرمستقیم مدنظر قرار دهند.



بخش دو - حل و فصل فعالان زیرساخت بازار مالی

مقدمه این ویژگی‌های اصلی نشان می‌دهد که یک نظام حل و فصل مؤثر، باید از استمرار کارکردهای مربوط به نقل و انتقال و دریافت و پرداخت وجوه و ارائه خدمات مالی مهم سیستمی اطمینان حاصل نماید. زیرساخت‌های بازارهای مالی نقش حیاتی را در حل و فصل هریک از فعالان ایفا کرده و باید تلاش نمایند که اختلال ایجاد شده ناشی از شکست هر یک از فعالان در هر کدام از کارکردهای مذکور که توسط زیرساخت بازار مالی ارائه می‌شود را کاهش دهند. به منظور حل و فصل یک مؤسسه در حال شکست (در معرض توقف) به شیوه‌ای که منجر به استمرار کارکردهای حیاتی آن بشود، لازم است که مؤسسه تحت حل و فصل (یا یک نهاد جانشین^۱) بتواند اتکا روی خدمات ارائه شده توسط زیرساخت‌های بازار مالی را که در آن ذینفع است، مادامی که به فوریت و قطعیت تعهدات مربوط به تأدیه یا وثیقه یا سود ناخالص خویش را که به موجب یک قرارداد مالی یا در نتیجه سهام بودن آن در زیرساخت بازار مالی ایفا می‌گردد، استمرار ببخشد. این موضوع حائز اهمیت است که قواعد و شیوه‌ها و سازوکارهای زیرساخت‌های بازار مالی، به طور مناسب و کافی شرایط و موقعیت‌هایی که فعالان بازار مالی وارد حل و فصل می‌شوند، تعیین نموده و اینکه برنامه‌های حل و فصل فعالان زیرساخت بازار مالی منطبق بر قواعد و سازوکارهایی از زیرساخت بازار مالی است که در آن سهام هستند.

این رهنمود اهداف معینی را در خصوص برنامه حل و فصل فعالان بازار مالی، قواعد و شیوه‌های آن برای اطمینان از سازگاری و حمایت از اقدامات توسط یک مقام حل و فصل در جهت مدیریت شکست یک فعال زیرساخت بازار مالی که توقف آن از منظر سیستمی دارای اهمیت بوده و حیاتی باشد، تعیین می‌نماید.

۱- قواعد و شیوه‌ها و سازوکارهای کنترل قصور فعالان

۱-۱- مقامات ذی صلاح در کشورهای مختلف باید اطمینان یابند که الزامات مشارکت، قواعد و سازوکارهای کنترل قصور یک فعال زیرساخت بازار مالی (به اصل ۱۳ از اصول CPSS IOSCO)، احتمالاً به صورت غیر ضروری مانع حل و فصل نظام‌مند فعالان در زیرساخت بازار مالی نمی‌باشد.

۱-۲- ورود به مقوله حل و فصل یک فعال بازار مالی یا استفاده از یک ابزار حل و فصل نباید منجر به خاتمه خودکار مشارکت وی در زیرساخت بازار مالی گردد. مراجع ذی صلاح کشورها باید اطمینان یابند که قوانین و مقررات قابل اعمال نسبت به زیرساخت بازارهای مالی، مشروط به این که که عملیات باثبات و نظام‌مند

۱ - ممکن است شامل یک مؤسسه انتقالی (پل) یا نهاد بخش خصوصی باشد که کارکردهای مؤسسه در حال حل و فصل به آن منتقل شود.



زیرساخت بازار مالی دچار مخاطره نشود، مانع از حفظ مشارکت یک مؤسسه توسط زیرساخت بازارهای مالی نگردد. قواعد زیرساخت بازار مالی باید تمهیدات یک زیرساخت بازار مالی با انعطاف پذیری کافی در جهت همکاری با مقام حل و فصل مالی فعال زیرساخت بازار مالی را به منظور تمهید مقدمات و اجرای یک حل و فصل نظام‌مند به شیوه ای که منجر به افزایش ریسک نسبت به زیرساخت بازار مالی، مدیریت ریسک یا عملیات باثبات و نظام‌مند آن نگردد، ایجاد نمایند.

۱-۳- به منظور حمایت از تداوم کارکردهای حیاتی یک فعال مشمول حل و فصل، قواعد زیرساخت بازار مالی باید:

۱- به یک مؤسسه یا نهاد جانشین اجازه دهد مشارکتش را در طول یک فرایند حل و فصل، مشروط به وجود تمهیدات حفاظتی کافی برای حفظ عملیات نظام‌مند، باثبات و مستمر زیرساخت بازار مالی شامل وضعیتی که مؤسسه یا نهاد جانشین در زمان انطباق با سایر تعهدات فعالان تحت قواعد زیرساخت بازار مالی، به ایفای پرداخت‌ها و تعهدات مربوط به انتقال سررسید شده خویش ادامه می‌دهد، حفظ نماید.

۲- تسهیل مشارکت یک مؤسسه انتقالی یا نهاد جانشین طرف سوم، برای مثال از طریق ایجاد فرآیند درخواست سریع، به نحوی که کارکردها یا وضعیت‌های خاصی از مؤسسه مالی در معرض توقف را منوط به حفظ استانداردهای کنترل ریسک کافی بر عهده بگیرد.

۳- هر زمان که مناسب است، انتقال وضعیت‌های مشتریان یک فعال زیرساخت بازار مالی مشمول حل و فصل به سایر فعالان زیرساخت بازار مالی.

۲- ارزیابی‌های مربوط به حل و فصل پذیری فعالان زیرساخت بازار مالی (تعامل مقامات

حل و فصل با زیرساخت‌های بازار مالی)

۱-۲- به عنوان بخشی از برنامه حل و فصل و ارزیابی‌های حل و فصل پذیری برای مؤسساتی که جزو فعالان زیرساخت بازار مالی هستند، مقامات حل و فصل باید مرتباً با زیرساخت‌های بازار مالی به منظور ایجاد درک شفاف از موارد ذیل که آن مؤسسات در آن‌ها ذینفع هستند، تعامل داشته باشند:



- ۱- مفهوم کاربرد ابزارهای حل و فصل در خصوص عضویت زیرساخت بازار مالی مربوط به مؤسسه مالی (شامل شرایط و اوضاع و احوالی که حل و فصل منجر به تغییر کنترل ذینفع می‌شود)؛
- ۲- وضعیت‌هایی که مؤسسه به منظور انطباق در جهت حفظ مشارکت خویش در زیرساخت بازار مالی نیازمند است.
- ۳- مفهوم تلویحی مدیریت ریسک زیرساخت بازار مالی و سایر فعالان در مشارکت مستمر حل و فصل یک فعال؛
- ۴- شرایطی که یک نهاد واسط انتقالی یا مؤسسه مالی دیگر، به منظور مشارکت در زیرساخت بازار مالی، کارکردهای مؤسسه مشمول حل و فصل می‌تواند به آن‌ها انتقال یابد و مدت زمانی که برای درخواست هر کدام از فرایندهای اجرایی مورد نیاز است؛
- ۵- تغییرات فنی مورد نیاز برای اجرای تدابیر حل و فصل؛ برای مثال انتقال یا ادغام سیستم‌های فن‌آوری اطلاعات و تمهیدات مورد نیاز به منظور تسهیل اجرای سریع چنین انتقال یا ادغامی؛
- ۶- تمهیدات عملیاتی ضروری به منظور اطمینان از اینکه تمامی تعهدات مؤسسه مالی نسبت به زیرساخت بازار مالی شامل سود و وثیقه و تعهدات تسویه، در زمان سررسید، چه توسط خود مؤسسه مالی و یا در صورت ورود مؤسسه به حل و فصل مالی، توسط مقام حل و فصل، اجرایی می‌گردد.
- ۷- تفکیک زیرساخت بازار مالی و نظام انتقال پذیری، هر جا که لازم است، و دلالت آن بر دارایی‌های مشتریان فعالان زیرساخت بازار مالی به منظور اطمینان از اینکه آن دارایی‌ها به گونه‌ای سازگار با قوانین و مقررات داخلی تفکیک شده‌اند.
- ۸- فرایند و پیامدهای انقضای عضویت و تأثیر آن بر سایر فعالان، هرگونه زیرساخت بازارهای مالی مربوطه و عملیات زیرساخت بازار مالی؛
- ۹- خط‌مشی‌ها و رویه‌های حکمرانی داخلی زیرساخت بازار مالی به منظور ایجاد ارتباطات در مواقع بحران.
- ۱۰- سازوکارها و شیوه‌های زیرساخت بازار مالی در جهت ارزیابی سلامت مالی فعالان آن.



۱۱- قابلیت زیرساخت بازار مالی به منظور تفکیک اطلاعات مربوط به فعالیت و تعهدات معوقه مربوط به زیرساخت بازار مالی یک فعال و گزارش فوری آن به مقام حل و فصل مالی تحت قالبی سازماندهی شده؛

۱۲- پروتوکل‌های مدیریت ریسک زیرساخت‌های بازار مالی با توجه به ذینفعی که تعیین می‌کند که در خطر نکول باشد.

۲-۲- زیرساخت‌های بازار مالی باید ملزم شوند که به عنوان بخشی از ترتیبات اقتضایی، اثربخشی فرآیندهای خود را چنانچه یک فعال اصلی مشمول حل و فصل می‌گردد، مورد سنجش قرار دهند. که دربرگیرنده شرایط و الزاماتی در جهت تداوم مشارکت فعال فوق یا پذیرش فعال جدیدی است که فعالیت‌های فعالان قبلی به آن انتقال می‌یابد.

۳- تعلیق موقت حق انقضای پیش از موعد قرارداد در زیرساخت‌های بازار مالی

۳-۱- چنانچه یک فعال مشمول حل و فصل در ایفای هرگونه تعهدات مربوط به حاشیه سود، وثیقه یا تعهدات تسویه زیرساخت بازار مالی قصور نماید، زیرساخت بازار مالی باید حق اجرای هرگونه تسریع یا حقوق مربوط به انقضای پیش از موعدی که به عنوان پیامد آن شکست حاصل می‌شود، را داشته باشد.

۳-۲- اختیار مقامات حل و فصل در اعمال تعلیق موقت اجرای حقوق مربوط به انقضای پیش از موعد یا تسریع قراردادی، باید نسبت به تمامی چنین حقوقی که توسط زیرساخت بازار مالی، صرفاً به دلیل ورود فعال زیرساخت بازار مالی به مقوله حل و فصل یا اجرای اختیارات حل و فصل مربوطه ایجاد می‌گردد، اعمال گردند. هرگونه استفاده از چنین اختیاراتی در رابطه با زیرساخت بازار مالی باید با توجه به ضرورت کسب اطمینان از اجرای حقوق فوق بدون متأثر نمودن عملیات نظام‌مند و باثبات زیرساخت بازار مالی اجرا گردد.

۴- موانع بالقوه حل و فصل پذیری

۴-۱- مقامات حل و فصل باید زیرساخت‌های بازار مالی و سایر مقامات نظارت و بازرسی زیرساخت‌های بازار مالی را از هرگونه موانع ناشی از تغییر رویه‌های زیرساخت بازار مالی و شیوه‌ها و سازوکارهایی که قادر است روی اجرای مؤثر حل و فصل یک فعال زیرساخت بازار مالی اثرگذار باشد، آگاه نمایند. مقامات حل و فصل و نظارت و پایش باید تغییرات رویه‌ها یا سایر تدابیری را که می‌توان برای رفع موانع مذکور اتخاذ نمود، بدون به خطر افتادن مدیریت ریسک و عملیات باثبات زیرساخت بازار مالی، مدنظر داشته باشند.



۵- ارایه اطلاعات توسط مقامات حل و فصل به زیرساخت‌های بازار مالی

۵-۱- مقامات حل و فصل باید حتی الامکان در اولین فرصت ممکن زیرساخت‌های بازار مالی را از جریان حل و فصل یک فعال و در صورت امکان پیش از ورود مؤسسه مالی به حل و فصل، آگاه نمایند. در تمام مراحل حل و فصل یک فعال زیرساخت بازار مالی، مراجع باید اطلاعاتی پیرامون فعال مزبور یا هر نهاد انتقالی که کارکردهای آن فعال به آن نهاد منتقل شده است، به منظور تداوم مشارکت آن فعال یا نهاد انتقالی در زیرساخت بازار مالی، ارائه نمایند.

پیوست دو- حل و فصل بیمه‌گران (فعالان بازار بیمه)

این پیوست به دلیل عدم ارتباط موضوعی آن با موضوعات بخش بانکی در این نسخه ترجمه نشده است.

پیوست سه- حفاظت از دارایی مشتری در حل و فصل

این پیوست رهنمودهایی را درباره تفسیر و اجرای ویژگی‌های اصلی نظام‌های حل و فصل مؤثر مؤسسات مالی ارایه می‌دهد. ویژگی‌های اصلی که مرتبط با عناصری در نظام‌های حل و فصل است که برای بازسازی و حل و فصل یک مؤسسه مالی توأم با حفظ دارایی‌های مشتری لازم است. ویژگی‌های اصلی بیان می‌کند که چارچوب قانونی حاکم بر تفکیک دارایی‌های مشتری باید واضح، شفاف و در طول یک بحران و یا در جریان حل فصل مؤسسات، قابل اجرا باشد و نباید به اجرای مؤثر اقدامات حل و فصل آسیب برساند. (ویژگی اصلی شماره ۴-۱). نظام‌های حل و فصل مؤثر باید اجازه استرداد سریع دارایی‌های تفکیک شده مشتری یا انتقال این اموال به یک خریدار ثالث یا نهاد انتقالی موضوع حفاظت از دارایی‌های مشتریان را بدهند.

این پیوست مکمل ویژگی‌های اصلی بوده و باید در ارتباط با مؤسساتی که مستقیم یا به طور غیرمستقیم اقدام به نگهداری دارایی‌های مشتریان می‌نماید و دارای اهمیت سیستمی در زمان بروز شکست می‌باشند، مدنظر قرار گیرد.^۱

۱- از آنجایی که محتوای این پیوست، در جهت اهداف ارزیابی، در تطابق با ویژگی‌های اصلی، بر اهمیت در نظر گرفته شده است؛ محتوای یاد شده به وضوح در روش‌شناسی ارزیابی ویژگی‌های اصلی، منعکس می‌گردد.



نظام‌های ملی حفاظت از دارایی‌های مشتری، به طور قابل توجهی با روش‌هایی که به موجب آن دارایی‌های مشتری نگهداری می‌شوند، متمایز است، زیرا چنین حفاظتی بستگی به قوانینی دارد که در حوزه داخلی هر کشوری، حقوق مالکیت و نظام‌های حل و فصل و توقف^۱ را تعریف می‌کند. نظام‌های حفاظت از دارایی‌های مشتری بر اساس طبقه‌بندی IOSCO در غالب سه طبقه «نظام‌های توقیف دارایی‌ها»، «نظام‌های امانی» و «نظام‌های نمایندگی» مبتنی بر ماهیت حقوقی رابطه میان مؤسسه و مشتریان آن با توجه به دارایی‌های مشتری دسته‌بندی می‌شوند. این تمایزها احتمالاً بر روی ماهیت قانونی حقوق مشتری نسبت به دارایی‌هایش تأثیر می‌گذارد. شبیه‌ای که حقوق مزبور از طریق نظام حاکم و نحوه عمل در توقف حفاظت می‌شود. بعلاوه تعریف دارایی مشتری که بسته به شکل حفاظت و حقوق مشتری، در کشورهای مختلف، متفاوت است.

دارایی‌های مشتری توسط انواع مختلفی از مؤسسات در طول دوره خدمات و فعالیت‌های مالی مختلفی که دربرگیرنده حفاظت، مدیریت و امانت، خدمات سرمایه‌گذاری و حق العمل‌کاری، حق تقدم خرید سهام و وثیقه‌گیری در ارتباط با سایر تراکنش‌های مالی است، نگهداری می‌گردد. دسته‌بندی نظارتی چنین مؤسسات متنوعی، در حوزه کشورهای مختلف متفاوت است.

ترتیبات قانونی و قراردادی که دارایی‌های مشتری به موجب آن‌ها نگهداری می‌گردد و چنین دارایی‌هایی توسط مؤسسه یا اشخاص ثالث مورد استفاده مجاز قرار می‌گیرد، ممکن است بسته به نوع مؤسسه‌ای که این دارایی‌ها را نگهداری می‌کند و فعالیت‌های مربوطه، متفاوت باشد. برای مثال در برخی کشورها، کارگزاران اصلی بازار سرمایه، حقوق قراردادی دارند و آن‌را در خصوص رهن‌گذاری مجدد و استفاده از برخی دارایی‌های مشتری که نگه می‌دارند، اعمال می‌نمایند. در مقابل، مسئولین نگهداری و حفاظت عموماً به نمایندگی از مشتریان از اوراق بهادار نگهداری، اداره و مراقبت می‌نمایند.

کمیته فنی و سپس هیأت IOSCO تعدادی گزارش در ارتباط با حفاظت از دارایی‌های مشتری منتشر نموده‌اند. از جمله مثلاً گزارش درباره حفاظت از دارایی‌های مشتری (اگوست ۱۹۹۶)^۲، گزارش نهایی بررسی نظام‌های حفاظت، توزیع و یا انتقال دارایی‌های مشتری (مارس ۲۰۱۱)^۳ و گزارش نهایی پیرامون

^۱ resolution and insolvency regimes

^۲ - مقدمه‌ای بر گزارش نهایی کمیته فنی IOSCO راجع به بررسی نظام‌های حفاظت، تقسیم و یا انتقال دارایی‌های مشتری (مارس ۲۰۱۱)

<http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD۳۰۱.pdf>

^۳ - <http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD۰۷.pdf>

^۴ - <http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD۳۰۱.pdf>



توصیه‌های مرتبط با حفاظت از دارایی‌های مشتری (ژانویه ۲۰۱۴)^۱ توصیه و اصول مرتبط با استانداردهای حفاظت از دارایی مشتری، شامل موارد مرتبط با حفاظت، اداره و سپردن دارایی‌های مشتری در یک کشور خارجی، صرف نظر از نگهداری دارایی مشتری، حقوق استفاده و افشا نسبت به مشتریان مرتبط بوده و حامی رهنمودهای تعیین شده در پیش نویس این پیوست است. پیش نویس این پیوست، به منظور تعیین جزئیات بیشتر در خصوص این که چگونه باید اصول مرتبط با حفاظت و تشخیص دارایی‌های مشتری، استفاده از دارایی‌ها و شفافیت نسبت به مشتریان اجرایی گردد، مبتنی بر همان استانداردهای IOSCO است.

با توجه به تفاوت‌های معنی‌دار در نظام‌های ملی حفاظت از دارایی‌های مشتری، رهنمود مورد بحث به جای شرح و تفصیل روش‌ها و قواعد الزام آور بر نتایج حاصله از آن روش‌ها و قواعد تأکید دارد. صرف نظر از نوع ترتیبات ملی اتخاذ شده، دارایی‌های مشتری باید - به شیوه‌ای متناسب با آن ترتیبات - از شکست مؤسسه مالی و تا جایی که ممکن است از شکست هر متولی نگهداری ثالثی مورد حفاظت قرار گیرند.^۲ وضعیت قانونی دارایی‌های مشتریان و حقوق مالی اختصاصی ایشان نسبت به آنها، نباید با ورود به حل و فصل مؤسسه متأثر گردد.^۳

۱- دامنه

۱-۱- این پیوست نسبت به نظام‌های حل و فصل مؤسسات مالی در چارچوب گسترده ویژگی شماره (۱-۱) که دارایی‌های مشتری را نگه می‌دارند، اعمال می‌گردد.

۲- اهداف (مقدمه و ویژگی اصلی شماره ۲-۳)

۱-۲- یک مقام یا مدیر حل و فصل مؤسسه مالی مسئول نگهداری دارایی‌های مشتری، باید در اجرای اختیارات نظارتی از طریق پیروی از اهداف تعیین شده زیر (علاوه بر اهداف عمومی تعیین شده در ویژگی شماره ۲-۳) در رابطه با حفاظت از دارایی‌های مشتری، مورد رهنمود قرار گیرد:

^۱ - <http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD436.pdf>

۲ - اگرچه به طور کلی حصول اطمینان از اینکه دارایی‌های مشتری که به شخص ثالثی منتقل گردیده، از شکست آن شخص در امان است، امکان پذیر است. اما همیشه اینطور نیست. برای مثال پول سپرده شده در یک بانک می‌تواند متأثر از شکست آن بانک گردد.

۳ - در بسیاری از مناطق این موضوع که دارایی‌های مشتری از طریق و به نام یک واسطه مالی نگهداری می‌شود، منافع مالکیت مشتری را تغییر نمی‌دهد.



۱- اطمینان از دسترسی سریع مشتریان به دارایی‌هایشان از طریق تنظیم کارکرد مستمر مؤسسه که بدنبال ثبات در حل و فصل، استرداد سریع دارایی‌های قابل شناسایی و تفکیک شده مشتری به وی یا انتقال مسئولیت نگهداری دارایی مشتری به نهاد انتقالی یا طرف ثالث، حاصل می‌گردد

۲- اجتناب از پیامدهای نامطلوب که در اثر عدم دسترسی مشتریان به دارایی‌هایشان می‌تواند به وجود بیاید.

۲-۲- اهداف مرتبط با حفاظت از دارایی‌های مشتریان، باید در تصمیمات و اهداف مقام حل و فصل مالی یا مقام اداری مسؤل حل و فصل مؤسسه، منعکس گردد. آنها باید متناسب با شرایط ویژه تعیین شده، هم راستا و هماهنگ با سایر اهداف مقام حل و فصل مالی یا مقام اداری، نسبت به آن احساس مسؤلیت نمایند.

۳- تعریف دارایی‌های مشتری

۳-۱- دارایی‌های مشتری در راستای اهداف این رهنمود، باید به طور گسترده‌ای تفسیر شوند که در برگیرنده تمام دارایی‌های متعلق به وی و تحت حفاظت قانون و مقررات ملی قابل اعمال بوده باشد. به طور نوعی آنها دارایی‌هایی هستند که توسط یک مؤسسه (خواه از طریق یک متولی و یا غیر آن) در ارتباط با خدمات ارائه شده به مشتری یا به نیابت از وی نگهداری می‌گردند. دارایی‌های مشتری به طور نوعی شامل دارایی‌هایی می‌گردند که مشتری (یا به طور کلی مشتریان) با در نظر گرفتن هرگونه حقی که مؤسسه نسبت به آن به عنوان وثیقه دارد (به عنوان مثال سود اوراق، تسویه و تهاتر تا حد قابل اعمال)، در بازپس‌گیری آن‌ها دارای حق تقدم یا حقوق مشابه می‌باشد.^۱

دارایی‌های مشتری به طور معمول دربرگیرنده موارد زیر است:

۱- پولی که بدهی به مشتری محسوب می‌گردد یا از طرف وی توسط مؤسسه نگهداری می‌شود. که در قانون ملی حاکم، از آن به «پول مشتری» تعبیر می‌شود.^۲

۱ - جایی که دارایی‌ها به صورت غیرعینی نگهداری می‌شوند، ممکن است حقی نسبت به تعدادی ورق (سهام) بهادار خاص وجود داشته باشد که برای مثال توسط CUSIP (کمیته سازوکارهایی شناسایی اوراق بهادار متحدالشکل) یا شماره سریال ISIN (شماره شناسایی اوراق بهادار بین المللی) مورد اشاره واقع گردیده است.

۲ - دسته بندی و نحوه عملکرد در رابطه با پولی که از طرف مشتری نگهداری می‌شود یا جزو طلب وی است در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی کشورها ممکن است مشتری نفع مالکانه مستقیمی در تراز نقدی بصورت تفکیک‌شده داشته باشد و در این مورد از پول به عنوان «



۲- ابزارهای مالی یا سایر دارایی‌هایی که برای مشتری یا از طرف وی نگهداری می‌شوند.

۳- وثایق مشتری که شامل دارایی‌های دریافت شده از وی است که از طرف مشتری توسط مؤسسه در راستای تضمین یک تعهد نگهداری می‌شود (به استثنای موارد ناظر بر تراکنش انتقالی) به پاراگراف ۳-۲ رجوع کنید. و نهایتاً:

۴- دارایی‌ها و سایر حقوق (قراردادی) ناشی از تراکنش‌های صورت گرفته ورودی توسط مؤسسه از طرف مشتری (برای مثال تعهدات بازار ناشی از تغییر در ارزش معاملات سلف و وضعیت‌های معاملات اختیار)

۳-۲- هم راستا با اهداف این پیوست، دارایی‌های مشتری، موارد زیر را در بر نمی‌گیرد:

۱- سپرده‌هایی که توسط بانک‌ها نگهداری می‌شوند. (سپرده‌هایی که در راستای اهداف مقررات ناظر بر فعالیت سپرده‌پذیری تحت قانون حاکم، به عنوان «سپرده» شناخته می‌شوند.) به استثنای سپرده‌های نگهداری شده مؤسسات مالی نزد بانک‌ها که تحت چارچوب قانونی حاکم (قابل اعمال) به عنوان وجوه مشتری شناخته می‌شوند و به همین عنوان نیز ثبت شده‌اند.

۲- دارایی‌هایی نگهداری شده بوسیله بیمه‌گر یا مطالبات و حقوق بیمه‌گذار در ارتباط با کسب و کار بیمه.

۳- دارایی‌های تحویل داده شده طی یک تراکنش انتقال کامل نظیر تراکنش‌های مربوط به وام دهی اوراق بهادار، بازخرید یا توافقات بازخرید معکوس، جایی که نه یک مشتری و نه همه آن‌ها به طور کلی هیچ حق تقدم یا حقوق مشابهی نسبت به دارایی‌ها بدست نمی‌آورند.^۱

۳-۳- چارچوب قانونی باید مشتمل بر قواعد شفاف و مشخصی پیرامون این باشد که چگونه :

پول مشتری» یاد می‌شود و ممکن است تحت اشکال خاصی از حفاظت و حمایت قرار گیرد. در سایر کشورها از تراز نقدی به عنوان تصدیق‌کننده مطالبات صرف علیه مؤسسه یاد می‌شود که در این پیوست این‌گونه موارد مدنظر نمی‌باشد.

۱- این امر مانع از اعمال و اجرای اشکالی از حفاظت از سرمایه توسط آن کشورها نسبت به چنین مطالبات یا دارایی‌هایی از مشتری تحت قانون ملی نمی‌گردد. در هر حال ملاحظات خاصی در رابطه با نحوه عمل نسبت به چنین دارایی‌ها یا مطالباتی، مدنظر این پیوست نیست.



۱- دارایی‌های مشتری شامل دسته بندی اوراق بهادار نگهداری شده از طرف مشتری و (هرجا قابل که اعمال است)، پول مشتری، تعریف می شوند،

۲- در شرایط شکست مؤسسه‌ای که به طور مستقیم یا غیر مستقیم دارایی‌های مشتری را نگهداری می کند، چگونه با این دارایی‌های برخورد می شود؟ (از طریق یک یا چند واسط یا متولی نگهداری)

۴- اختیارات انتقال در ارتباط با دارایی‌های مشتری (بندهای شش و هفت ویژگی‌های

اصلی شماره ۳-۲ و ویژگی اصلی شماره ۳-۳)^۱

۱-۴- اختیارات تعیین شده در بندهای شش و هفت ویژگی‌های اصلی شماره ۳-۲ و ویژگی اصلی شماره ۳-۳) (اختیارات انتقال)، باید به انتقال دارایی‌های مشتری تعمیم یابد.

۱- در موردی که دارایی‌های مشتری که توسط مؤسسه مالی مشمول حل و فصل نگهداری می شوند، یک مقام یا مدیر انتصابی باید اختیار انتقال دارایی‌ها و قراردادهای مشابه مشتری را به یک مؤسسه مالی سالم یا نهاد انتقالی که در هر دو حالت توان ارائه خدمات مشابه را دارد، (انتقال گیرنده واجد شرایط) به عنوان جایگزینی جهت استرداد دارایی‌ها به مشتریان، داشته باشد.

۲- در حالتی که دارایی‌های مشتری توسط یک نهاد داخلی وابسته به مؤسسه مشمول حل و فصل نگهداری می شوند، چنانچه سلامت و ثبات گروه (مالی) یا زیرگروه داخلی وابسته آن متأثر گردد، باید رویکرد مشابهی در خصوص آن اتخاذ گردد.

۳- در شرایطی که دارایی‌های مشتری توسط یک طرف ثالث (به عنوان متولی نگهداری) نگهداری می شود، مقام حل و فصل باید اختیار انتقال حقوق و تعهدات قراردادی بین متولی نگهداری، مؤسسه در حال حل و فصل و مشتریان آن را، به یک انتقال گیرنده واجد شرایط داشته باشد.

۱ - استفاده از اختیارات انتقال بر حسب اینکه ایا دارایی‌ها توسط مؤسسه‌ای که در حال حل و فصل است، نگهداری می شود یا یک متولی نگهداری ثالث غیروابسته، متفاوت است. در حالت نخست، انتقال از مؤسسه‌ای که تحت حل و فصل است (یا بازپرداخت سریع دارایی‌ها به مشتریان) به احتمال زیاد مناسب ترین اقدام است. به هر حال وقتی که نگهداری دارایی‌های مشتریان یک مؤسسه تحت حل و فصل به یک متولی ثالث واگذار می گردد، احتمالاً نیازی به انتقال دارایی‌ها نباشد. مقامات حل و فصل ممکن است در عوض اقدام به انتقال حقوق و تعهدات قراردادی میان مؤسسه تحت حل و فصل و مشتریان آن، به یک نهاد انتقالی یا جایگزین بنمایند. در جایی که دارایی‌ها توسط یک نهاد وابسته به مؤسسه تحت حل و فصل نگهداری می گردد، چنانچه قابلیت بازسازی گروه متأثر گردد، ملاحظات دیگری ممکن است اعمال گردد.



۲-۴- اختیارات انتقال باید مقام حل و فصل را قادر سازد که تمام خطوط کسب و کار تجاری و دارایی‌های مشتری مربوطه را به انتقال گیرنده واجد شرایطی منتقل نموده و نباید مستلزم اخذ رضایت مشتریانی باشد که (از این موضوع) متأثر گردیده اند.

۳-۴- اجرای اختیارات انتقال باید منوط به تمهیدات حفاظتی مربوطه تعیین شده در ویژگی اصلی شماره ۵ باشد.

۴-۴- اجرای اختیارات به منظور انتقال یا نیل به استرداد سریع دارایی‌های مشتریان، باید تا حدی که هماهنگ با چارچوب قانون ملی باشد، توسط نهادهای ذیل مورد حمایت قرار گیرد:

۱- تأییدیه‌های دادگاه (محاکم) تخصصی در مواقع ضروری (هم‌راستا با ویژگی‌های اصلی شماره ۴-۵ و ۵-۵)

۲- حمایت قانونی از مؤسسات در حال حل و فصل، کارکنان آنها یا مدیران منصوب، در برابر اقدامات اتخاذ شده و اشتباهات (احتمالی) صورت گرفته در زمان عمل در چارچوب اختیارات قانونی و مصون بودن از مسؤلیت در خصوص اقدامات توأم با حسن نیت.

۳- امکان استفاده از حمایت سرمایه گذار و صندوق‌های حمایتی مشابه در صنعت مربوطه به منظور حمایت از فرایندهای انتقال و انجام پیش پرداخت‌های وجوه مشتریان و تحویل اوراق بهادار.

۴- سازوکاری برای تعدیل‌های آتی در مطالبات مورد اختلاف در مورد دارایی‌های انتقال داده شده.

۵- توانایی مقام حل و فصل مالی یا مدیر منصوب در رابطه با انطباق با رویکردهای عملی نسبت به انتقال یا استرداد دارایی‌های مشتری (برای مثال توزیع‌های علی‌الحساب، بازپرداخت‌های تدریجی، استرداد دارایی‌های جایگزین).

۵- شناسایی، تمهیدات حفاظتی و تفکیک دارایی‌های مشتریان (ویژگی اصلی شماره ۴-۱)

۱-۵- مؤسسات باید ملزم شوند، به منظور اینکه مقامات حل و فصل و مدیران اداری قادر باشند به سرعت تشخیص دهند که چه دارایی‌هایی متعلق به مشتری است و در جهت تشخیص ماهیت مطالبات و عناوین حقوق هر یک از مشتریان نسبت به آن دارایی‌ها با در نظر گرفتن دارایی‌های مشتری که در یک زنجیره نگهداری می‌شوند، ترتیبات مؤثری نظیر تفکیک برای شناسایی و حفاظت از دارایی‌های مشتریان برقرار کنند.



۵-۲- مشتریان باید به طور کافی در مورد شیوه‌ای که دارایی‌هایشان نگهداری می‌شود، شامل نوع تفکیک و وجود هر نوع زنجیره نگهداری و حفاظت‌های قابل اعمال در مورد دارایی‌ها، آگاه شوند. این اطلاعات به ویژه باید دربرگیرنده تمرکز دارایی‌های مشتری در حساب‌های عمومی در شرایط توقف مؤسسه یا هر متولی نگهداری، اینکه چگونه (زیان‌های) ناشی از کسری یا (نقصان) در دارایی‌های متمرکز، توزیع خواهد شد (اشاره به نظام توزیع عادلانه زیان)، و هر جا که مربوط است، این حقیقت را که نظام تفکیک و حفاظت از دارایی مشتری، ممکن است تحت قانون (نظام حقوقی) خارجی متفاوت باشد و اینکه مشتری ممکن است که (الزاماً) همان سطح از حفاظت دارایی را در نظام حقوقی داخلی دریافت نکند.

۶- تراکنش‌های تأمین مالی اوراق بهادار، رهن‌گزاری مجدد یا استفاده از دارایی‌های

مشتری (ویژگی اصلی شماره ۴-۱)

۶-۱- کشورهایی که در آنها قرض دادن اوراق بهادار توسط مؤسسه مالی به نمایندگی از جانب مشتری یا به رهن‌گزاری مجدد و استفاده از دارایی‌های وی توسط مؤسسه مالی یا اشخاص ثالث به عنوان شخص اصیل، مجاز است، باید با چارچوب‌های روشن حاکم بر ترتیبات مورد اشاره تطابق داشته باشند.

۱- زمانی که یک مؤسسه اوراق بهادار مشتری را به نمایندگی از وی قرض می‌دهد، باید سوابق کافی از تراکنش‌های جاری آن شامل طرفین قرارداد، شروط قرارداد، مستندات قانونی، جزییات وثایق و محل آن‌ها، نگهداری کند. این سوابق باید به حدی کافی باشند که مشتریان را قادر سازد تراکنش‌های جاری را که در آن به عنوان شخص اصیل محسوب می‌شوند، مشخص نموده یا در مواقع حل و فصل مالی، توانایی انتقال تراکنش‌های جاری به یک انتقال‌گیرنده واجد شرایط را داشته باشد. در موردی که وثایق اوراق بهادار برای چندین مشتری به صورت متمرکز نگهداری می‌شود و جایی که وثایق نقدی به صورت تجمیعی سرمایه‌گذاری مجدد می‌شود، برای اطمینان از اینکه مؤسسه سوابق کافی از تخصیص وثایق را نگه می‌کند، باید مورد توجه و بررسی ویژه قرار گیرد.

۲- جایی که یک مؤسسه دارایی‌های مشتری را به رهن‌گذاشته و یا به عنوان اصیل از آنها استفاده می‌کند، باید سوابق روشنی از اینکه چه دارایی‌هایی از مشتری به رهن‌گذاشته شده یا مورد استفاده قرار گرفته است، داشته باشد. به ویژه به منظور تسهیل حل و



فصل، باید مشخص شود که چگونه حق بهره‌برداری مورد ثبت واقع می‌گردد^۱ و چه میزان از دارایی‌ها می‌تواند به رهن مجدد گذاشته شده یا مورد استفاده قرار گیرد.

۶-۲- وقتی که چارچوب قانونی وام دادن اوراق بهادار، به رهن‌گذاری مجدد و حق استفاده یا سایر ترتیبات مشابه در رابطه با دارایی‌های مشتریان را مجاز می‌داند، باید مستلزم افشای کافی برای مشتریان در خصوص تأثیرات چنین تراکنش‌هایی روی حفاظت از دارایی‌هایشان و ماهیت دعاوی قانونی ایشان در جریان حل و فصل باشد.

۷- کاستی‌ها در دارایی‌های مشتریان و استفاده از وجوه حمایتی (ویژگی اصلی شماره ۶)

۷-۱- کشورهای مختلف باید قواعد روشنی در خصوص اینکه چگونه زیان‌ها در حالت کاستی‌ها در دارایی‌های مشتریان، در حجمی از دارایی‌های مشتری، تقسیم می‌شود، داشته باشند. این تمهیدات نباید باعث تأخیر ناروا یا لطمه به استرداد یا انتقال سریع دارایی‌های مشتریان گردد.

۷-۲- باید در مورد نقش طرح‌های حمایتی سرمایه‌گذار و سایر برنامه‌های تضمین یا صندوق‌هایی که حامی انتقال دارایی‌های مشتری و جبران کاستی‌ها هستند، شفافیت وجود داشته باشد.

۷-۳- زمانی که ممکن است یک برنامه حمایتی سرمایه‌گذار، در ارتباط با تدابیر حل و فصل مورد استفاده واقع گردد، باید تمهیدات حفاظتی در جهت اجتناب از فرسایش بیش از حد برنامه حمایتی تأمین مالی ابزارهای حل و فصلی که بطور مستقیم به دنبال حفاظت از دارایی‌های مشتری نیست، وجود داشته باشد.

۸- مسائل برون مرزی (ویژگی اصلی شماره ۷)

۸-۱- مقامات حل و فصل کشور مبدأ و میزبان، باید در زمینه‌های زیر اطلاعات مربوط را به یکدیگر ارائه دهند:

- ۱- عملیات نظام‌های داخلی حفاظت از دارایی مشتریان آنها؛
- ۲- تدابیر حل و فصل و سایر اقداماتی که می‌توانند در وضعیت شکست یک مؤسسه در سطح ملی اتخاذ شوند و تأثیر آن روی وضعیت مالکیت و حقوق مشتریان در ارتباط با دارایی‌ها؛
- ۳- سازوکارهای موجود برای نیل به استرداد سریع دارایی‌های مشتریان.

^۱ برای مثال از طریق بدهکار نمودن حساب مشتری و بستن‌کار نمودن حساب‌گیرنده وثیقه یا از طریق نوعی هشدار روی حساب مشتری



۸-۲- کشورهای مختلف (در حوزه داخلی) باید موارد زیر را ایجاد نمایند:

- ۱- ترتیبات همکاری که مکمل خط‌مشی‌ها و برنامه‌های حل و فصل مؤثر است و باعث تسریع و تسهیل استرداد سریع دارایی‌های مشتریان که در حوزه داخلی آن کشور نگهداری می‌شود، شامل سازوکارهایی برای تصدیق به موقع انتصاب یک مدیر اداری برای یک مؤسسه خارجی با نگهداری از دارایی‌های مشتری در آن کشور؛
- ۲- سازوکارهایی برای اثربخشی انتقال‌های دارایی‌های مشتریان توسط یک مقام حل و فصل مالی خارجی، (که مستقیم یا از طریق یک مدیر اداری ویژه، سرپرست، مدیر تصفیه یا سایر مقامات رسمی عمل می‌کند) که ممکن است شامل تشخیص انتقال‌های خارجی یا اجرای اختیارات انتقال توسط مقام حل و فصل آن کشور، مدیر اداری یا قرارداد بین مؤسسه خارجی در جریان حل و فصل و یک واسط (عامل) داخلی که دارایی‌های مشتری را از طرف مؤسسه خارجی در جریان حل و فصل نگهداری می‌نماید.

۹- برنامه‌ریزی حل و فصل و اقدامات برای ارتقای حل و فصل‌پذیری (ویژگی‌های اصلی

شماره ۱۰ و ۱۱)

۹-۱- برنامه‌ریزی حل و فصل برای یک مؤسسه ای که دارایی‌های مشتری را نگه می‌دارد، باید موارد ذیل را مورد توجه قرار دهد:

- ۱- ترتیبات ناظر بر این که مؤسسه اطمینان یابد که شناسایی مشتریان و دارایی‌هایشان به سرعت قابل انجام است؛
- ۲- الزامات شکلی و قانونی برای انتقال دارایی‌های مشتریان یا انتقال قراردادهای حاکم بر نگهداری آن دارایی‌ها یا ترتیبات حفاظت از دارایی‌های مشتریان؛
- ۳- چگونگی تفکیک و تأثیر آن روی انتقال یا استرداد سریع دارایی‌های مشتریان؛
- ۴- هرگونه ترتیبات ناظر بر به رهن‌گزاری مجدد یا حقوق استفاده که ممکن است قابل اجرا باشد و همچنین تأثیر اجرای چنین حقوقی بر روی قابلیت انتقال، احیا و استرداد دارایی‌ها؛
- ۵- معیارها و مقیاس‌های ناظر بر وام دادن دارایی‌های مشتریان به نمایندگی از طرف وی که دربرگیرنده ویژگی‌های ذیل باشد:



- ساختار سررسید و این که چگونه سریعاً می‌تواند وصول گردد.
 - نقد شونده‌گی هرگونه سرمایه‌گذاری مجدد و وثایق نقدی و این که آیا این امر می‌تواند مانعی برای تسویه دفتری گردد.
 - هرگونه وثیقه نقدی چگونه مجدداً مورد سرمایه‌گذاری واقع می‌شود (برای مثال بر مبنای تلفیقی یا تفکیک شده)
 - هر نوع وثایق اوراق بهادار چگونه نگهداری می‌شوند (برای مثال بر مبنای تلفیقی یا تفکیک شده)
 - کیفیت ثبت سوابق مؤسسه در رابطه با تراکنش‌های ناظر بر وام دهی اوراق بهادار مهم؛ به ویژه جایی که وثایق بر مبنای تلفیقی نگهداری می‌شوند.
 - چه اطلاعاتی و با چه تناوبی به مشتریان ارائه می‌گردد.
- ۶- تأثیر شکست مؤسسات تابعه بر حل و فصل‌پذیری مؤسسه، جایی که یک سرپرست یا زیرمجموعه آن یا سایر عوامل زنجیره نگهداری، تابعی از مؤسسه بوده و خودش تحت حل و فصل یا در حال توقف است.
- ۷- جایی که دارایی‌های مشتری در حوزه کشور دیگری نگهداری می‌شود، تأثیر قانون خارجی روی ماهیت حفاظت از دارایی‌های مشتریان و نحوه عمل آنها در توقف تا حدی که برای حل و فصل مورد نیاز است.
- ۸- با کاستی‌ها در دارایی‌های مشتری و مطالبات ناشی از آن در جریان حل و فصل چگونه برخورد می‌شود و زیان‌های حاصله چگونه جبران می‌گردد. (تقسیم می‌شود)
- ۹- نقش طرح‌های حمایتی سرمایه‌گذار یا سایر برنامه‌ها و منابع تضمین‌کننده در حمایت از انتقال دارایی‌های مشتری یا پیش‌پرداخت وجوه متعلق به وی و تحویل اوراق بهادار،
- ۱۰- همکاری و ترتیبات ناظر بر تبادل اطلاعات با مقامات و مراجع مربوطه خارجی در جهت حمایت از انتقال یا استرداد سریع دارایی‌های مشتری، زمانی که دارایی‌های مزبور در حوزه یک کشور خارجی نگهداری می‌شوند.
- ۹-۲- در جهت حمایت از اجرای مؤثر اختیارات انتقال، مقامات حل و فصل باید اختیار تحمیل تغییراتی نسبت به عملیات کسب و کار یک مؤسسه، سیستم‌های مدیریت اطلاعات و ترتیبات قراردادی مربوط به نگهداری و حفاظت از دارایی‌های مشتری را داشته باشند.



۱۰- الزامات اطلاعاتی و نگهداری سوابق (ویژگی اصلی شماره ۱۲-۲)

۱۰-۱- به منظور انتقال یا استرداد سریع دارایی‌های مشتری، مؤسسات باید ملزم شوند سیستم‌های اطلاعاتی و کنترل‌هایی را نگهداری نمایند که هم در مواقع عادی و هم در جریان حل و فصل و به شکلی قابل فهم برای یک طرف خارجی نظیر یک مقام حل و فصل مالی یا یک مدیر اداری، قادر به تولید اطلاعات درباره موارد ذیل باشند^۱:

۱- میزان، ماهیت و وضعیت مالکیت دارایی‌های مشتری که مستقیماً یا غیر مستقیم توسط مؤسسه نگهداری می‌شوند.

۲- شناسایی مشتریان؛

۳- محل دارایی‌های مشتریان، چگونگی نگهداری این دارایی‌ها (که توسط مؤسسه، یک وابسته، یک شخص ثالث متولی نگهداری یا تابعه آن صورت می‌گیرد).

۴- شرایط و ضوابطی که این دارایی‌ها به موجب آنها نگهداری می‌شوند، شامل ترتیبات قراردادی بین مؤسسه و مشتری و هر شخص ثالثی که اقدام به نگهداری دارایی‌ها می‌نماید.

۵- چگونگی تفکیک (عمومی یا فردی)، اگر قابل اعمال است، در تمام سطوح زنجیره نگهداری و تأثیرات تفکیک روی حقوق مالکیت مشتریان^۲.

۶- حفاظت‌های قابل اعمال از دارایی‌های مشتری به ویژه موقعی که دارایی‌های مشتری در یک کشور خارجی نگهداری می‌شود و تحت نظام ورشکستگی، حل و فصل و حفاظت از دارایی‌های آن کشور است و هرگونه اعراض از حق، تعدیل (بهبود) و عدول (نکول) توسط مشتری نظام حفاظت از دارایی مشتری (زمانی که توسط نظام قابل اعمال، مجاز دانسته شده است)؛

۷- حقوق مالکیت مشتریان و هرگونه محدودیت‌های بالقوه نسبت به آن حقوق از قبیل اجرای (تصرف) وثایق و سایر اوضاع و احوالی که ممکن است بر استرداد چنین دارایی‌هایی یا ارزش

آنها تأثیرگذار باشد و تعهدات مؤسسه با توجه به دارایی‌های مشتری؛

۱ - الزامات نگهداری سوابق باید توسط توصیه‌های IOSCO در رابطه با حفاظت از دارایی‌های مشتریان، مورد توجه قرار گیرد
<http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD401.pdf>

۲ - در برخی کشورها، تفکیک دارایی‌های مشتریان از دارایی‌های اختصاصی مؤسسه، ممکن است مستقیماً بر روی حقوق مشتریان نسبت به آن دارایی‌ها تأثیر بگذارد. در برخی دیگر تفکیک چنین تأثیری نمی‌گذارد. اما شناسایی و احیای دارایی‌های مشتری را تسهیل و تسریع می‌بخشد.



۸- وجود و اجرای هرگونه به رهن گزاری مجدد یا حقوق استفاده توسط مؤسسه، شامل جزییات دارایی هایی که به رهن مجدد گزارده شده یا مورد استفاده واقع شده و پیامدهای قانونی اجرای چنین حقوقی بر روی حقوق مشتریان نسبت به آن دارایی ها؛

۹- وام های جاری مربوط به اوراق بهادار مشتری که توسط مؤسسه به نمایندگی از وی انجام گرفته، شامل جزییات طرف های مقابل قرارداد، شرایط قراردادی و وثایق دریافت شده از طرف مشتری.

۱۱- موانع بر سر راه حل و فصل نظام مند

۱۱-۱- چنانچه ارزیابی های حل و فصل پذیری مقامات حل و فصل نشان می دهد که نظام حفاظت از دارایی مشتری، می تواند مانع حل و فصل نظام مند و انتقال و بازپرداخت سریع دارایی های مشتریان گردد، باید مقامات نظارتی مربوطه را آگاه نمایند. مقامات نظارتی باید تعدیلات (اصلاحات) مناسب یا سایر اقدامات نسبت به نظام مزبور را در جهت رفع موانع گزارش شده، مد نظر قرار دهند.